



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کاہلی

۱۷

مقدمه

این قرآن مجید که معهُ ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد. ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر مولانا محمود الحَسَن (رح) "دیوبندی - اهل هند" و مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو نوشته بودند، تحت نظارت علمای فاضل و ممتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوه قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتَدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

روح مُترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرآئینه) ما (الله) فرو فرستادیم قرآن را و هَرآئینه (بدون شک) ما او را نگهداریم (۹).

آیت فوق در سوره پانزدهم (سوره حَجِر) است.

(حَجِر وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِر قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحه این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

ترتیب کننده این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن

۲۰۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی

قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبد الله بن عبد الغني واولاده

بدولة قطر

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده
(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

سپاره همدهم (۱۷)

(سورة الانبياء مكية وهى مائة واثناعشرة آية و سبع ركوعات)
(سورة انبياء مكى و يكصد و دوازده آيت و هفت ركوع است)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ○

آغاز میکنم بنام خدائیکه بی اندازه مهربان نهایت بارحم است



إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ

نزدیک شد بمردمان حسابشان وایشان در غفلت



مُعْرِضُونَ ①

روگردانند

تفسیر : نزدیک است که ساعت حساب ، وقت باز پرس و زمان مجازات آنها فرا رسد مگر اینها (یعنی مشرکین و غیره) سر شار باده غفلت جهالت بوده و برای جواب محشر و روز محاسبه خود هیچ آمادگی نمیکند - و قتیکه آیات الهی (ج) به ایشان شنوانده می شود تاز خواب غفلت بیدار شوند باوجود استماع نصیحت به کمال بی پروائی از آن اعراض میکنند گویا خیال مینمایند که نه آنها گاهی بحضور خدا (ج) پیش میشوند و نه حساب دهی دارند بلی راست است که میگویند (الناس فى غفلاتهم راحا المنية تطحن) .

مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنْ

نمی آید بایشان هیچ بند از جانب

رَبِّهِمْ مُحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَعْمَوْهُ

پروردگارشان (نو) پدید آورده) مگر میشنوند آنرا

وَهُمْ يَلْعَبُونَ ② لَا هِيَ قُلُوبُهُمْ ط

در حالیکه آنها مشغول بازی هستند در بازی غرق است دلهای شان

تفسیر : نصایح قیمت دار قرآن کریم را به حیث لهو و لعب می شنوند اگر در آن همه نصائح کران بها به اخلاص و صدق دل غور میکردند کار دین و دنیای شان درست می شد اما چون پرده سفاهت و غفلت قلوب آنها را پوشانده و ظلمت جهالت تاریکش ساخته و صرف به لهو و لعب اشتغال دارند کجا میتوانند که به کنه حقایق نصایح قرآنی متوجه شوند .

وَأَسْرُوا النَّجْوَى^و الَّذِينَ ظَلَمُوا^ف

و پوشیدند راز گفتن را آنانکه ستم کردند

هَلْ هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ^ج

نیست این شخص مگر آدمی است مثل شما

أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ بُبْصِرُونَ^۳

پس چرا اگر فتا می آید در سحر و حال آنکه شما می بینید

تفسیر : بعضی از این جهلاء بی خبر از استماع اندرز های مقدس قرآنی تنگ حوصله شده و به کمال قساوت و بی انصافی در خفیه مجلس نموده و چنین فیصله کردند که در صدد تکذیب نبوت و تردید آیات قرآنی بر آیند بنابر آن با بیشر می و وقاحت تمام اظهار مینمودند که این پیغمبر مثل ما انسانی است که نه فرشته دانسته میشود و نه نسبت به ما برتری دارد و البته ساحریست که از روی سحر و افسون به جادو میپردازد. آنها در صدد اغوا و تضلیل مردم برآمده و به آنها میگفتند که شما را چه شده و چرا با چشمان کشاده خود را تحت افسون ساحری قرار مید هید بر شما لازم است که نزدیکش نروید . آنها شاید قرآن مجید را از ین حیث جادو گفتند که قوت تاثیر و تصرف حیرت انگیز آن را مشاهده کرده و متحیر میشدند و مجلس خفیه را از سببی منعقد نمودند تا برای تدابیر آینده خود که بر علیه حق اتخاذ می نمودند تمهید و اساس بگذارند . مسلم است دشمن هوشیار و چالاک خوش ندارد تا کار روائیها و ترتیبات معاندانه اش پیش از وقت مکشوف گردد لذا با کمال راز داری و هوشیاری به صحابت همکاران به پروپاگند و تبلیغات میپردازد .

قُلْ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ

گفت پیغمبر رب من میداند هر سخن را که در آسمان

وَالْأَرْضُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۵﴾

و زمین باشد و اوست و شنوا دانا

تفسیر : پیغمبر فرمود که شما هر قدر پوشیده و در خفا مشوره ها کنید
الله از همه خبر دارد و چون او تعالی هر سخن آسمان و زمین را میداند
راز ها و سازشهای شما از او پوشیده مانده نمی تواند .

بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلْ افْتَرَاهُ

آنها گذاشته میگویند (بلکه گفتند) خواب های پریشان است بلکه دروغ بسته است آنها

بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ

بلکه شاعر است پس باید بیارد نزد ما نشانه

كَمَا أُرْسِلَ إِلَّا وَلُؤُنٌ ﴿۵﴾

چنانکه فرستاده شدند به آن پیشینیان

تفسیر : از شنیدن قرآن در اثر عناد و مخالفت شدید عقل و هوش آنها
چنان مختل میگردد که به هیچیک رأی قرار نمیگرفتند گاهی آنها جادو
مینامیدند ، گاهی خوابهای پریشان میگفتند و گاهی ادعا می کردند که
آنحضرت (ص) سخنانی را که خود ساخته است به ما پیش کرده و آنها
قرآن نامیده است و تنها به همین اعتراضات اکتفا نمیکردند بلکه
آنحضرت (ص) را شاعر می خواندند و می گفتند مثل شعراء در اثر
تخیل عالی خود مضامین را در عبارت مؤثر و مسجع میدرارد و اگر حقیقتاً
چنان نیست آنحضرت باید مانند پیغمبران سابق معجزه واضحی نشان
بدهد . این اظهار آنها محض از روی عناد و اذیت بر پیغمبر اکرم بود زیرا
اولاً مشرکین جاهل مکه از پیغمبران سلف و معجزات آنها هیچ آگهی
نداشتند - ثانیاً چندین مرتبه از آنحضرت علامات بینات را که دلیل نبوت
است مشاهده کرده بودند که از معجزات و آثار انبیای سابقین کمتر
نبود و بلندترین تمام معجزات شان قرآن است مشرکین و کفار در دل خود
خوب میدانستند که آیات قرآنی نه عبارت های مهمل جادوگری و نه
خواب های بیمعنی و اضغاث احلام و نه شاعری است بنابراین چون اعتراض
آنها مصداقی پیدا نمیکرد آنها گذاشته به سخن دیگری می پرداختند
«انظر کیف ضربوا لك الامثال فضلوها فلا يستطيعون سبيلا» (فرقان
رکوع ۱) .

مَا أَمَنْتَ قَبْلَهُمْ مِّنْ قُرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا ۚ

ایمان نیاورد پیش از ایشان هیچ قریه‌ئی که هلاک ساختیم آنرا

أَفَرَأَيْتُمُ يَوْمَئِذٍ يَوْمُونَ ⑥

آیا اکنون اینان ایمان می‌آورند

تفسیر : باقوام سابقه معجزات فرمایشی آنها نشان داده شد مگر باوجود مشاهده نپذیرفتند و در نتیجه بروفق سنت الهی (ج) هلاک شدند اگر فرمایشات مشرکین مکه هم بجا آورده شود ظاهر است که گاهی قبول نخواهند کرد لاجرم بروفق عادت مقدس خدائی تباه کرده میشوند مگر اینجا تباهی کلی آنها مقصود نیست بلکه حکمت الهیه فی الجمله مقتضی بقای آنها می باشد .

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوْحِي

و پیغام نفرستادیم پیش از تو مگر بدست مردانی که وحی می‌فرستادیم

إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ

بایشان پس بپرسید از یاددارندگان

إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ⑦

اگر شما نمیدانید

تفسیر : جواب قول آنها که گفته بودند «هل هذا الا بشر مثلكم» این است که پیغمبرانی که پیشتر مبعوث شدند و این کفار از آنحضرت (ص) مطالبه میکنند که مثل معجزات آنها را نشان بدهد آنها هم مثل آنحضرت بشر بودند نه فرشته و اگر خود تان در اثر جهالت از حقیقت چنین واقعه مشهوره اطلاعی ندارید از اشخاص عالم و باخبر بپرسید و چون باهل کتاب یعنی یهود و نصاری در تماس و مراوده می‌باشید بروید و این موضوع عادی را از آنها استفسار کنید که آیا درازمنه ماضیه انبیاء و رسلیکه (علیهم السلام) مبعوث می‌شدند بشر بودند و یا فرشته ؟ .

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ

و نساختیم ایشانرا جسدی که نخورند

الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ⑧

طعام و نبودند جاوید باشندگان

تفسیر : پیغمبران دارای خصائص و وجود بشری بوده و حیثیت وجود فرشتگان را که به غذا احتیاج ندارند نداشتند ، صاحب رتبه الوهیت که از موت و فنا منزّه باشند هم نبودند .

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ

سپس راست گردانیدیم بایشان وعده را پس رستگاری دادیم ایشانرا

وَمَنْ نَّشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ⑨

و کسی را که خواستیم و هلاک گردانیدیم از حد گذرندگان را

تفسیر : با سایر بندگان الهی (ج) صرف از این رهگذر امتیاز و تفوق داشتند که از طرف الله تعالی برای هدایت و اصلاح مخلوق موظف و سرافراز گردیده بودند خدا (ج) وحی خود را بسوی آنها می فرستاد و بآنکه انبیاء عظام و سایل مقابله و دفاع را ظاهراً مالک نبودند و در برابر مخالفین موقف آنها مشکل میشد اما خداوند (ج) وعده حمایت و نگهداری خود را به آنها داد و باین پیمان خود بدرستی و فساد نمود و آنها را با تابعین و پیروان شان محفوظ نگه داشت و دشمنان آنها را که نهایت متکبر بوده با پیغمبران و اتباع ایشان از در مخاصمت و تصادم پیش می آمدند به تباهی و هلاکت میرسانید . یقیناً محمد (صلعم) هم بشر است لیکن بشری که در برابر تمام دنیا و عناد همه مردم ، خداوند (ج) بوجه احسن او را حمایت فرمود ، دشمنان نبوی و مخالفین پیغمبر باید از حوادث ملل سابقه عبرت بگیرند و سرانجام خود را بدقت ملاحظه کنند که مبدا قبل از محاسبه اخروی در دنیا محاسبه آنها شروع گردد.

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ

(هر آینه) فرو فرستادیم بسوی شما کتابی که در آن

ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۱۰

ذکر (پند) شماست آیا نمیدانید

تفسیر: بذریعه قرآن معظم بهر نحوی که ممکن بود در راه خبرت و بینش مردم وافهام نیک و بد کوشش بعمل آمد پس اگر اندکی عقل دارید کوشش خواهید کرد تا خود را از عذاب الهی (ج) محفوظ نگه دارید و قرآن معظم را قدر نمائید زیرا حقیقتاً برای مجد و شرف شما دستاویز بزرگ است و نیز به زبان خود شما و برای فرد کامل قوم شما نازل شد و در دنیا شما را شهرت دائمی عطا فرمود اگر این محسن مقدس و بزرگوار خود را قبول نکردید در دنیا ذلیل میشوید و گذشته از آن عذاب آخرت بر شما رو آوردنی است - قرآن پاک انجام دنیوی اقوامی را که با انبیاء (ع) دشمنی کرده و بر نفس خود ظلم نمودند بخوبی بیان میکند.

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً

و بسا درهم شکستیم از دهی که بودند ستمگار

وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۱۱

و آفریدیم بعد از آنها گروه دیگر

تفسیر: چنین نیست که در اثر افناء و امحای کفار و معاندین دین خدا (ج) زمین به صورت بیابان و صحرای خشکی درآید بلکه خدا (ج) در عوض ایشان دیگران را بروی کار می آورد.

فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا

پس چون حس کردند آفت ما را ناگهان ایشان از آنجا

يَرْكُضُونَ ۱۲ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا

میگریختند و میگریزید و برگردید

إِلَى مَا أُنْتَرِفْتُمْ فِيهِ وَ مَسْكِنِكُمْ

بسوی جائیکه آسودگی داده شد شمارا در آن و خانههای خود

لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ ۱۳

شاید که پرسیده شوید

تفسیر : چون کفار و مشرکین در برابر خود عذاب الهی (ج) رامشاهده کردند اراده نمودند تا از ملک خدا (ج) فرار نموده و مأمنی به جهت خود جستجو نمایند و نجات یابند مگر غافل بودند که در هر جا خدا (ج) حاضر و همه امکانه و از مننه از آن اوست شاید بطور تکوینی به آنها تلقین شده باشد که کجا میگریزید؟ بعشرتگاه خود برگردید - زیرا آنجا ادوات نعمت و سرور را فرا هم کرده بودید ، شاید کسی از شما بپرسد آقا آن نشئه مال و دولت و مستی زور و قوت چه شد ؟ - و آن سامان و دستگاه کجارت ؟ آیا آنها نعم و عطایای خداوندی را تا کدام اندازه شکران نمودید و یا اینکه شما اشخاص بزرگی بودید و در هر موقع و هر مسئله مورد استشاره واقع میشدید ، حال هم آنجا بروید دیگر ضرورت فرار نیست باید مردم از شما در مهمات و امور مشوره بگیرند و از رای شما مستفیض گردند (این جمله ها از روی تحکم گفته شده) .

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۱۴

گفتند (ای) وای بر ما هر آینه بودیم گنہگار

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوُهُمْ حَتَّى

پس دوام داشت همین فریاد ایشان تا وقتیکه

جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدًا ۱۵

ساختیم ایشانرا (کشت) دروشده مانند آتش خاموش

تفسیر : چون عذاب را به چشم سردیدند به معاصی خود اعتراف کرده و پیهم فریاد نمودند که یقیناً ما ظالم و مجرمیم آنوقت تاسف و ندامت سودی نخواهد بخشید چه وقت قبول توبه نبود . این اعتراف به گناه و ندامت در آنوقت فایده نرساند بالاخر چنان محو شدند که گوئی به آن واحد درو گردیده از پا افتادند و یا مانند چوبی شدند که بعد از سوختن خاکستر می شود - العیاذ بالله .

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ
و نیافریدیم و آسمان و زمین را

وَمَا بَيْنَهُمَا لَْعَيْنِ ۝۱۶
و آنچه در میان آنهاست بازی کنان

تفسیر : یعنی چنین نیست که در آن حکمت بالغه و غرض صحیح نباشد بنابراین دانشمندان باید که غایه آفرینش عالم را بفهمد و دنیا را محض لهو و لعب ندانسته از انجام خود غافل نباشد بل خوب بداند که دنیا برای آخرت آفریده شده و انسان مجازات و مکافات هر نیک و بد را خواهد یافت و ذره ذره از حساب گرفته خواهد شد .

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ
اگر میخواستیم که بسازیم بازیچه

لَا نَتَّخِذُ مِنْهُ
هر آینه میساختیم آنرا از نزد خود

إِنْ كُنَّا فَعَلِينَ ۝۱۷ بَلْ نَقْذِرُ
اگر میبودیم کننده چنین نیست (بلکه) می افکنیم

بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدُّ مَغُهُ

حقرا بر باطل پس می شکند سراورا

فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ

پس ناگهان او میرود (هلاک میشود) و شماراست بربادی

هَمَّا تَصِفُونَ ۝ ۱۸

از آنچه بیان میکنید

تفسیر : اگر فرضاً امور لهو و لعب لائق شان ما میبود آنوقت اراده میکردیم تا این مشغله و بازیچه را بر پاکنیم و این چیز را به ذات خود و بقدرت کامل خویش به عمل می آوردیم و بامکافات و مجازات شما سر و کاری نداشتیم - لیکن حقیقت این است که دنیا محض بازیچه و تماشا نیست بل میدان مبارزه حق و باطل است حق در هر جا به مقابل باطل قیام ورزیده و بر آن غلبه حاصل میکند سر انجام اعمال مشرکانه و سخنان سفیهانه خود را ازین حقیقت بدانید که چون بومب حق و صداقت بالای شما به شدت تمام انفلاق کند چه خرابی و بربادی مدهشی بر شما وارد خواهد ساخت و کدام قوت شمارا از آن مهلکه نجات خواهد داد ؟

تنبيه : «لَوَادِنَا اِنْ تَخْذَلْهُوَ الْخ» به چندین عبارت شرح و تفسیر شده و ما معنایی را که به اعتبار سباق و لحاق قریب تر و واضح تر است اختیار نمودیم و نیز به طرف فوائد قیود «مِن لَدُنَّا» و «اِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ» هم اشارات لطیفی رفته است والله تعالی اعلم .

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

و او را است هر که در آسمانها و زمین است

تفسیر : اگر خدا (ج) بخواهد تباه کند کیست که نجات دهد و کجا پناه گاه پیدا خواهد شد .

وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

و آنانکه نزد اویند سرکشی نمیکند

عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾

از عبادت او و مانده نمیشوند

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

تسبیح میکنند شب و روز

لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾

سستی نمی کنند

تفسیر : باوجودیکه فرشتگان از مقربین بارگاه الهی (ج) اند قطعاً از اطاعت سرتابی نمیکند، بندگی و نیاز را بحضور پروردگار خود فخر میدانند و در بجا آوردن و ظایف عبودیت کاهلی و تنبلی را ابداً بخود راه نمیدهند شب و روز به تسبیح و یاد خدای سبحان غرق اند نه مانده میشوند و نه دلگیر میگردند بلکه تسبیح و ذکر غذای شان است طوریکه ماهر وقت تنفس میکنیم و دیگر کارها را هم انجام میدهیم عیناً همین کیفیت را باید در تسبیح و تهلیل فرشتگان بدانیم ، فرشتگان بهرکاریکه مامور و بسر خدمتیکه موظف باشند يك دقیقه هم از انجام ذکر خدا (ج) غافل نمی شوند در صورتیکه فرشتگان معصوم و مقرب را حال چنین است پس برای انسان عاصی و خطاکار لازم است که به مراتب زیاد تری بحضور رب خود نیاز کند .

أَمْ اتَّخَذُوا إِلَهًا مِّنْ أَرْضٍ

آیا مقرر کردند غیر از او (چنین گرفتند) معبودان از (اجزای) زمین

هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾

که ایشانرا دوباره زنده کنند (برانگیزانند)

تفسیر : فرشتگان مقیم آسمان از بندگی او تعالی پهلو تهی نمی کنند بلکه همیشه در یاد و بندگی خدا (ج) مشغول می باشند آیا در زمین چنان ذواتی هست که آنها در مقابل خدای توانا معبود گردانیده شوند و هنگامیکه پرستندگان آنها را به عذاب خود هلاک نماید آیا معبودان باطل میتوانند که پرستش کنندگان خود را زنده کنند و یا از عذاب نجات بدهند ؟ هرگز نی .

لَوْ كَانَتْ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ

اگر بودی در آسمان و زمین معبودانی سوای خدا

لَفَسَدَتَا

(هر آئینه) هر دو تباه شدی

تفسیر : راجع بابطال تعدد «آله» قرآن معظم با دلیل واضح و برهان متینی اقامه حجت نموده و درین مورد میفرماید پس خوب ملتفت باشید ! عبادت تذل کامل و انتهای را گویند و تذل کامل فقط به حضور همان ذاتی به عمل می آید که در ذات و صفات خود از هر حیث کامل باشد - آن ذات مقدس را ما «الله» یا «خدا» (ج) میگوئیم و ذات خداوندی به صورت قطع و حتم باید از هر نوع عیب و نقصی مبرا بوده و از هیچ رهگذر قصور و فتوری نداشته باشد نه عاجز باشد و نه مغلوب و نه تحت فشار کسی قرار گیرد در کار او احدی مانع شده نتواند اکنون فرض کنید که اگر در آسمان و زمین دو خدا باشد البته هر دو باید دارای یکشان و لیاقت بوده و ازهم متفاوت نباشند درین وقت طبعاً تخلیق عالم و تدبیر علویات و سفلیات حسب موافقت کلی هر دو به عمل می آید و یا گاه گاهی بین آنها اختلافی هم رومیدهد در صورت اتحاد دو احتمال متصور است یا یکی به تنهایی از عهده این کار برآمده نمی توانست پس هر دو متحداً بآن نظام امور پرداختند از این وضعیت معلوم شد که احدی ازین هر دو قدرت کامل ندارد و یا اگر یکی تنها سر رشته عالم را به طوری کلی انجام داده میتواندست طبعاً دیگری بیکار محض می بود - ازین جهت باید به وحدانیت ذات الهی (ج) و قدرت کامله و وجود یگانه او ایمان آورد و باید معتقد شد که بدون بندگی بذات واحد او چاره دیگری برای عباد نمی باشد، بطالت برای خدا (ج) نقص است ازین رهگذر این منطق به کلی غلط و مزخرف ثابت شد - و اگر مخالفت را در بین دو خدا فرض کنیم - لا محاله در صورت مقابله یکی مغلوب و مقهور گشته اراده و تجویز خود را ترك خواهد داد پس این وضعیت نفی خدائی او را نمود و یا اگر هر دو از حیث قوت و طاقت متساوی باشند حتماً بر علیه یکدیگر خواهند بر خاست و هر کدام اراده و قدرت خود را محل تطبیق قرار خواهد داد در اثر این ریسمان کشی دو خدا اولاً از ابتداء هیچ چیزی قطعاً به وجود نخواهد

۱۷

آمد و ثانیاً اگر در باب آن شی موجوده زور آزمائی شروع شد آن موجود درین کشمکش از بین میرود - ازین برمی آید که اگر در آسمان و زمین دو خدا بودندی وضعیت کاینات و نظام آسمان و زمین از ابتداء درهم و برهم میشد ورنه لازم می آید که يك خدا باید بیکار ، ناقص و عاجز باشد و این خلاف مفروض است .

قَسْبُحْنَ اللّٰهَ رَبَّ الْعَرْشِ

پاکي خداي راست كه مالك عرش است

عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾

از آنچه بيان ميكنيد

تفسير : در ملك ذاتيكه مالك يگانه عرش (تخت شاهي) است گنجایش شرکت قطعاً متصور نیست چون دو پادشاه خود مختار با آنکه خود اختیاری آنها محض مجازی است در يك اقلیم نمی گنجند چنان ممکن است که دو خدای مختار کل و قادر مطلق در يك قلمرو شریک شوند ؟

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾

(او) پرسیده نمیشود از آنچه میکند و از ایشان بازخواست میشود

تفسير : (خدا) نام آن هستی ایست که قادر مطلق و مختار کل باشد قدرت و مشیت او را احدی باز داشته نمی تواند و هیچکس مجال آن را هم ندارد که از اعمال و افعال خداوندیش اندکی سوال نموده بگوید «فلان کار را چرا اینطور نمودی» آری تنها ذات کبریائی او حق دارد که هر شخص را مواخذه و باز خواست کند .

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهَةً ط

آيا گرفته اند به جز خدا معبودان

قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ج

بگو بياوريد سند خود را

تفسیر : چون راجع به توحید دلیل عقلی قایم شد آنگاه از مشرکین در باب دعوی آنها نسبت به تعدد آلهه دلیل صحیح طلب میشود یعنی بدون خدای واحد معبودانی را که شما تجویز کرده‌اید در حقیقت آنها چه دلیل عقلی و نقلی دارید ؟ و به کدام سند الوهیت آنانرا ثابت می‌نمائید ؟ و اگر دلیلی دارید پیش کنید ظاهر است که آنها به جز اوهام و ظنون و تقلید کور کورانه آباء واجداد خود چیزی نداشتند و در تأیید شرك نه دلیل عقلی آورده توانستند و نه نقلی . کذا قال المفسرون - حضرت شاه (رح) می‌نویسد : « اول مشرکین ، معبودانی را ذکر نمودند که رتبه آنها را با مرتبه خداوندی معادل میدانستند اگر این ها حاکم می بودند حتماً جهان خراب و فاسد می‌شد ، بعد موجوداتی را ذکر نمودند که حیثیت زیر دستی خدای تعالی را داشتند و چون خدایان کوچکتر به طور نایب و حکام ما تحت مصروف می‌باشند در این صورت آنها از طرف مالک بزرگ باید سندی داشته باشند زیرا بدون سند نمی توانند نیابت کنند پس اگر سندی موجود باشد پیش کنید . »

هَذَا اِنْ كُرُ مِنْ مَّعِيَ وَ ذِ كُرُ

این است یاد آنانیکه بامانند و یاد

مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۚ

آنانیکه پیش از من بودند لیکن اکثر ایشان نمی‌دانند

الْحَقُّ فَهُمْ مُّعْرِضُونَ ۚ

سخن حقرا پس ایشان روگردانند

تفسیر : امت من و امم خدا پرست سابقه پیرو همین يك عقیده اند که بدون همان رب العرش دیگر خدائی نیست و دلیل عقلی آن پیشتر بیان شد - اگر شما برخلاف این عقیده سماویه و اجماعی ملل دلیلی دارید حاضر سازید دعوی من اینست که این امت و امتهای سابق و کتاب این امت (قرآن کریم) و کتب آسمانی امم سابقه (تورات و انجیل و غیره) همه بر دعوی توحید متفق اند - چنانچه با وجود تحریفات بی‌شمار - اگر امروز هم اوراق کتب سابقه را از نظر بگذرانید اعلان توحید و رد شرك را بوضاحت مطالعه خواهید نمود مگر این جاهلان این سخن را نمی‌فهمند و اگر فهم و دانش می داشتند سخن حق را شنیده از آن هرگز سر نمی‌پیچیدند .

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَّسُولٍ

و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری

إِلَّا نُوْحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ

مگر وحی میفرستادیم بسوی او که نیست هیچ معبودی برحق

إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْ وَبِ ۝۲۵

غیر من پس پرستید مرا

تفسیر : تمام انبیاء و مرسلین به عقیده توحید اجماع نموده اند و احدی از انبیاء گاهی خلاف آن کلمه را بر زبان خود جاری نساخته اند و همیشه این را تلقین می کردند که بدون خدای یکتا کسی اهلیت آنرا ندارد که طرف پرستش قرار گیرد طوریکه از دلایل عقلی و فطری ثبوت توحید ورد شرک باثبات میرسد همان طور از حیث نقلی اجماع همه انبیاء علیهم السلام بر دعوی توحید دلیل قطعی حقیقت توحید است .

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ

و گفتند گرفته است رحمن

وَلَدًا سُبْحَنَهُ ط

فرزند (این لایق او نیست) پاکی است او را

تفسیر : بعض از قبایل عرب ملائکه الله را دختران خدا می گفتند لهذا نشان داده شد که این لایق شان رفیع خدا نیست که برای خود پسران و دختران بگیرد - در این آیت رد نصاری هم شد که حضرت مسیح (ع) را (ابن الله) میگویند و نیز رد آن فرقه یهود شد که حضرت عزیر (ع) را پسر خدا می خواندند .

بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾
لیکن بندگانشانند معزز

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ
پیشدستی نمیکنند به هیچ سخن و ایشان

يَا مَرْهٍ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾
به حکم او کار میکنند

تفسیر : یعنی آن ذوات بر گزیده را که شما اولاد خدا وانمود می کنید اولادش نیستند بلکه بندگان معزز اویند و باوجود کمال عزت و قرب در حضور الهی بحدی نسبت به مقام ربوبیت اجرای آداب و اطاعت می نمایند که بدون حصول رضا و اجازه او تعالی در حضور او حرفی بلب نیاورده و کاری را بدون حکم او اجرا کرده نمیتوانند گویا همین کمال عبودیت و بندگی طغرای امتیاز آنهاست .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

میداند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه عقب ایشان است

تفسیر : علم حق تعالی به تمام احوال ظاهری و باطنی آنها محیط است هیچ حرکت و قول و فعل ایشان از او پوشیده نیست حقیقت این امر برین بندگان مقرب مکشوف است و از اینجاست که ایشان همه وقت نگران احوال خود می باشند تا در کلیه احوال و اوضاع آنان چیزی خلاف مرضاة الله به مشاهده نرسد .

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ

و شفاعت نمیکنند مگر برای کسی که خدا از او راضی باشد

تفسیر : بدون درک رضای او شفاعت هیچکسی را نمیکنند . چون الله تعالی از مؤمنین موحدین راضی می باشد - لهذا وظیفه ملائکه الله این است که درد دنیا و آخرت در حق آنها استغفار کنند .

وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾

و ایشان از هیبت او میترسند (ترسند گانند)

تفسیر : پس چگونه آنها را میتوان خدا خواند ؟ و چون خدا نیستند لهذا ممکن نیست که پسران و یا دختران خداهم باشند زیرا اولاد صحیح و حقیقی از جنس ابوین خود دانسته میشوند .

وَمَنْ يَّقُلْ مِنْهُمْ اِنِّي اِلٰهُ

و هر که بگوید از ایشان که من معبودم

مِّنْ دُونِهِ فَذٰلِكَ نَجْزِيْهِ جَهَنَّمَ ط

به جز او پس او را جزا میدهم دوزخ

كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِيْنَ ﴿٢٩﴾

همچنین جزا میدهم ظالمان را

تفسیر : کسانی را که شما خدا و یا اولاد خدا می سازید اگر بفرض محال از آنها کسی نسبت به خود (معاذ الله) چنین سخن را بگوید بعد از جهنم مبتلا خواهد شد و این سزائست که به ظالمان و متجاوزین نیز داده میشود . آنکه از محیط دایره اقتدار و جبروت بی انتهای ما بیرون شده نتواند چسان خدا تواند شد و دعوی الوهیت تواند نمود .

اَوَلَمْ يَرِ الْذِّیْنَ كَفَرُوْا

آیا ندیدند کافران

اِنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ كَانَتَا

که آسمانها و زمین بودند

رَتَقًا فَفَتَقْنَاهَا ط

بسته

پس کشودیم آنها را

تفسیر: (رتق) بمعنی آمیختن و در یکدیگر در آمدن است - ابتداء آسمانها و زمین هردو در ظلمت عدم از یکدیگر غیر متمایز افتاده بودند و در مرحله ابتدائی وجودهم بایکدیگر مخلوط بودند بعد از آن قدرت خالق مقتدر هردو را از هم جدا فرمود - پس از این جدائی هر يك به طبقات جداگانه متشکل گردیدند باین همه «بسته» بودند نه از آسمان باران نازل می شد و نه در زمین سبزه و نباتات می روئید بالاخر خدای تعالی برای فایده بنی نوع انسان هردو را از هم جدا ساخت از بالا باران به باریدن آغاز کرد و از پایان مسام زمین باز شد درین قسم زمین حق تعالی چشمه ها و دریاها جریان داد و انواع و اقسام نباتات در آن رویانید و معدنیات را در دل خاک تشکّل داد ، آسمان را با ستارگان بی شمار مزین فرمود و برای هر يك ستاره مدار جداگانه مقرر کرد و گردش هر يك را مختلف گردانید .

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ط

و آفریدیم از آب هر چیز زنده را

تفسیر: موجودات جاننداری را که به نظر می آیند بالواسطه و یا بلاواسطه از آب پیدا کرد ، ماده حیات آنها آب است اگر در بعضی مخلوق ثابت شود که آب در پیدایش آن دخل ندارد از آن مستثنی است بازهم این کلیه به اعتبار (للاكثر حکم الكل) صادق می آید .

أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ③

ایمان نمی آورند

آیا

تفسیر: این همه علامات بینات و انتظامات لایتبدل را می بینند آیا مردم به وجود خدا و وحدانیت او یقین نمی کنند ؟

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ

و نهادیم در زمین و زندهای گران (کوههای بلند)

أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ

که آنها را گرفته مایل نشود (تا نجانباندایشانرا)

تفسیر : شرح آن در سورة نحل نوشته شده است .

وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا

و گذاشتیم در آن راههای کشاده

لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٢١﴾

تا ایشان راه یابند

تفسیر : یکی آنکه اهالی يك مملکت باید با باشندگان مملکت دیگر رابطه و تعلق پیدا کرده بتوانند - اگر امتداد کوهها طور دیگری بعمل می آمد و بلندی های آن غیر متناسب می بود در اثر آن راهها مسدود می شد . این امر صورت نمیگرفت (کذا فی الموضح) مشاهده این همه راههای کشاده انسان را بطرف قدرت و حکمت و توحید حق تعالی رهنمون میگردد .

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا

و ساختیم آسمان را سقفی محفوظ

تفسیر : تا وقتی که خدا (ج) بخواهد نه می افتد و نه می شکند و نه تبدیل میشود و نیز از استراق سمع شیاطین محفوظ و از سببی سقف گفته شد که در نظر به صورت سقف معلوم میشود .

وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٢٢﴾

و ایشان از نشانههای آسمان اعراض کنندگان اند

تفسیر : این سقف رفیع و وسیع از مدتهای مدیدی (که حساب آن راجز خدا (ج) دیگری نداند) بدون ستون و پایه قائم است - وزینت و آرایشی که در آن به کار رفته قطعاً خراب نمیشود - پس این مردم چگونه در آن تفکر و دقت نمی کنند ؟

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

و اوست و آنکه بیافرید شب و روز

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ط

و آفتاب و ماهتاب را

تفسیر : اینها اندك تفصیلی است از نشانهای آسمانی .

كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝۳۱

هر يك در خانه (مداری) شناس میکنند

تفسیر : آفتاب و ماهتاب بلکه هر سیاره در مدار خود همیشه در گردش اند از کلمه «يسبحون» برمی آید که سیارات به حکم پروردگار خود بخود حرکت میکنند والله اعلم .

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ ط

و ندادیم هیچ آدمی را پیش از تو زندگی جاودان

أَفَإِن مَّتَّ فَهُمُ الْخُلْدُ وُن ۝۳۲

آیا اگر بمیری پس ایشان همیشه باشندگان اند؟

كُلُّ نَفْسٍ ذَا آئِقَةٍ الْمَوْتِ ط

هر نفسی چشنده مرگ است

تفسیر : طوریکه وجود مخلوقات فوق الذکر از ایجاد حق تعالی است همانطور زندگی تمام انسانها نیز عطای اوست هر وقتیکه بخواهد بستاند - مرگ بر هر کس ثابت میکند که هستی او به تصرف خودش نیست و عیش چند روزه به پایان رسیده نیست - حضرت شاه (رح)

می نویسد که: کفار سخنان آنحضرت (ص) را شنیده میگفتند که تمام شهرت این شخص منحصر به زندگی اوست - به مجرد انتقال اواز دنیا چیزی باقی نمی ماند اگر غرض آنها ازین قول چنین بود که حدوث موت منافی نبوت است «وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد» جواب آنهاست یعنی از (انبیاء و مرسلین) کیست که ذائقه مرگ را نچشیده باشد و همیشه زنده بماند ؟ - و اگر این سخن را نسبت به مرگ آنحضرت (ص) محض برای دلخوشی خود گفته باشند جواب شان را آیه «افان مت فهم الخالدون» داده است - یعنی شما برای چه خوشوقتی می کنید ؟ آیا اگر آنحضرت (ص) بمیرد شما نخواهید مرد ؟ آیا خیال میکنید که تا بروز قیامت زنده و باقی خواهید ماند ؟ - و چون مسلماً شما هم یکی بعد دیگری میمیرید پس سرور شما بر وفات پیغمبر اصلاً معنی و ارزشی ندارد - هر کس طریق فنا را خواهد پیمود و ذائقه موت را خواهد چشید گویا قرآن معظم اولا توحید و دلایل قدرت الهی (ج) را بیان کرده سپس درین آیت روی سخن را بطرف مسئله نبوت معطوف ساخت .

وَنَبِّئُوهُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ط

و می آزمائیم شما را به بدی (سختی) و نیکی (آسودگی) آزمودنی

تفسیر : الله تعالی در دنیا راحت و زحمت ، صحت و مرض ، کشایش، تنگی و غیره اوضاع مختلفه را بر انسان وارد می سازد تا بدین وسیله آنها را بیازماید و واضح گردد که کدام شخص به مقابل زحمت و بلا صابر و در نعمت ها شاکر است ؟ وجه اشخاص زبان گله و شکایت را در مورد مصیبت دراز و اظهار یأس نموده و یا به ناسپاسی مبتلا می باشند ؟ .

وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿۲۱﴾

و بسوی ما بازگردانیده میشوید

تفسیر : ثمر صبر و شکر و نتیجه اعمال نیک و بد به شما داده میشود .

وَإِذْ رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا

و چون بینند ترا کافران

إِنْ يَتَّخِذُوكَ لَهْزًا ط

نمیگیرند ترا مگر به تمسخر

أَهَذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ ج

آیا این شخص نام میبرد نام معبودان شما را (به بدی)

وَهُمْ يَذْكُرِ الرَّحْمَنَ هُمْ كَفَرُونَ ③

و ایشان از یاد رحمن منکرند

تفسیر : این مردم از انجام بسکلی غافل اند و بر پیغمبر (ع) استهزاء مینمایند چنانچه بطریق تمسخر و تحقیر میگویند «اهذا الذی یذکر الہتکم» آیا همین شخص است که معبودان شما را به بدی ذکر می کند ؟ اما خودشان شرم ندارند که از ذکر معبود حقیقی حتی از نام «رحمن» بد میبرند و از کتاب بر حق او انکار میکنند و چون از زبان پیغمبر مذمت معبودان باطل را میشنوند نهایت آزرده میگردند و قتیکه صورت حال اینطور است پس باید قضاوت نمود که : آیا حالت خود آنها خنده آور است و یا از فریق مقابل ؟

خُلِقَ إِلَّا نَسَانُ مِنْ عَجَلٍ ط

آفریده شده انسان از شتاب

سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ③٧

بزودی وانمود میکنم بشما نشانهای خود را پس شتاب مکنید از من

تفسیر : بعضی چون استهزاء و تمسخر کفار را مشاهده می نمودند آرزو میکردند که بهتر است برین اشخاص بی حیا و گستاخ بلا نازل شود - خود کفار هم بطور استهزاء عجلت آنها را طلب میکردند و با وقاحت تمام میگفتند که اگر ما در نزد شما واقعاً مستحق عذابیم پس چرا فوراً بر ما عذاب را وارد نمی سازید ؟ خداوند بهر دو گروه نشان داد که انسان بسیار عجول است زیرا در سرشت او عجلت تخمیر شده باید اندکی صبر کنید آنگاه من علایم و نشانهای قهر و انتقام خود را به شما وانمود میکنم .

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ

و میگویند کی بعمل می آید این وعده

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۸﴾

اگر شما راستگو هستید

تفسیر : کفار میگویند که شما میگوئید قیامت می آید و کافران برای همیشه در دوزخ میسوزند آخر این وعده کی ایفا میشود اگر راستگو هستید قیامت وجهنم را چرافی الحال نمی آرید ؟ .

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِي كَفَرُوا حِينَ

اگر بدانند کافران آنوقت را که

لَا يَكْفُونَ عَنْ وُجُوهِهِمْ

باز داشته نخواهند توانست از رویهای خود

النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ

آتش را و نه از پشت های خود و نه بایشان

يُنصَرُونَ ﴿۳۹﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً

مدمیرسد (و نه ایشان یاری داده شوند) بلکه می آید بایشان ناگهانی

فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا

پس مبهوت گرداند ایشانرا پس نخواهند توانست رد آنرا

وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿۴۰﴾

و نه ایشان فرصت خواهند یافت (و نه ایشان مهلت داده شوند)

تفسیر : اگر حقیقت برایشان منکشف گردد و تحقق و صحت آنساعت هولناک را بفهمند ممکن نیست که به اظهار این خواهش اصلاً جرأت کنند این همه اعتراضات جاهلانه از روی جهل و بی فکری به ذهن آنها خطور میکند - هنگامیکه عذاب از چهار طرف آنها را احاطه کرد از هیچ جانب آنها را از خود دور نخواهند توانست و نه از احدی مددی به ایشان میرسد و نه به آنها مهلت داده میشود چون عظمت و دهشت آن در ذهن ایشان متمرکز نیست و عقاب ناگهانی عاید میشود لذا هوش و حواس خود را بکلی خواهند باخت - آنوقت خواهند دانست آنچه را که به نظر استهزاء و تمسخر می نگریستند اینک حقیقت پیدا کرد .

وَلَقَدْ اسْتَهْزَئُوا بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ

(وهر آئینه) استهزاء کرده شد به پیغمبران پیش از تو

فَحَاقَ يَالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ

باز پس نازل گردید (احاطه کرد) آنانرا که استهزاء میکردند از ایشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣١﴾

آنچه به آن استهزاء میکردند

تفسیر : به جزای اقوال خود رسیدند و تمسخر آنها پس بخود ایشان عاید گردید .

قُلْ مَن يَكْلُوْكُمْ يَاللَّيْلِ

بگو که نگهبانی میکند شمارا دوشب

وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ ط

و روز از (عذاب) رحمن

تفسیر : کلمات دیگری که این وقت شمارا از قهر و عذاب رحمن نجات دهد و یا حفاظت کند ، این هم محض رحمت و اُسعه اوست که فوراً عذاب نازل نمیکند - باید آدمی با کمال عجز از قهر و غضب چنین رحیم ، حلیم و قهار بترسد ، نعوذ بالله من غضب الحلیم .

بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾

بلکه ایشان از یاد پروردگار خود روگردانند

تفسیر : آنها حفاظت الهی (ج) را هیچ اعتراف ندارند و حس نمی کنند عیش و تنعم و زندگی باراحت و امن اوشان را از یاد پروردگار حقیقی غافل ساخته است ، از همین سبب اگر نصیحتی شنوند از آن رو میگردانند .

أَمْ لَهُمُ إِلَهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا ط

آیا برای ایشان معبودانی است که باز میدارند ایشانرا غیرازما

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ

نمی توانند یاری دادن نفسهای خودرا

وَلَا لَهُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾

و نه ایشان از طرف ما مستحق رفاقت اند (محفوظ داشته شوند)

تفسیر : آیا نسبت به معبودان فرضی خود چنین خیال دارند که آنها به حفاظت ایشان می پردازند و در موقع قهر الهی از غضب خدا وندی ایشانرا نجات خواهند داد ؟ اما معبودان بیچاره و ناتوان به مدد و حفاظت مردم کجا رسیده میتوانند زیرا به حفاظت وجود خود هم قادر نیستند اگر کسی آنها را بشکند و یا چیزی را از آنها برباید حتی برای مدافعه و تحفظ خویش هم قدرت ندارند که دست و پائی بزنند و یا برای نجات خود به معاونت و امداد الهی (ج) متوسل گردند .

بَلْ مَتَّعْنَاهُمْ هَؤُلَاءِ وَ آبَاءَهُمْ

بلکه عیش دادیم ایشانرا و پدران ایشانرا

حَتَّىٰ طَال عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ ط

تا که دراز شد برایشان زندگی

تفسیر : نگهبانی و حفاظت رحمن و عجز و بیچارگی تنها واصنام مسئله مشکل نیست که انسانها آنرا فهمیده نتوانند اما سخن درینجاست که چون مردم از قرنهای باین طرف دارای زندگی آرام و بی اندیشه میباشند و هیچ صدمه عذاب الهی (ج) بایشان نرسیده لذا برآن مغرور و درنشه غفلت مدهوش شده پیغام حق تعالی را نشنیدند و از پذیرفتن پند و نصیحت پیغمبران رو گردانیدند .

أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ

آیا نمی بینند که ما می آئیم زمین را

نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۴۶﴾

میکاهیم (آنها) از کناره های آن آیا ایشان غلبه کنندگان اند

تفسیر : اسلام درعرب روبافزایش و کفر بنای زوال نهاد ، آهسته آهسته زمین عرب بر کفار تنگ شده و حکومت ها و ریاست های ایشان روبانقراض میرفت چون این همه آثار و قرائن واضح را مشاهده میکنند آیا انجام خود رادیده نمیتوانند ؟ و باوجود این مشاهدات آیا امید وار میتوانند شد که بر پیغمبر (ع) و مسلمانان غالب خواهند گردید ؟ اگر چشم عبرت دارند باید از عقل کاربگیرند و از قرائن و احوال به وضعیت مستقبل خود آگاه گردند . - آیا آنها خبر ندارند که قریه های اطراف و نواحی شان به پاداش تکذیب و عداوت با انبیاء مورد تباهی قرار داده شده است - عادت همیشه این است که گروه جان نثاران و فداکاران راه خدا (ج) بالاخر کامیاب بوده اند پس آیا آنها توقع میتوانند که در مقابل سید المرسلین و مؤمنین کاملین غالب آیند «وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حولَكُم مِّنَ الْقُرَىٰ وَ سَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (احقاف رکوع ۴) . (تنبیه) : مضمون این آیت در آخر سورة «رعد» گذشت فواید مذکور ملاحظه شود .

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ

بگو جز این نیست که میترسانم شما را موافق حکم (و وحی)

وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ

و نمی شنوند کرها خواندن را

إِذَا مَا يُنذَرُونَ ﴿٤٥﴾

چون ترسانیده میشوند

تفسیر : وظیفه من همین است که مطابق وحی الهی (ج) نصیحت نمایم و از عاقبت امور شمارا آگاه سازم اگر این آواز را کرها نشنوند قصور من نیست ، خود شان سزای کری خود را خواهند یافت .

وَلَكِنَّ مَسْتَهْمَ نَفْحَةٍ مِّنْ عَذَابٍ

و امر برسد بایشان تلی (اندکی) از عذاب

رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَا

پروردگار تو هرآئینه گویند ای وای برما

إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾

هرآئینه بودیم گناهکار

تفسیر : کری این مردم که خود را عمدآناشنوا ساخته اند فقط تا آنوقت دوام دارد که تکانی بایشان داده شود اگر اندک صدای عذاب الهی (ج) به گوش شان رسید یا کمی قهر و انتقام خدا ایشان را فرا گرفت ، چشم و گوش همه باز میشود آنوقت به اختلال حواس مبتلا شده نعره خواهند زد : یقیناً ما مجرمین بزرگی بودیم که مورد این چنین بدبختی واقع شدیم .

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ

و میگذاریم ترازوهای انصاف را

لِیَوْمِ الْقِیَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا^ط

بروز قیامت پس ستم نخواهد شد بر هیچ نفس چیزی

وَإِنْ كَانَتْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ

و اگر باشد برابر دانه

مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا^ط

از خردل بیاوریم آنرا

تفسیر : هر عمل اگر چه برابر دانه خردل باشد به میزان حساب آورده میشود و قطعاً ضایع نمیگردد هیچکس مورد ظلم و تعدی قرار نمیگیرد و چنان محاسبه دقیق با او به عمل می آید که ذره در حق او ظلم کرده نمیشود .

تنبیه : «موازن» جمع میزان است شاید ترازوی متعددی باشد و یا فقط یکی باشد و اما به اعتبار اعمال و اعمال مختلف چندین عدد قرار داده شده باشد والله اعلم در باب وزن اعمال و میزان فواید سورة اعراف را مطالعه کنید .

وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ^(۴۷)

و ما کافی هستیم برای حساب (شمار کننده)

تفسیر : حساب ما قاطع و حساب نهائی است و بعد از آن محاسبه دیگر صورت نمی گیرد ما برای محاسبه اعمال تمام مخلوق به معاون و مددگاری قطعاً ضرورت نداریم ، بعد از آن خداوند نشان داد که سلسله انذار و تخویف از سابق باینطرف پیهم جریان داشته است و آنچه هائیکه امروز حضرت محمد (ص) مردم را از آنها میترساند انبیای سابق هم مردم را از آنها میترسانیدند .

وَلَقَدْ أَتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ

و (هر آینه) داده بودیم موسی و هارون را

الْفُرْقَانِ وَضِيَاءٌ وَذِكْرُ الْاَلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾

کتاب فیصله کننده و روشن و نصیحت برای ترسندگان

تفسیر : تورات شریف که در بین قضایای حق و باطل ، هدایت، ضلالت حلال و حرام فیصله میکرد ، در تاریکی های جهل و غفلت روشنی می افکند و خدا ترسان را نصیحت می نمود .

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ

آنانیکه میترسند از پروردگار خود بدون دیدن

وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾

و ایشان از قیامت میترسند (ترسندگانند)

تفسیر : چون ترس خدا (ج) در دل ایشان جای دارد لذا از خطر قیامت هراسانند و دائماً در تشویش و اندیشه هستند که در آنجا چه وضعی پیش می آید - مبادا (العیاذ بالله) مورد سخط و عذاب حق تعالی واقع شوند البته ظاهراًست همچو مردم از نصیحت منتفع میشوند .

وَ هَذَا ذِكْرُ مُبْرَكٍ أَنْزَلْنَاهُ

و این نصیحت مبارک است که فرو فرستادیم آنرا

أَفَاَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾

پس آیا شما نمی پذیرید (منکرید)

تفسیر : قرآن که در دسترس شما قرار دارد پندنامه است بس جلیل القدر وعظیم النفع وکثیر الخیر که عظمت آن نسبت به تورات هم روشن تر است آیا شما از چنین کتاب واضح و روشن و ناقابل انکار منکر میشوید ؟

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ

و (هر آئینه) داده بودیم ابراهیم را راه نیک او

مِنْ قَبْلُ

پیش ازین

تفسیر : ما ابراهیم علیه السلام را قبل از حضرت محمد رسول الله (ص) و حضرت موسی و هارون (علیهما الصلوة والسلام) مناسب قابلیت و شان اعلای او رشد و هدایت دادیم بلکه پیش از جوانی درعین صباوت او را براه نیک و طریق ارشادیکه شایان شان انبیای اولوالعزم است روان کردیم.

وَكُنَّا بِهِ عَلِيمِينَ ﴿٥١﴾

و ما از آن خبر داشتیم (و بودیم باحوال او دانا)

تفسیر : و چون از استعداد و اهلیت کمالات علمیه و عملیه او کامل خبر داریم لهذا مناسب حال او رشد و هدایت بوی عطا کردیم.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ

چون گفت پدر خود و قوم خود چیست این

الْتَّمَائِلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾

بت هائیکه شما به آن مجاور هستید

تفسیر : حضرت خلیل به پدر و قوم خویش گفت که اندکی از اصلیت و حقیقت آنها بیان کنید که این بت های سنگی که بدست خود تراشیده اید بکدام دلیل خدا گردیده اند .

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عِبَادِينَ ۝۵۳

گفتند یافتیم پدران خود را آنرا پرستندگان

تفسیر : هیچ شهادت عقل وفطرت و نقل معتدبها در تأیید قول ما موجود نبوده لیکن بزرگترین دلیل بر حقیقت بت پرستی این است که آباء و اجداد ما از قدیم الایام پرستش اصنام میکردند پس طریق بزرگان و اسلاف خود را چگونه ترك نمائیم .

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ

گفت (هر آئینه) بودید شما و پدران شما

فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۵۴

در گمراهی آشکار

تفسیر : باین دلیل حقانیت و دانش شما ثابت نشد - البته ثابت است که پدران شما هم مثل شما گمراه و بی خرد بودند شما بیهوده به تقلید کورکورانه آنها خود را تباه میکنید .

قَالُوا أَاجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ

گفتند آیا آوردی بما سخن حق یا تو

مِنَ اللَّعِينِينَ ۝۵۵

بازی میکنی (از بازی کنندگانی)

تفسیر : چون برخلاف عقیده تمام قوم چنین سخن درشت ابراهیم (ع) را شنیدند بین آنها اضطراب تولید گردیده گفتند آیا خیال و عقیده تو حقیقتاً همین است و یا مزاح و مطایبه میکنی ؟ .

قَالَ بَلْ رُبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ

گفت نی بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها

وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ

و زمین است آنکه ساخته ایشان را

وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾

و من بر این سخن قائم (از شاهدانم)

تفسیر : عقیده من همین است و به یقین و بصیرت کامل شهادت میدهم که پروردگار همه ما و شما همان خدای یگانه است که آسمانها و زمین را آفریده و آنها را نگه میدارد و احدی در خدائی او شریک شده نمیتواند.

وَتَاللَّهِ لَا كِيدَ تِ أَصْنَا مَكُم

و قسم به الله (هر آئینه) چاره کنم بتان شمارا

بَعْدَ أَنْ تَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿٥٧﴾

بعد از آنکه رفتید پشت گردانیده

تفسیر : این سخن را قدری آهسته تر گفت به قسمیکه بعضی شنیدند و اکثر نشنیدند اما کسانی که شنیدند هیچ اعتناء نکردند و پنداشتند که تنها يك جوان در مقابل تمام قوم به معبودان آنها چه كزند رسانیده میتواند ؟

فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ

پس گردانید آنها را پاره پاره مگر کلان آنها را

لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿٥٨﴾

شاید (ایشان) بسوی او رجوع کنند

تفسیر : چون مردمان در بیرون شهر برای میله و تماشا رفتند ابراهیم (ع) داخل بتخانه شده بتها را بشکست و تنها يك بت را که به اعتبار جثه یا از روی تعظیم و تکریم نزد آنها کلانتر بود باقی گذاشت و تبری را که به آن اصنام را شکسته بود در گردن آن بت کلان حمایل نمود تا چون مردم برگردند و این وضعیت را ببینند طبعاً فکرشان به طرف بت کلان متوجه شود و یا الزاماً توجه آنها به طرف آن معطوف گردد .

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا يَا إلهَتِنَا

گفتند که این کار را بمعبودان ما

إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

(هر آئینه) او از ستمگاران است

تفسیر : این حرکت گستاخی و توهین را در حق معبودان ماکه مرتکب شد و عامل آن یقیناً شخصیتیست بسیار ظالم و شریر (استغفرالله) این جمله را شاید اشخاصی گفتند که کلمات «وَنَالَهُ لَکِیْدُنْ اَصْنَامُکُمْ» بکوش آنها نرسیده بود .

قَالُوا سَمِعْنَا فَتًی يَدْعُكُمْ هُمْ

گفتند شنیدیم جوانی را که چیزی میگفت در باب بتان

يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٦٠﴾

که میگویند او را ابراهیم

تفسیر : این را کسانی گفته خواهند بود که کلمات حضرت ابراهیم (ع) را شنیده بودند یعنی همان يك شخص است که بتان ما را به بدی ذکر میکرد و یقیناً این کار را او کرده باشد .

قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ

گفتند بیارید او را پیش روی مردم

لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾

شاید ایشان ببینند (شهادت دهند)

تفسیر : او را خواسته و در محضر عام محاکمه کنید تا همگان معامله او را دیده و سخنانش را شنیده گواه باشند و بدانند که سزائیکه از طرف قوم باو داده میشود بلاشک مستحق آن است ، این بود مقصد آنها و مراد حضرت ابراهیم (ع) نیز همین بود که در محضر عام باو موقع داده شود که مشرکین را عاجز و مبہوت سازد و علی رؤس الاشهاد اظهار غلبه حق شود .

قَالُوا إِيَّاكَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا يَا لِهَيْبَتِنَا

گفتند آیا تو کرده ای این را به معبودان ما

يَا بَرَاهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ قَوْمِي

ای ابراهیم گفت نی بلکه کرده آنها

كَبِيرُ هُمْ هَذَا فَسَلُّوهُمْ

این کلان شان پس بپرسید از ایشان

إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾

اگر ایشان سخن گفته میتوانند

تفسیر : ضرورت پرسیدن ازمن نیست فرض کنید که این بت کلان که صحیح و سالم ایستاده است و آله شکستن هم نزدش موجود است این کار را کرده باشد و اینک در اثناء بحث و تحقیق بطور الزام و تبکیست میتوانم دعوی کنم که بت کلان همه بتان خورد را شکستانده اکنون شما

چه دلیل دارید که این عمل از او بوقوع نپیوسته زیرا می‌دانید که در دنیا مازهای کلان مازهای خورد را و ماهی عظیم ماهی کوچک را بلع می‌کند و سلاطین کلان سلطنت های خورد را تباه و محکوم می سازند بنابراین طریق بهتری برای فیصله دعوی ما و شما این است که خود شما از این معبودان اگر سخن زده می‌توانند بپرسید که این ماجرا چگونه صورت گرفت . البته در این معامله حتماً خاموش نمی مانند ، دروغ و راست مرا فیصله میکنند .

تنبیه : از طرز بیان ما واضح شد که گفتن «بل فعله کبیرهم هذا» به طور اخبار خلاف واقع نبود که حقیقتاً دروغ گفته شود بلکه (کلام شر طی است) که بغرض تحمیق و تجهیل آنها يك احتمال فرضی را بصورت دعوی گرفته و بطور تعریض والزام پیش کرد چنانچه عموماً در بحث و مناظره بعمل می‌آید ، این را نمیتوان دروغ گفت هر چند به ظاهراً صورت دروغ معلوم میشود ، ازین سبب در بعض احادیث صورتاً بر آن اطلاق لفظ کذب کرده شده - مفسرین در توجیه آن محمل دیگری هم بیان کرده اند - لیکن در نزد ما همین تقریر نهایت واضح و بی تکلف واقرب الی الروایات است والله اعلم .

فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا

پس رجوع کردند به عقول خود پس گفتند

إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٣﴾

ستمگارید

هر آئینه شما

تفسیر : دانستند که از پرستیدن سنگ عاقل و بی مقدار سودی نیست و یا این مطلب باشد که خود شما بر خود ظلم کردید چه با آنکه تهدید ابراهیم علیه السلام را شنیده بودید چرا به کمال بی پروائی بتخانه را باز گذاشتید و رفتید و برای حفاظت معبودان خویش هیچ سر رشته و سامانی نکردید کذا قال ابن کثیر .

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُءُوسِهِمْ

پس خم شدند به سرهای خود (سرنگون شدند)

تفسیر : مشرکین از فرط خجالت بیکدیگر دیده نمی‌توانستند .

لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾

(گفتند هر آینه) میدانی که (مثل) اینها سخن نمیگویند

تفسیر : دیده و دانسته چنین امر ناممکن را چرا ازما مطالبه میکنی آیا سنگها هم حرف زده میتوانند ؟

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

گفت آیا عبادت میکنید بجز الله

مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾

چیزی را که نفع نمیرساند بشما چیزی و نه ضرر میرساند بشما

أَفِي لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ

هلاکت باد برای شما (بیزارم از شما) و برای آنچه میپرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾

بجز خدا (بیزارم از شما و از چیزهایی که میپرستید) آیا عقل ندارید ؟

تفسیر : از شرم باید بمیرید شما پیکری را که يك لفظ گفته نتواند و بوقت سختی و درماندگی به کار نیاید و به يك ذره نفع و نقصان قدرت نداشته باشد به کدام جرأت اورا به خدائی اختیار کردید آیا چنین سخن واضح و روشن را هم فهمیده نمیتوانید ؟

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا

گفتند بسوزانید اورا و مدد کنید

إِلَهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلِينَ ﴿٦٨﴾

معبودان خود را اگر چیزی میکنید (اگر هستید نصرت کنندگان)

تفسیر : در بحث و مناظره براو غلبه حاصل نمی‌توانیم اکنون همین یک صورت باقی میماند و آن اینست که چون معبودان مابه امداد و معاونت با همدیگر قادر نیستند پس ماباید به امداد آنها پردازیم و بدشمن آنها سخت‌ترین سزا بدهیم و اگر این عمل را اجراء نتوانستیم گو یا هیچکاری نکردیم در نتیجه این مشوره تجویز کردند که ابراهیم (ع) را در آتش بسوزانند زیرا ابراهیم (ع) در اثر شکستن بتها قلوب آنها را به سوزش آورده بود بالاخر ظالمان و مشرکین به کمال قساوت و بیرحمی حضرت ابراهیم (ع) را در آتش شدیدی که نهایت مشعل بود افکندند.

قُلْنَا يَنَّا رُكُوءِي بَرْدًا وَسَلَامًا

گفتیم ای آتش شو سرد (و موجب) سلامت باش

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾

بر ابراهیم

تفسیر : از طرف خدا (ج) حکم تکوینی به آتش شد که بر ابراهیم (ع) سرد شو لیکن نه چنان سردیکه از برودت باو زحمت و اذیت برسد آتش چنان بارد و معتدل گردید که به جسم و جان او سازش نمود .

تنبیه : گل شدن آتش بر ابراهیم (ع) معجزه خودش بود ، حقیقت معجزه این است که حق تعالی بر خلاف عادت عام خود سبب عادی را از مسبب و یا مسبب را از سبب جدا کند - درینجا سبب احراق (یعنی آتش) موجود بود مگر مسبب (یعنی احراق) بر آن مرتب نشد ، در باب معجزه و غیره کلام مفصل و مبسوطی در چندین شماره رساله «المحمود» نشر کرده‌ایم به آن رجوع شود .

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُم

و خواستند باو فریب پس ساختیم ایشانرا

الَا خُسْرٍ يٰنَ ﴿٧٠﴾

زیان مندترین

تفسیر : می خواستند به ابراهیم (ع) گزندی برسانند لیکن خود شان به ناکامی ، ذلت و خساره اندر شدند . صداقت حق آشکار گردید و کلمه الله بلند گشت قال فی البحر المحيط «قد اکثر الناس فی حکایة ماجری لا ابراهیم (ع) والذي صح هو ما ذكره الله تعالى من انه (ع) القى فی النار فجعلها الله علیه برداً وسلاماً» .

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي

و نجات داده کشیدیم او را و لوط را بسوی
زمینی که

بُرَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾

برکت نهادیم در آن برای عالمیان

تفسیر : حضرت ابراهیم را با حضرت لوط علیهما السلام صحیح و سالم به مملکت شام بردند که در آنجا برکات ظاهری و باطنی زیاد موجود است .

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ

و بخشیدیم او را اسحاق

وَيَعْقُوبَ نَا فِلَةً ط

و یعقوب زیاده

تفسیر : در پیری پسر خواسته بود ما نواسه هم دادیم یعنی یعقوب (ع) .

وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

و همه را گردانیدیم نیکو کار

تفسیر : ابراهیم با لوط ، اسحق و یعقوب علیهم السلام از جمله بندگان
یک و درجه اعلی هستند زیرا همه انبیاء بودند و بلند تر از مرتبه
نبوت و صلاحیت پیغمبران رتبه نیکو و صلاحیت کامل تر تصور نتوان
شد .

وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

و گردانیدیم ایشانرا پیشوایان که رهنمائی میکردند بحکم ما

تفسیر : آنها آنقدر کامل بودند که دیگران را هم کامل می ساختند .

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ

و وحی کردیم بسوی ایشان کردن نیکوئی ها

وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ

و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را

تفسیر : بطرف آنها وحی فرستاد و آن مشتمل بر تاکید اموری بود که
کمال علمی آنها را در بر داشت .

وَكَانُوا لَنَا عِبْدًا

و بودند برای ما پرستندگان دایمی

تفسیر : آنها شب و روز در بندگی ما مصروف بودند - و به طرف دیگر
چشم بالا نمیکردند شاعری فرموده :
يَا عَيْنُ زِدْنِي غَافِلًا مِنْ أَهْلِ مَا هُنَا * تَرَسُّمٌ كَمَا نَظَرْتُ إِلَى مَا هُنَا
این است شان انبیاء که هر کار ایشان به بندگی خدا ربطی داشته و این
از کمالات عملی ایشان محسوب میشود .

وَلَوْ ظَا أَتَيْنَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا

و لوط را دادیم حکم و علم

تفسیر : حکمت و حکومت و علم و فهمی که شایسته شان انبیاء (ع) است .

وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي
ونجات داده کشیدیم از قریه که

كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَ ط
میکردند کارهای پلید

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فُسِقِينَ ۚ
هرآئینه ایشان بودند قوم بد نافرمان

تفسیر : مراد از قریه «سدوم» وملحقات آن است - اهالی آن دیار افعال خلاف فطرت را ارتکاب میکردند و گرفتار چندین کار خبیث بودند قصه آنها پیشتر چندین جا گذشت .

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا ط
و درآوردیم او را در رحمت خود

إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۚ
وهرآئینه او از نیکوکاران است

تفسیر : چون بر قوم لوط عذاب فرو فرستادیم لوط ورفقای او را فضل ورحمت ما درآغوش گرفت تاانجام نیکوکاران وبدکاران ازهم جداومتمايز گردد .

وَنُوحٍ إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ
و (یادکن) نوح را چون ندا کرد پیش از آن

تفسیر : یعنی قبل از ابراهیم و لوط علیهماالسلام .

فَاَسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ

پس قبول کردیم دعای او را پس نجات دادیم او را و اهل او را

مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ

از پریشانی بزرگ و نصرت دادیم او را

مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

بر قومیکه تکذیب میکردند

بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ

آیات ما را (هر آئینه ایشان) بودند گروه بد

فَاَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾

پس غرق کردیم ایشان را همه

تفسیر : نوح (ع) قوم خود را نهصد و پنجاه سال تبلیغ می نمود البته درین مدت طویل رنجها و مشقت های طاقت فرسارا متحمل شد بالاخر بدرگاه الهی (ج) چنین دعا کرد که «انی مغلوب فانتصر» (قمر رکوع ۱) و «وب لاتذر علی الارض من الکفرین دیارا» (نوح رکوع ۲) حق تعالی دعایش را قبول فرمود و کافران را به ذریعۀ طوفان غرق نمود امانوح (ع) را با همراهانش از عذاب و رنج طوفان و ایذای کافران نجات داد قصه مفصل آن پیشتر گذشت .

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمُونَ

و (یادکن) داود و سلیمان را چون حکم میکردند

فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشْتُ فِيهِ

در (نزع) کشت چون شب چرید دران

غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ

رمة قومی و بودیم بر فیصله ایشان

شَهِدِينَ ۖ فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ ۚ

حاضر (آگاه) پس فهمانیدیم فیصله را بسلیمان

وَ كُنَّا أَوْلَىٰ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ

و هردو را دادیم حکم و علم

تفسیر : حضرت داؤد (ع) و فرزند شان حضرت سلیمان (ع) هردو نبی بودند والله تعالی بهردو حکومت ، قوت فیصله ، علم و حکمت عطا فرمود حضرت سلیمان (ع) در عین طفولیت چنان سخنان فوق العاده می گفتند که شنوندگان حیران می شدند ، باری بحضور حضرت داؤد (ع) دعوائی پیش شد باینطریق که شبانگاه در کشت شخصی بزهای شخص دیگری داخل شد و فصل پایمال و خراب گردید حضرت داؤد (ع) دید که قیمت بزها برابر قیمت فصل مزرعه است پس فیصله نمودند تا بزها به صاحب زمین (که نقصان برداشته بود) داده شود- حضرت سلیمان (ع) فرمودند حسب فیصله و نظریه من صاحب فصل بزهارانزد خود نگاه کند و از شیر و غیره محصولات آن استفاده نماید و مالک بزها مشغول زراعت شده مزرعه را آباد و زراعت کند تاآنکه کشت زار به وضعیت سابق برسد بعد ازآن زمین دار بزهارا به صاحبش مسترد و زمین خودرا متصرف شود درینصورت هردو فریق زیان مند نمیگردند حضرت داؤد (ع) این فیصله را شنیده تحسین فرمود و از اجتهاد خود رجوع نمود ، کویا باصطلاح اصول الفقه استحسان حضرت سلیمان (ع) را در مقابل قیاس خود بهتر ترجیح داده قبول فرمود - فیصله را که پدر و پسر در حق مدعی و مدعی علیه کردند بحضور الله تعالی موجود بود - و هر دو را از طرف خود قوت و فهم داده بود لیکن فیصله بهتر را اوتعالی برای سلیمان (ع) داناند پس او به نتیجه رسید که نزد اوتعالی اصلح و اصوب بود تاآنکه حضرت داؤد (ع) هم آنرا قبول

میفرمود ، ازین واقعه ظاهر شد که انبیاء علیهم السلام اگر چه پادشاه باشند با آنهم از روی عدالتیکه دارند به طرف قضایای کوچک مردم همان قدر توجه میفرمایند چنانکه در معاملات بزرگ ایشان اجرای قضاوت و عطف توجه می نمایند .

وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ

و تابع ساختیم و به همراه داود کوهها را

يُسَبِّحُنَ وَالطَّيْرُ ط

که تسبیح میکردند و مرغان را (و مسخر گردانیدیم کوهها و مرغان را در حالیکه تسبیح میگفتند باداود)

تفسیر : حضرت داود (ع) خارق العاده خوش آواز بودند علاوه بر آن تاثیر پیغمبرانه آوازش این بود که هرگاه به جوش آمده به قرائت زبور می پرداختند و یا به تسبیح و تحمید خدای تعالی مصروف میشدند کوهها و پرندگان نیز همراه او به آواز بلند تسبیح می گفتند .

وَكُنَّا فَعَلِينَ ٧٩

و (اینهمه) ما کننده بودیم

تفسیر : نباید تعجب کرد که سنگها و پرندگان چگونه تهلیل و تسبیح میکردند اینهمه کرده ماست آیا از نقطه نظر قدرت لامحدود ما این واقعات استبعاد دارد ؟

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ

و آموختیم او را ساختن لباس برای شما

لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ ج

تا حفاظت کند شما را از (ضرر) کار ذاتان

تفسیر : حق تعالی بدست حضرت داود (ع) آهن را موم ساخته بود آنرا تاب داده و حلقه حلقه کرده از آن به طرز جدید زره می ساخت که نهایت سبک و مضبوط بوده در جنگ بکار می آمد .

فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿۸۰﴾

پس آیا شما هستید شکر کنندگان

تفسیر : برای فایده شما توسط داود (ع) چنان صنعت عجیب و غریب را به وجود آورد پس فکر کنید که آیا شکر این همه نعمتهای خداوند (ج) را چیزی ادا میکنید ؟

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي

و (تابع کردیم) برای سلیمان باد تند که میوزید

بِأَمْرٍ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي

بحکم او بسوی زمینی که

بَرَكْنَا فِيهَا ط

برکت نهاده ایم در آن

تفسیر : حضرت سلیمان (ع) دعا کرده بود «رب اغفر لی وهب لی ملکاً لا یشغی لاحد من بعدی» (ص رکوع ۳) الله تعالی هوا و جن را برای او مطیع و مسخر ساخت - حضرت سلیمان (ع) چنان تختی ساخته بود که با اعیان و اراکین دولت خود بر آن می نشست و سامان ضروری را هم در آن می گذاشت سپس هوا آمده و به قوت آرا از زمین برداشته بالا میبرد و بعد مطابق ضرورت نفری حرکت می نمود چنانکه در دیگر جا فرمود «وَحَاءَ حَيْثُ اصَابَ» (ص رکوع ۳) از یمن به شام و از شام به یمن مسافه یکماه را به نیم روز طی می کرد . جای تعجب است که درین عصر با وجودیکه طیارات عجیب و غریب اختراع شده باز هم بسیار گمراهان و مضلین ازین واقعات انکار میکنند - اهالی یورپ کاریکه بذریعه بخار و برق میتوانند آیا خدای تعالی به لحاظ پیغمبر به قدرت کامله خود کرده نمیتواند ؟

وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ ﴿۸۱﴾

و هستیم به همه چیز دانا

تفسیر : یعنی کدام شخص لایق چه امتیاز است و از هواد دیگر عناصر چه قسم کار گرفته میشود .

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُ صُوتَ لَهُ

و تابع (ساختیم) از شیاطین آنانی را که غوطه می زدند برای او

وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَٰلِكَ

و می کردند کارهای غیر آن

تفسیر : مراد از شیاطین جن های سرکش اند که حضرت سلیمان (ع) ایشانرا مامور می ساخت تا در دریا غوطه زنند و از اعماق بحر مروارید و جواهر بیرون آرند و امور تعمیریه و کارهای سنگین را بایشان محول می کرد ، طشت های مسی که هر یک برابر یک حوض بوده با دیگهای بزرگ که از جای حرکت داده نمی شد به واسطه ایشان می ساخت و می برداشت ، اعمال شاقه را ذریعه ایشان انجام میداد . معلوم میشود کارهای حیرت آوری را که درین زمان الله تعالی بذریعه قوتهای ما دی میکند در آن زمان بواسطه قوت های مخفی و روحی اجرامی کرد .

وَكُنَّا لَهُمْ حَفِظِينَ ﴿١٢﴾

و بودیم ایشانرا نگهبان

تفسیر : خداوند (ج) میفرماید ما به اقتدار کامل خود آن شیاطین را در قید سلیمان (ع) چنین نگه کرده بودیم که هر کار و عمل را قرار خواهش خود به واسطه ایشان اجرا می کرد و آنها به سلیمان (ع) هیچ ضرر رسانیده نمی توانستند ورنه آدم چه قوت و حیثیت دارد که چنین مخلوق را به تصرف خود بیاورد و در زنجیرها مقید نماید «وآخرین مقررین فی الاصفاد» (ص رکوع ۳) .

وَإِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

و (یادکن) ایوب را چون ندا کرد رب خورا

أَنِّي مَسْنِي الضُّرَّ وَأَنْتَ

که (هر آئینه) مرا رسیده است رنج و تو

أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ ﴿۸۳﴾ فَاسْتَجَبْنَا

ارحم الراحمین هستی پس قبول کردیم

لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّ

دعای او را پس دور کردیم آنچه بروی بود رنج

وَأَتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

و دادیم او را اهل او و امثال ایشان همراه ایشان

تفسیر : حق تعالی حضرت ایوب علیه السلام را در دنیا از هر رهگذر آسوده و فارغ البال ساخته بود کشت ، مواشی ، کنیز ، غلام ، اولاد صالح و زوجه مطابق میل و آرزویش عطا کرده بود - حضرت ایوب (ع) بنده خیلی شاکر بود - **الله تعالی** او را مورد آزمایش و امتحان قرار داد ، کشتش تلف شد و مواشی او مردند ، اولادش تماماً زیر عمارت گردیده جان سپردند ، رفقا و خویشاوندان هم از آنحضرت جدا شدند ، در بدن حضرت آبله ها سرزده کرم ها در آن جا گرفتند فقط زوجه حضرت بایشان رفیق و غمگسار بود بالاخره زوجه بیچاره هم بتنگ آمد مگر حضرت ایوب علیه السلام طوری که در نعمت شاکر بود در بلا و مصیبت هم صابر ماند - این وقت رنج و اذیت و شماتت و بدگوئی دشمنان از حد تجاوز نمود حتی دوستان هم بنای بدگوئی را نهاده و میگفتند ایوب یقیناً گناه شدیدی را مرتکب شده که بچنین عقوبت هولناک مبتلا گردیده است - این زمان حضرت ایوب (ع) دعا کرد «**انی مسنی الضروانت ارحم الراحمین**» بمجریکه بدرگاه پروردگار خود لب باستغاثه کشود دریای رحمت او تعالی به تلاطم آمد بحضرت ایوب (ع) دوچند اولاد سابقش که مرده بودند فرزند عطا نمود - از آب چشمه که از زمین برآمد بنوشید و غسل نمود ، فوراً تندرست و سالم شد و تمام آلام و امراض از بدن حضرت زایل گردید چنانچه در حدیث آمده «ملخهای طلائی به باریدن شروع کرد» خلاصه از هر رهگذر اسباب آسایش و آرامی برای او مهیاشد .

رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا

جانب ما

از

از روی رحمت

وَذِي كُرَىٰ لِلْعَبِيدِ ۝۱۴

و پند برای عبادت کنندگان

تفسیر : برای یوبابر رحمت بارید و برای تمام عابدین نصیحتی بیادگار ماند که هرگاه بنده نیکی در دنیا به مصیبتی گرفتار آید - مانند ایوب علیه السلام باید صبر و ثبات نشان دهد و فقط بحضور پروردگار خود فریاد کند و از او استعانت جوید **حق تعالی** یقیناً به نظر رحمت و نوازش بسوی او خواهد نگریست و هرگاه انسان کسی را بچنین ابتلای شدید مبتلا بیند نباید بگوید که نزد **الله تعالی** مبعوض است .

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ ۝۱۵

و (یادکن) اسمعیل و ادريس و ذوالکفل را

كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ۝۱۶

هر یکی ایشان از صابران است

تفسیر : یعنی اینهمه بندگان نیک را یاد کنید اسمعیل و ادريس (ع) بیشتر در سوره مریم ذکر شده اند. در نبوت «ذوالکفل» اختلاف دارند که آیا نبی بود و یا مرد صالح چنانچه از تذکره اودر ذیل انبیاء منکشف میشود . گویند ضامن یک شخص شده بود و چندین سال در محبس ماند و این محنت و زحمت را محض برای رضای خدا تحمل کرد .
(تنبيه) در مسند امام احمد و جامع ترمذی قصه شخصی را بیان میکنند که اولاً نهایت بدکار ، فاسق و فاجر بود و بعد از آن تائب گشت **الله تعالی** بشارت مغفرت او را در همین دنیا بمردم اشاعه نمود - نامش در حدیث (کفل) بیان شده «ذوالکفل» همان شخصی است که «هزقیل» نامیده میشود و **الله اعلم** .

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ

و داخل کردیم ایشان را در رحمت خود (هر آئینه) ایشان

مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَٰلِكَ الثُّبُونُ

از نیکوکارانند و (یادکن) صاحب‌ماهی را

إِذْ دَّهَبَ مَغَا ضِبًّا

چون برفت غضب کنان

تفسیر: حضرت یونس علیه‌السلام را «صاحب‌ماهی» خواندند. قصه مختصر او اینست که الله تعالی او را بطرف شهر «نینوا» (که از مضافات موصل است) مبعوث فرموده بود. یونس (ع) اهالی آنجا را از بت پرستی منع کرد و بطرف حق دعوت نمود. آنها قبول نکردند بلکه عناد و تمردشان روز بروز زیاد شده رفت. بالاخر یونس (ع) در حق آنان دعای بدی کرده و از حرکات شان خیلی آزرده گریه و پراز قهر و غضب از شهر بدر رفت و حکم الهی را انتظار نکشید اما مردم وعده داد که بعد از سه روز به شما عذاب نازل میشود. بعد از اینکه از بین قوم خارج شد، مردم یقین کردند که دعای بد پیغمبر، بی‌اثر نمی‌شود و حتماً نتیجه خواهد داد و شاید آثار عذاب را هم مشاهده کرده باشند پس متوحش و مضطرب شده تمام اهالی اولاد و اطفال مال و مواشی را گرفته بدشت رفتند و مادر هارا از اطفال جدا کردند. چون به صحرا رسیدند همگان بگریه و ناله آغاز نمودند مادرها و اطفال، مردمان و جانوران همه واویلا برپا کردند هیچ صدائی بگوش نمی‌رسید. تمام اهالی بصدق دل توبه کردند و بتنها را بشکستند و برای اطاعت خدای تعالی باهم عهد بستند. سپس به تلاش و جستجوی حضرت یونس علیه‌السلام برآمدند تا اگر یافت شود به حکم و ارشاد او عمل نمایند، الله تعالی عذاب آمدنی را از آنها برداشت «فلولا كانت قرية آمنت فنفعها إيمانها الا قوم يونس لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزي في الحياة الدنيا ومتعناهم الي حين» (یونس رکوع ۱۰). از طرف دیگر یونس علیه‌السلام از قریه برآمده بایک جمعیت به کشتی سوار شد و کشتی هم بغرق شدن نزدیک گردید نفری کشتی بغرض اینکه بار را سبک سازند اراده نمودند تا آدمی را بدریا بیفکنند و یا بروفق مفروضات خود پنداشتند که غلامی از خدمت با دار خود فرار کرده در کشتی سوار است بهر حال برای تعیین آن شخص قرعه انداختند قرعه بنام یونس (ع) برآمد این کار را تکرار کردند در هر بار قرعه بنام یونس (ع) ظاهر میشد یونس علیه‌السلام چون این وضعیت را مشاهده کرد خود را بدریا افکند بلا فاصله ماهی رسیده او را بلع نمود **الله تعالی** به ماهی حکم داد که یونس (ع) را در شکم خود نگاهدار که حتی بیک موی او هم ضرری نرسد، به ماهی فرمود او روزی و خوراک تو نیست بلکه ما شکم ترا برای او محبس قرار داده‌ایم. آنوقت یونس علیه‌السلام بحضور الهی چنین ندا کرد «**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ**» بخطای خود اعتراف نموده گفت «واقعاً من تعجیل کردم و بدون انتظار حکم تو اهل قریه را ترك گفتم و از آنجا برآمدم» اگر چه از طرف یونس علیه‌السلام این غلطی اجتهادی که در حق امت معاف است

سر زد مگر تربیت و تهذیب انبیاء نسبت بدیگر مردم امتیاز کامل دارد. باید درین گونه معاملات متوقع نزول وحی باشد بدون بسر بردن چنین انتظار قوم را ترك گفتن و از بین رفتن مناسب شان پیغمبر نیست تا اینکه در اثر این حرکت مواخذه گردید بالاخر توبه کرد و نجات یافت ماهی بکنار ساحل رسید و یونس علیه السلام را بیرون انداخت . حضرت یونس (ع) بطرف قریه مذکور صحیح و سالم برگشت .

فَطَنَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ

پس گمان برد که تنگی نخواهیم کرد بروی

تفسیر : ظاهراً معلوم میشود که حضرت یونس علیه السلام خیال نمود که خداوند (ج) نسبت باین حرکت او را مواخذه نخواهد نمود و یا طوری فرار نمود چنانچه کسی بگریزد و پندارد که اکنون ما او را گرفته واپس آورده نمیتوانیم گویا اینکه از قریه برآمده از حیطة قدرت مافارغ شده است . مطلب این نیست که یونس علیه السلام واقعاً چنین پنداشته باشد چه کمترین مومن هم چنین تصویری نمیکند بلکه غرض اینست که از صورت حال و وضعیت ظاهر چنین انزعاج می شد . عادة الله جاری است که کمترین لغزش کاملین را با پیرایه و وضع مخصوص بیان میفرماید چنانکه پیشتر در چندین محل نوشته ایم ازین امر به سعادت و وقار کاملین نقصی عائد نمیکرد بلکه جلالت شان ظاهر میشود باین طریق که آن همه عظمت و کمالیکه حضرت الهی بایشان عنایت فرموده مستلزم آن نیست که جزئی ترین فرو گذاشتی از آنان سر نزنند .

فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ

پس ندا کرد در تاریکی ها

تفسیر : یعنی در تاریکی های عمیق دریا و شکم ماهی و شب تاریک .

أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

باینکه نیست معبود بحق بجز تو پاکی است ترا از عیب

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

(۸۷)

(هر آئینه) من بودم از ستمگاران

تفسیر : خدایا ! خطای مرا معاف بفرما چه بقیناً مرتکب غلطی شده ام .

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ^۷ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ^۸

پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیم او را از غم

وَكَذَّٰلِكَ نُنْجِي الْهُؤُلَاءِ مِنْ^{۸۸}

و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را

تفسیر : این معامله مخصوص یونس علیه السلام نیست هر مومنی که ما را اینطور بخواند و استعانت جوید او را از بلاها نجات میدهیم - در احادیث فضیلت این دعا زیاد است و مردم در شدائد و نوائب آنرا همیشه مجرب یافته اند .

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

و (یاد کن) زکریا را چون ندا کرد رب خود را

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا

ای پروردگار من مگذار مرا تنها

تفسیر : حضرت زکریا دعای خود را خدا را و اولاد ببخش که بعد از من قوم را خدمت کرده بتواند و تعلیم و تلقین مرا اشاعه بدهد مثلیکه در فوائد سوره مریم نگاشته شده .

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ^{ج ۸۹}

و تو بهترین و ارثانی

تفسیر : او وارث طلب میکرد «یرثنی ویرث من آل یعقوب» (مریم - رکوع ۱) و خدا را بنامی یاد کرد که مناسب احتیاج او بود .

فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰی

پس قبول کردیم دعای او را و بخشیدیم او را یحیی

وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ ط

و درست کردیم زوجه او را

تفسیر : زن عاقره را قابل ولادت گردانید .

إِنَّهُمْ كَانُوا يُسِرُّونَ

(هر آئینه) این پیغمبران می‌شتافتند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدُّ عُوْنًا

در نیکوئیها و میخواندند مارا از روی توقع

وَرَهَبًا ط وَكَانُوا لَنَا خُشِعِينَ ⑨

و ترس و بودند برای ما فروتنان

تفسیر : بعض از متصوفین میگویند کسیکه خدا را از روی توقع و یا خوف صدا کند گویا محب اصلی نیست ولی ازین عبارت قرآن خطای فکر آنها ظاهر میگردد چه واضح است که نسبت به انبیاء هیچ شخص زیادتر محب خدا دانسته نمیشود .

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا

و (یادکن) آن زنی را که نگه داشت شرمگاه خود را

تفسیر : از جماع حلال و حرام هر دو خود را محفوظ داشت .

فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا

پس دمیدیم در آن زن روح خود را (پس دمیدیم در آن زن از جهة روح خود)

تفسیر : عیسی علیه السلام را که به «روح الله» ملقب است خداوند در شکم وی تربیه کرد .

وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ⑨۱

و گردانیدیم او را و پسرش را نشانه برای عالم‌ها

تفسیر : نشانه بودن ایشان درسوره آل عمران وسوره مریم بیان شد.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً رَّبِّي

(هرآئینه) اینست دین شما یکدین

وَ أَنَا رَبُّكُمُ فَاعْبُدُونِ ⑨۲

و من رب شمایم پس پرستش کنید مرا

تفسیر : خدا یکی واصل دین شما هم یکی است - تمام انبیاء دراصول باهم متحد میباشند و تعلیم یک پیغمبر شامل تعالیم همه پیغمبران است اختلافات فروع که در نتیجه اختلاف زمان و مکان بوجود می آید کاریست که موافق حکمت و مصلحت می باشد اما اختلافاتی که در اصول بوجود آید قطعاً مذموم است و لهذا لازم است که همه متفق و متحد شده خدا را بندگی کنند و اصولی را که تمام انبیاء بر آن اتفاق دارند بصورت متحد متمسک گردند.

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ط

و پاره پاره کردند کار خود را در بین خود

تفسیر : ما باعتبار اصول یک دین داده بودیم ولی خود مردم در بین اختلاف انداخته آنرا پاره پاره نموده نفاق و شقاق پیدا کردند .

كُلُّ لَيْنَارٍ جِجُون ⑨۳

همه بسوی ما رجوع کنند گانند

تفسیر : چون همه بحضور ما می آیند و هر یکی را در باداش کردارش جزائی مقرر است لذا تمام اختلاف آنها فیصله میشود آیه آینده تفصیل این جزا را میدهد.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ

پس هر که کند چیزی از عملهای پسندیده در حالیکه او

مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ^ج

مؤمن باشد پس زیان نیست برای کوشش او

وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ^{۹۴}

و (هر آئینه) ما آنرا نویسنده ایم

تفسیر : محنت و زحمت احدی ضایع نمیشود و مؤمن حتماً بشمره گوارا و شیرین عمل خود نایل میگردد و جزئی ترین عمل نیک هدر نمیرود هر عمل چه خورد چه بزرگ در نامه اعمال بنده ثبت است که در روز قیامت کشوده می شود.

وَ حَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا

و مقرر شد بر هر قریه که ما آنرا هلاک کردیم

أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ^{۹۵}

که ایشان رجوع نمیکنند

تفسیر : در آیات سابقه اولاً ذکر مؤمنین ناجی بمیان آمده است و بعد در مقابل آن از کافرانیکه هلاک میشوند ذکر شده است یعنی کسانی که برای آنها هلاکت و تباهی مقدر شده است ممکن نیست که آنها کفر و عصیان خود را ترك گفته و توبه نموده بطرف خدا رجوع نمایند و نه ایشان برای این غرض پس بدنیا آورده میشوند تا توبه و انابه نموده تقصیرات زندگی گذشته خود را تلافی کنند پس نجات و فلاح خود را چگونه توقع میکنند ؟ آنها فقط يك وقت دارند که دوباره زنده شده بطرف خدا رجوع میکنند و به تجاوزات خود اعتراف نموده پشیمان میشوند - مگر آنزمان پشیمانی هیچ سودی ندارد ، آن زمان روز قیامت است که از علامات نزدیکی آن خروج «یا جوج و ماجوج» می باشد و در عبارت ما بعد اصل واقعه بیان میشود .

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ

تا وقتی که گشاده شود (سد) یا جوج

وَمَا جُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ

و ما جوج و ایشان از هر

حَدٍّ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

بلندی می شتابند

تفسیر : هنگامیکه قیامت نزدیک میشود وبعد از نزول عیسی علیه السلام یا جوج و ما جوج سد ذوالقرنین را شکسته و لشکر آنها بهجوم می بردازد عسکر مذکور به سبب کثرت و ازدحام خود تمام بلندیها و پستیها را فرا میگیرند و از هر طرف به نظر میآیند - هجوم سیل آسای آنها باچنان شدت و سرعت بعمل میآید که قوه انسانی آنرا منع کرده نمیتواند - و طوری معلوم میشود که گوئی افواج آنها ازهرپشته و بلندی و کوه سرازیر شده و دوان دوان می آیند - نگارش ما در باب این قوم در آخر سورة «کهف» مطالعه شود .

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ

و نزدیک شد وعده راست پس آنگاه قصه این است

شَاحِصَةً أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا

که بالا باز مانده باشد چشم های کافران

يَوْمَ يَلَنَّا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا

(گویند) ای وای بر ما (هر آئینه) بودیم ما در بیخبری از این

تفسیر : چون موعد مکافات و مجازات نزدیک شود آنوقت چشمان منکرین از فرط هول و هیبت باز میماند و بر غفلت خویش انگشت حسرت بزدندان میگزند و باخود میگویند افسوس که از کیفیت امروزی خبر بودیم و مورد چنین سختی قرار گرفتیم کاش درد دنیا برای نجات خود ازین بلافکری میکردیم .

بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾

بلکه بودیم گنهگاران

تفسیر : چسان این کار را می توانیم بر بی خبری خویش حمل نمائیم ؟ زیرا انبیاء علیهم السلام مارا بوضاحت تمام آگاهی داده بودند لیکن ما خود بر جانهای خویش ظلم کردیم که فرمایش آنها را نپذیرفتیم و به شرارتها و گناههای خود پیهم اصرار داشتیم .

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

(هر آئینه) شما و آنچه میپرستید بجز خدا

حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾

آتش انگیز دوزخ هستید شما به آن رسیدنی میباشید

تفسیر : - این خطاب به مشرکین مکه است که بتها را می پرستیدند یعنی شما و این بتان شما همه آتش انگیز و هیمنه دوزخ هستید «وقودها الناس والحجارة» (بقره - رکوع ۳) مطلب این نیست که اصنام معذب میشوند بل غرض اینست که حجت بر بت پرستان تمام تر شود - مثلیکه در آینده میفرماید «لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آلَهِ مَاوردوها» و حسرت شان زیاده شود و حماقت شان واضحتر گردد که از چیزهائی که توقع خیر داشتیم آنها امروز خود را نگه داشته نتوانستند پس حفاظت مارا چگونه می توانند ؟

تنبیه : مراد از «وما تعبدون من دون الله» در اینجا فقط اصنام میباشند زیرا خطاب فقط به پرستندگان آنهاست - لیکن اگر «ما» را عام بگذاریم قید (بشرط عدم المانع) معتبر می باشد چه معبودان تصویری و فرضی که نمیتوانند از دخول نار مانع شوند - آنها با عابدین خود هم آتش انگیز دوزخ ساخته میشوند مثلا شیاطین و اصنام. باقی حضرت مسیح و عزیر و ملائکه الله که بسیاری مردم آنها را معبود گردانیده اند مقبولیت و وجاهت این ذوات گرامی مانع است که معاذ الله درین عموم شامل گردند و از همین سبب آینده تصریحاً فرموده «ان الذين سبقت لهم منا الحسنی اولئك عنها مبعدون»

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءَ إِلَهًا مَّا وَرَدُوهَا

اگر می بود این بتان معبودان نمی رسیدند به آن (بدوزخ)

وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾

و همه در آن جاوید باشند

تفسیر : یعنی این عابدان و معبودان همه در دوزخ همیشه می باشند .

لَهُمْ فِيهَا زُفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا

باشد برای آنها در آنجا فغان و ایشان آنجا

لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾

هیچ سخن نمی شنوند

تفسیر : از شدت هول و تکلیف عذاب سخت و شور و غوغای خود هیچ چیزی را شنیده نمی توانند و از این مسعود منقول است که وقتی خواهد آمد که هر دوزخی را در صندوق آهنی مقید نموده صندوق را با میخ محکم کنند و در اعماق جهنم افکنند و شاید نشنیدن هیچ چیز بیان حال آن وقت باشد .

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ

(هر آئینه) آنانکه سابق مقرر شده برای ایشان از طرف ما نیکی (سعادت)

أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

آنها از آن دور کرده شدگانند

تفسیر : همینکه يك بار از فراز بل صراط گذشتند دیگر برای همیشه از جهنم دور میمانند و نیز در آئینای گذشتن از گزند و الم جهنم مصون می باشند .

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۚ وَهُمْ

نمی شنوند شفشف آنرا (آوازاشتهال را) وایشان باشند

فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خِلْدُونَ ۚ

در آنچه خواهند نفسهای ایشان جاوید
تفسیر : آنها از دوزخ آنقدر دور باشند که آواز اشتعال آنرا محسوس نکنند ایشان به کمال عیش و استراحت تمام همیشه از لذت های جنت محظوظ می باشند .

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ

غمگین نمی کند ایشان را پریشانی (ترس) بزرگ
تفسیر : در آن روزیکه مردم همه گرفتار رنج و پریشانی می باشند الله تعالی ایشان را از هر رنج محفوظ خواهد داشت .

وَتَلْقَاهُمْ لَمَلِكَةٌ هُذَا

و پیش آیند ایشان را فرشتگان (گویند) این آن

يَوْمَ مَكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۚ

روز شماست که شما وعده داده شده بود

تفسیر : هنگامیکه نیکوکاران از قبر ها می خیزند و یا به جنت داخل میشوند فرشتگان از آنها استقبال میکنند ، بایشان مرده میدهند که وقت آن رسیده که قرار و عده خدائی به مسرت و راحت ابدی متنعم گردید .

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ

روزی که بیچانیم آسمان را مانند پیچیدن

السَّجِّدِ لِلْكَتُبِ ط

طومار سند برای کتابت

تفسیر : وقتی که قیامت می آید صفوف آسمانها چون کاغذ سند و حجت نوشته شده پیچانیده میشود «والسّموات مطويات بيمينه» در بعضی از روایات نام یکی از کاتبان نبی کریم (ص) را «سجل» گفته اند اما جماعتی از حفاظ حدیث این روایت را ضعیف بلکه موضوع قرار داده اند (کما صرح به ابن کثیر رح) (فلا يعتبر بتخریج ابی داؤد والنسائی فی سننهما).

كَمَا يَدُؤُنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ط

چنانچه آغاز کردیم در آفرینش اول بازاعاده میکنیم اورا

وَعْدًا عَلَيْنَا ط إِنَّا كُنَّا فَعْلِينَ ۱۰۳

وعده لازم شده بر ما (هر آئینه) ما ایفا کننده ایم

تفسیر : با سهولتی که دنیا را بار اول بیافرید همانطور آنرا بار دیگر بوجود خواهد آورد این وعده را خداوند حتماً ایفا کردنی است .

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

(و) هر آئینه نوشته ایم در زبور

مِنْ بَعْدِ الَّذِي كُرِّأَتْ أَلَّا رَضَ

بعد از پند (توریت) (هر آئینه) زمین

يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۱۰۴

مالك میشوند آنرا بندگان نیک من

تفسیر : خداوند تعالی به بندگان مخلص وعاید خود وعده کرده که به ایشان کامیابی دنیا و آخرت ارزانی نموده و نیز ایشان را وارثین زمین دنیا و زمین جنت خواهد ساخت چنانچه فرمود «ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين» (اعراف رکوه ۱۵) «انا لننصر رسلنا والذين آمنوا في الحياة الدنيا ويوم يقوم الاشهاد» (مؤمن رکوع ۶) «وعدا الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم» (نور- رکوع ۷) این وعده چنان حتمی و موکداست که خبر آنرا در کتب شرعیه داده است در «لوح محفوظ» و «ام الكتاب» هم این وعده را درج فرموده به زبان انبیاء علیهم السلام بارها اعلان نمود - در کتاب زبور (۲۹-۳۷) داود علیه السلام مندرج است که «صادقین وارث زمین میشوند» چنانکه بندگان صادق و وفا شعار این امت هم تامت مدیدی وارث زمین بوده و در شرق و غرب پادشاهی الهی (ج) را اعلان نمودند و عدل و انصاف را در بین انسانها انتشار دادند . صیت دین حقا را در اطراف و اکناف عالم رسانیدند و همین پیشگوئی نبی کریم (ص) به ذریعه آنها تکمیل شد «ان الله تعالى ذوی الارض فرأیت مشارقها ومغاربها وان امتی سیبلغ ملکها ما زوی لی منها» و همین طور بیانات و پیشگوئی دیگر راجع به ظهور امام مهدی و حضرت مسیح علیه السلام یقیناً صورت حقیقت اختیار خواهد نمود .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عِبِدِ يَنْ ١٣٦

(هر آئینه) درین کامیابی است گروه عابدان را

تفسیر : این نوع بشارات راشنیده عبادت کنندگان خدای واحد بمقصد خود میرسند یا درین قرآن کریم که مشتمل چنین بشارات بزرگ و هدایات مفید است برای عبادت کنندگان منفعت و کامیابی بزرگ است.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ١٠٧

و نفرستادیم ترا مگر رحمت برای جهانیان

تفسیر : آنحضرت (ص) رحمت جهانیان و واسطه بزرگ لطف و مرحمت خداوندی می باشند و اگر شخص بدبختی ازین رحمت عام استفاده نکند قصور خود اوست فیض روشنی و حرارت آفتاب عالمتاب جهان شمول است ولی اگر شخصی برای اینکه ازین ضیاء و حرارت استفاده نکند و بروی خود همه منافذ و ابواب تابش نور را مسدود سازد و ازین نعمت کبری خویشتن را محروم گرداند البته تقصیر از خودش خواهد بود . در فیض عمومی آفتاب هیچ شک و شبهه نیست اما دایره فیض و رحمة للعالمین آنقدر وسیع است که اگر چه شخص کم نصیب نخواهد

از آن مستفید شود باز هم تا یک اندازه به ذریعه از ذرایع بهره ازین رحمت عام بر میدارد چنانچه در دنیا از علوم نبوت و اشاعت عام اصول تهذیب و انسانیت هر مسلم و کافر بروفق ذوق خود فائده می گیرد و نیز حق تعالی وعده فرموده که برخلاف امم سابقه کفار این امت را از عذاب عمومی و مستأصل محفوظ دارد - اینک من به اظهار این مطلب جرئت مینمایم که بر علاوه اخلاق عمومی نبوی (ص) جهادیکه آنحضرت با کافران میکردند هم برای مجموعه عالم سراسر رحمت بود چه به ذریعه جهاد رحمت کبرائی را که آنحضرت (ص) حامل بود و به آن واسطه مبعوث شده بودند نگهداری می شد درین ضمن روشنی ایمان به بسا چشمهائیکه از تابش آن منصرف می شد طبعاً به چشمهای آنها میرسید در حدیث آمده «والذی نفسی بیده لا قتلنهم ولا صلبنهم ولا هدینهم و هم کارهون انی رحمة بعثنی الله ولا یتوفانی حتی یظهر الله دینه» (ابن کثیر) ازین کلمات مطلب «رحمة للعالمین» بودن آنحضرت (ص) واضحتر میگردد.

قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا لِلَّهِكُمْ

بگو جز این نیست که وحی شده بسوی من که معبود شما

إِلَهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۳۱﴾

یک معبود است و بس پس آیا شما فرمان برداران هستید

تفسیر : این است بیان رسالت با توحید و لب لباب رحمت عظیمه که آنحضرت با خود آورده اند همانا توحید کامل است انسان نباید در پذیرفتن و قبول این مضمون بزرگ مقدس و معین درنگ و تعطیلی روا دارد پس آیا شما در قبول حق و تسلیم به آن مستعد و حاضرید ؟ اگر آماده باشید فهوالمراد ورنه من تبلیغ کرده برائت ذمه نمودم اینک خود تان عاقبت خویش را بسنجید .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ أَذَنْتُكُمْ

پس اگر اعراض کنند پس بگو خبر کردم شما را

عَلَى سَوَاءٍ ط

برابر بطرفین

تفسیر : اگر باین اتمام حجت و ابلاغ کامل حق را قبول نکردید به شما اعلام می‌نمایم که من از شما بیزارم و شما هم از من جدائیید عمل شما با شما و عمل من بامن است و هر کس نتیجه اعمال خود را می‌نگرد - حضرت شاه (رح) می‌نویسد « هر طرف باهم برابر است یعنی بالفعل هردو چیز در اختیار شماست (بپذیرید و یا رد کنید) به هیچ طرف اجبار نیامده » .

وَإِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبُ

و میدانم که آیا نزدیک است

أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوْعَدُونَ ﴿١٩﴾

یا دور آنچه وعده داده شده اید

تفسیر : سزائی که در مقابل انکار شما از حق وعده داده شده حتماً و حکماً ایفا میشود لیکن میدانم که زود اجرا خواهد شد و یا دیر .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ

(هر آئینه) او میداند سخن آشکار را

وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٠﴾

و میداند آنچه پنهان میدارید

تفسیر : فقط او تعالی هر چیز پنهان و آشکار را میداند و نیز داناست که در برابر کدام گناه چه جزا در چه زمانی داده شود .

وَإِنْ أَدْرَىٰ لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ

و شاید این تاخیر آزمایش است برای شما

وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۱۱۱﴾

و فائده دادن است تا زمانی

تفسیر : ممکن است تاخیر عذاب یا به مقصد آزمایش شما باشد که در انای این مدت کمی فکر و تأمل کنید و از شرارت ها باز آئید و یا محض مهلت باشد که چندی مشغول لذایذ دنیوی گردیده و پیمانه شقاوت خود را به کلی لبریز سازید .

قُلْ رَبِّ اِحْكُمْ بِالْحَقِّ ط

گفت رسول ای پروردگار من فیصله کن بانصاف

تفسیر : رسول اکرم (ص) میفرماید خداوند ا طوریکه هر معامله را به عدل و انصاف فیصله می نمائی همانطور بروفق این شان مقدس خود بین من و قوم من زود فیصله کن .

وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ

و پروردگار ما رحمن است یاری خواسته میشود از وی

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿۱۱۲﴾

بر آنچه بیان می کنید

۱۱۲
النصف

تفسیر : از وی فیصله می خواهیم و در مقابل خرافات کافران از وی امداد می طلبیم انبیاء علیهم السلام چنین دعا میکردند «ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین» (اعراف رکوع ۱۱) زیرا بر حقانیت و صداقت خود و عدل و انصاف حق تعالی وثوق و اعتماد کامل داشتند .

(تمت سورة الانبياء ولله الحمد والمنه)

سورة الحج مدنیة عند بعض ومکیة عند بعض وهی ثمان وسبعون آیه وعشر رکوعات
سورة حج نزد بعضی مدنی و نزد بعضی مکی است و هفتاد و هشت آیت و دهم رکوع است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ○

آغاز میکند بنام خدائیکه بی اندازه مهربان نهایت بارحم است

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ج

ای مردم بترسید از رب خود

إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ①

بیشک زلزله قیامت چیزی است بزرگ

يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَبُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ

روزی که ببینید آنرا غافل میشود در آن هر زن شیر دهنده

عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ

از طفلی که شیرش میدهد و بیندازد هر زن حامله

حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَى

حمل خود را و بینی مردم را مست

وَمَا هُمْ بِسُكَرَى وَلَٰكِن

و نیستند مست (مست حقیقی) و لیکن

عَذَابُ اللَّهِ شَدِيدٌ ②

عذاب خدا سخت است

تفسیر : زلزله های بزرگ قیامت دو تاست یکی در عین قیام قیامت و یا بعد از «نفخه ثانیه» و دوم اندکی پیش از قیامت که از جمله علامات قیامت به شمار میرود اگر در این موقع ، دومین مراد باشد آیت بر معنای ظاهر خود باقی میماند و اگر اولی مراد باشد دو احتمال دارد، نخست آنکه حقیقتاً زلزله شود و زنان شیر دهنده یا زنان حامله به هیئت خود محسور شوند و یا از زلزله احوال و شداید آنجا مراد باشد و اگر «یوم ترونها تذهل کل موضعه» بطور تمثیل حمل شود چنین معنی دارد که آنقدر اضطراب و سختی و اختلال حواس رومیدهد که اگر زنان شیر دهنده موجود باشند از فرط هول و پریشانی اطفال خود را فراموش میکنند و حمل زنان حامله ساقط میگردد آنوقت مردم چنان مدهوش و بی خبر میشوند که بیننده آنها رامست شراب می پندارد حال آنکه در آنجا نشئه موجود نیست بلکه از مشاهده عذاب خدا و رویت عقوبات و شکنجه ها هوش و حواس خود را می بازند .

تنبیه : اگر این پریشانی و آشفتگی برای همه مردم باشد پس در «لایحزنهم الفزع الاکبر» نفی به اعتبار اکثر احوال است و در اینجا اثبات باعتبار ساعت قلیله می باشد و اگر آیت حاضره در حق اکثر مردم باشد نه در حق تمام مردم قطعاً اشکالی نیست .

وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ

و بعضی مردم آن است که گفتگو می کند

فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

درشان خدا بغیر علم

تفسیر : درسخانی که الله تعالی خبر میدهد این مردم خصومت و کج بحثی میکنند و از حماقت و جهالت خود شبیهات نهایت احمقانه را اشاعه میدهند چنانکه راجع به قیامت - بعث بعد الموت و مکافات و مجازات و غیره بزرگترین اعتراض شان این است که چون آدم بمیرد به کلی فرسوده و استخوانهایش ذره ذره میشود چگونه باور توان کرد که او دوباره زنده شده و باز به حالت اصلی خود بر گردد .

وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ۚ
و پیروی میکند هر شیطان سرکش را

تفسیر : هر شیطان جنی وانسی که او را به طرف خود بخواند فوراً به عقب او روان میشود گویا برای گمراه شدن چنان استعداد کامل دارد که ندای هر شیطان را لبیک اجابت میگوید .

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ
نوشته شده بروی که (هر آئینه) کسیکه دوستی کند باو
فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَى
پس (هر آئینه) او گمراه میکند آنرا و راه مینماید وی را بسوی

عَذَابِ السَّعِيرِ ۚ
عذاب دوزخ

تفسیر : در باب شیطان سرکش امری است فیصله شده که هر کس به او رفاقت و پیروی کند شیطان او را گمراه ساخته با خود بدوزخ میرساند .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي
ای مردم اگر هستید در

رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ
از شك زنده شدن دوباره پس (هر آئینه) آفریدیم شما را

تفسیر : اگر باین سوء تفاهم گرفتارید که جسم فرسوده و ذره ذره شده چگونه دوباره زنده میشود پس به پیدایش خود غور و دقت کنید و ببینید که هستی شما چگونه به عمل آمده است .

مِّنْ تُّرَابٍ شَمِّمٍ مِنْ نُطْفَةٍ
از خاک باز از قطره منی

تفسیر : اول. پدر شما آدم (ع) را از خاک و سپس شمارا از قطره منی آفرید و یا این مطلب است که از خاک غذا برآورد و بعد از طی چندین مراحل از آن نطفه به وجود آمد سپس نطفه چندین درجه را طی کرد تا تشکیل و تخلیق شما صورت گرفت .

ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ
باز از خون بسته باز از پاره گوشت

مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِهَا
صورت داده و غیر صورت داده

تفسیر : یعنی از نطفه خون منجمد تشکل میکند و از آن خونپاره گوشتی بوجود می آید و بعد از مرور زمانی هیئت انسانی (دست و پا ، چشم و بینی و غیره) در آن نقش می بندد درین وقت بعضی درحالی که صاحب وجود و اعضای کامل اند متولد میشوند و بعضی همانطور باحال نقص و عدم تکامل ساقط میگردد به عبارت اخری برخی صحیح و سالم بعضی معیوب و ناقص می باشد .

لِنُبَيِّنَ لَكُمْ ط

تا واضح سازیم برای شما

تفسیر : چون اصل خود را شناختید که چه بودید و بعد از مرورایا می چند به شکل انسانی متشکل شدید - بساحقایق بر شما منکشف میشود و امکان بعث بعد الموت را هم فهمیده میتوانید .

وَنُقَرِّئُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ
و قرار میدهم در رحمها آنرا که خواهیم

إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى
تا وقت معینی

تفسیر : هر کس را به هر مدتی که در رحم مادر قرار دادن آن مناسبت باشد قرار میدهیم که مدت اقل آن ششماه و اکثر آن تادوسال و یا چهار سال علی اختلاف الاقوال می باشد .

ثُمَّ نَخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لَتَبْلُغُوا

باز بیرون می آریم شمارا (از رحم) طفل باز (تربیه میکنیم) تا برسید

أَشَدَّكُمْ ج وَ مِنْكُمْ مَنْ يَتَوَفَّى

بکمال قوت خود و بعضی از شما آن است که وفات کرده میشود

وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ

و بعضی از شما آن است که بازگردانیده میشود به بدترین عمر

لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا

تا نداند چیزی را بعد از دانستن آن

تفسیر : طوریکه در شکم مادر مانده مدارج زیادی را پیموده همان طور بیرون برآمده چندین منازل را تدریجاً طی خواهد کرد ، یکی مرحله طفولیت است که انسان در آن بالکل ضعیف و بیچاره است و تمام قوای او پوشیده می باشد باز وقتی می آید که تمام قوت های کامنه (پوشیده) آن ظاهر میگردد و از حیثیت جسمانی هر چیز به کمال شباب میرسد بعضی از افراد در عین جوانی میمیرد و بعضی به عمری میرسد که قوای جسمانی و تاب و توان وجود خود را از دست داده دچار خستگی می شود چنانکه بعد از دانشمندی بیخورد و لایعلم میگردد و بعد از کارگری عاطل و بیکار میشود و چیزهای یاد کرده را فراموش می نماید و چیزهایی را که دانسته و فهمیده بود هیچ نمیداند گویا در پیری باردیگر طفل میگردد.

وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا

و می بینی زمین را خراب افتاده (خشک) پس چون

أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ

فرود آید بر آن آب را تازه شود (حرکت کند) و بپزداید

وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ⑤

و برویاند از هر قسم بارونق (زیبا)

تفسیر: زمین مرده افتاده بود به مجرد نازل شدن آب رحمت زنده و ترو تازه گردیده باهتزاز آمد الله تعالی انواع و اقسام نباتات خوش منظر، زیبا و فرح بخش و نشاط افزا را در آن رویانید.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

این بسبب آن است که (هر آئینه) الله اوست ثابت

وَأَنَّهُ يُخَيِّمُ الْمَوْتَىٰ وَ أَنَّهُ

و آنکه او زنده میکند مردگان را و آنکه اوست

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑥

بر هر چیز توانا

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ⑦

و آنکه قیامت آمدنی است نیست شک در آن

وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ⑦

و آنکه خدا برانگیزاند آنان را که در قبور اند

تفسیر : از مثال های فوق که راجع به پیدایش انسان و نباتات است چند چیز مهم ثابت میشود (۱) اینکه الله تعالی یقیناً و تحقیقاً موجود است و رنه (العیاذ بالله) این صنایع منظم و محکم از کجا ظاهر میشود - (۲) اینکه الله تعالی موجودات مرده و بی روح را زنده و جاندار می سازد چنانچه از يك مشت خاك و یا قطره آب انسان ناطق و با فهم را آفریدن و در زمین خشك روح نباتی را دمیدن بزرگترین شاهد آنست لهذا زنده نمودن دوباره آنها برای خداوند تعالی اشکالی ندارد (۳) اینکه هر چیز تحت اقتدار و تصرف اوست و اگر تحت قدرت و تسلط او نمی بود از عهده این کار هرگز برآمده نمیتوانست (۴) اینکه قیامت ضرور آمدنی است و بعد ازین زندگی يك حیات دیگری ضرور رسیدنی است چه این نظام بزرگ لغو و بی کار نمیتواند شد آیا میشود تصور کرد که حکیم مطلق و قادر علی الاطلاق با حکمت بالغه و قدرت کامله خود انسان را با این همه صفات عجیب و غریبی که به او ارزانی داشته عبث آفریده باشد (هرگزنی) یقیناً این زندگی محدود انسان که در آن سعادت و شقاوت نیکی و بدی ، رنج و راحت باهم مخلوط است و صور مختلفه امتحان و انتقام بطور نمایان و مکمل از یکدیگر متمایز نمی شوند - تقاضا دارد که باید يك زندگی دیگر هم باشد تا در آنجا سعید و شقی ، مجرم و بیگناه از هم بوضاحت جدا شوند و هر يك به مقامی که شایسته آنست برسد . از حیثیت مادی در اجزائی که استعداد آفریدن منی بود از آن نطفه ساخت همچنان قوتهای پوشیده علقه که در نطفه بود در علقه به ظهور رسید و قوای پوشیده مضغه که در علقه بود در مضغه بظهور و از مضغه در طفل ظاهر شد و در جوانی کامل بظهور رسید و یا قوتهای پوشیده زمین در اثر بارندگی ظهور پذیر شد همچنین ضرور است که در انسان آن قوای روحانی سعادت و شقاوت که بودیعت نهاده شده و یا استعداد قوای نشو و نمائی که در نیکی و بدی نهاده شده به شباب کامل خود برسد و به کامل ترین صور و اشکال ظاهر شود ، این را بعث بعد الموت میگویند که بعد از اختتام دوره موجوده زندگی دنیا بوقوع می پیوندد .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ

و بعضی از مردمان آنست که مجادله میکند درشان الله

بَغِيرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝۸

بدون علم و بدون برهان و بدون کتاب روشن

تفسیر : بعد از شنیدن چنین دلایل و شواهد واضح بعضی کجروان و معاندان درسرخنان الله بدون سند مجادله میکنند حالانکه در نزد ایشان نه علم ضروری است و نه دلیل عقلی و سمعی موجود است محض اوهام و ظنون را پیروی مینمایند .

ثَا نِیْ عِطْفِه

در حالیکه گردانیده است پهلوی خود را

تفسیر : یعنی باعراض و تکبر .

لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا

تا که گمراه کند (مردم را) از راه خدا برای اوست در دنیا

خِزْيٌ وَ نَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

رسوائی و می چشانیم او را بروز قیامت

عَذَابِ الْحَرِيقِ ۝۹

عذاب (آتش) سوزنده

تفسیر : شخصی که بدون حجت و دلیل محض بجهت عناد درسرخنان الله (ج) مجادله میکند و مقصودش این باشد که مردم دیگر را از راه یقین و ایمان بگرداند ، خداوند او را در دنیا ذلیل میکند و عذاب آخرت خود علیه حده است .

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَكَ وَأَنَّ اللَّهَ

(گفته میشود از طرف خدا) این به آن سبب است که پیش فرستاده هر دو دست تو و آنکه خدا

لَيْسَ بِظُلَامٍ لِّلْعَبِيدِ ۝^{ع۱}

نیست ستم کننده بر بندگان

تفسیر : وقتی که سزا داده میشود گفته میشود که از طرف خدای تعالی بر هیچکس ظلم و زیادتی نیست بلکه پاداش عمل دستهای خود تست که مره آنرا امروز می چشی .

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ

و بعضی از مردمان آنست که بندگی میکند الله را بر

حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ

کناره پس اگر برسد او را خوبی ثابت میماند

بِهِ ۚ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ

بر بندگی و اگر برسد او را مصیبتی بر میگردد بر

وَجْهِهِ ۚ قَفْصٌ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ۚ

روی خود زیان کرد دنیا و آخرت را

ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۝^{ع۱۱}

همین است زیان آشکارا

تفسیر : بعضی از افراد محض به غرض پیشرفت در دنیا دین را اختیار میکنند حالانکه دلهای آنها دائماً مذبذب می باشد و اگر داخل دین شده خیر دنیا را ببیند آنگاه ظاهراً شرایط بندگی را مراعات مینماید و اگر در عبودیت رنج و زحمت حس کند آنرا ترك میکند در اینصورت هم دین از دست او رفت و هم دنیا این شخص بر کناره ایستاده یعنی دلش هنوز نه اینطرف است و نه آنطرف مثل اینکه کسی به کنار جایی ایستاده و منتظر فرار باشد و چون فرصت یابد همان دم فرار اختیار کند .

يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ

میخواند (پرستش میکند) به جز الله چیزی را که نه زیان رساند و

وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ

و نه نفع دهد او را همین است

الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿١٢﴾

گمراهی دور (از حق)

تفسیر: بندگی خدا (ج) را از سببی ترك داد که خیر دنیا را در آن نیافت و اکنون اشیائی را صدا میکند که در اختیار و قدرت آنها به قدر يك ذره نه خیر است و نه شر آیا چیز را که خداوند (ج) مرحمت نکند موجودات جامده داده خواهند توانست؟ حماقتی از این زیاده چه خواهد بود که انسان حوائج خود را از آنها بخواهد.

يَدْعُوْا الْمَنْ ضَرُّهُ اَقْرَبُ مِنَ نَّفْعِهِ ۚ ط

میخواند (می پرستد) کسی را که ضرر او نزدیکتر است از نفعش

تفسیر: بت پرستان چون در آخرت مواخذه شوند باساس زعم خویش چنین اظهار نمایند که امید نفع از بتها امریست موهوم و ضرر بت پرستی امر قطعی و یقینی می باشد. ضرر آن این است که بالفعل مشاهده مینمائیم دیده شود که آیا در آینده از عبادت آنها فائده بما حاصل خواهد شد یا خیر؟

لِبَيْسٍ الْمَوْلٰى وَلِبَيْسٍ الْعَشِيْرُ ﴿١٣﴾

هر آئینه بد دوست و بد رفیق است

تفسیر: چون در قیامت به نتایج ناگوار بت پرستی برسند خود آنها خواهند گفت «لِبَيْسٍ الْمَوْلٰى وَلِبَيْسٍ الْعَشِيْر» آنانی که امید امداد و همراهی آنها را بدل می پروراندیم اینك رفقاء و مددگاران بسیار بدی ثابت شدند اینها هیچ اهلیت افاده را نداشتند بر عکس از تبعیت آنها مورد نقصان گردیدیم.

گمانم در حقش باطل برآمد * جهادیدم چها دانسته بودم

إِنَّ اللَّهَ يَدُّ خَلْدَ الَّذِي يَنْ أَمْنُو أ

(هر آئینه) الله در آرد آنان را که ایمان آورده اند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّتٍ تَجْرِي

و کرده اند و کار های شایسته در جنت هائیکه می رود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ط

زیر آن جوی ها

تفسیر : بعد از منکرین مجادلین و مذبذبین اکنون نیک مؤمنین و مخلصین را بیان می فرماید .

إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۱۴

(هر آئینه) الله میکند آنچه می خواهد

تفسیر : خداوند (ج) قرار اراده کامله خود کسی را که مستحق سزا دانسته جزا میدهد و بروفق خواهش خود کسی را بانعام خود متنعم می سازد هیچکس او را از این وضع مانع شده نمیتواند و قدرت چون و چرا و باز پرس را ندارد .

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ

هر که گمان کند که هرگز مدد نخواهد کرد او را الله

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ

در دنیا و آخرت پس بیاویزد

بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لَيَقْطَعَنَّ

رسمانی بسوی آسمان (بالا) پس قطع کند

فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ①

آنگاه ببیند آیا ذائل میکند حيلة او چیز را که بخشم آورده (اورا)

تفسیر : در «لن ينصره» ضمیر مفعول بسوی نبی کریم (ص) راجع است که تصور ایشان در ذهن قاری قرآن همیشه موجود است زیرا خود آنحضرت (ص) اولین مخاطب قرآن میباشند گویا بعد از ذکر انجام مؤمنین حال مستقبل پیغمبر ایشانرا بیان میکند ، خلاصه اینکه وعده های که حق تعالی در باب فتح و نصرت دنیوی و اخروی به رسول خود داده است ضرور ایفا شدنی است اگر چه کفار و حاسدین بسیار غصه ناک و اندوهگین شوند و برای بازداشتن نصرت ربانی تدبیر ها نمایند لیکن نصرت و کامیابی موعود به آنحضرت (ص) بهر صورت رسیدنی است اگر کفار و حاسدین به کامرانی آنحضرت (ص) فوق العاده خشم و غیظ دارند و می پندارند که با کوشش حاسدانه خود مشیت خداوند (ج) را باز داشته میتوانند پس کوشش انتهائی خود را به کار بیندازند و تجربه کنند حتی ریسمانی را در سقف آویخته به کردن خود انداخته خود را به دار کشند و از فرط غیظ و غضب بمیرند و یا اگر امکان داشته باشد از آسمان ریسمانی آویزان کرده ذریعه آن بالا بروند و از آنجا امداد آسمانی را قطع کرده پس فرود آیند آنگاه ببینند آیا باین تدابیر و تشبثات عنودانه ایشان نزول امداد منع میگردد ؟ و کمک خداوندی (ج) انقطاع می یابد ؟ اکثر مفسرین این آیت را به همین قسم تفسیر کرده اند لیکن حضرت شاه صاحب (رح) آیت را با مضمون «ومن الناس من يعبد الله على حرف الاية» مربوط نموده بیانات نهایت لطیف و مؤثری ایراد نموده است ، در نزدی در آیه «من كان يظن ان لن ينصره الله الاية» ضمیر مفعول بطرف «من» راجع میشود ، مطلب این است که درائنی مصائب دنیا اگر کسی از خدا (ج) ناامید شود و بندگی خدا را ترك دهد و چیزهای باطل را پرستش کند گویا به شخصی شباهت بهم میرساند که بایک ریسمان مطولی آویزان است اگر چه بالا رفته نمیتواند لیکن توقع دارد که اگر ریسمان کش شود صعود خواهد نمود اما آنگاه که ریسمان بریده شود چه توقع باقی میماند اگر از رحمت خدا (ج) کسی ناامید شود آیا کامیاب خواهد شد ؟ درین تعبیر ریسمان عبارت از امید به حضور خداوند تعالی است و قطع شدن آن گویا ناامید شدن از رحمت اوست و از آسمان مراد بلندی است والله اعلم .

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۝

و همچنین فرو فرستادیم قرآنرا آیات روشن

وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ①۶

و اینکه الله راه می نماید هر کرا خواهد

تفسیر : چه خوب مثالهای واضح و سخنان روشن است مگر کسی آنرا میفهمد که خدا (ج) اورا بفهماند .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا

(هر آئینه) آنانیکه ایمان آوردند و آنانیکه یهود شدند

وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ

و صابئین و نصاری و مجوس

تفسیر : مجوس آتش پرستند و به وجود دو خالق قائل اند یکی خالق خیر که نام آن (یزدان) است و دیگری خالق شر که اورا (اهرمز) گویند و نام کدام نبی را هم میگیرند ، این معلوم نیست که پسان خراب شدند یا از اول براه غلط رفته بودند - کلام شهرستانی را راجع به مذهب آنها در «ملل و نحل» مطالعه کنید صابئین و غیره پیشتر مذکور شده .

وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ

و آنانیکه شرک آورده اند (هر آئینه) الله

يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ

فیصله میکند در میان ایشان در روز قیامت

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ①۷

(هر آئینه) الله بر همه چیز آگاه است

تفسیر : فیصله عملی و قطعی منازعات تمام مذاهب و فرقه ها از طرف حق تعالی در روز قیامت به عمل می آید در آن روز همه از یکدیگر تفریق و جدا شده به مواضع و مقامات معینه خود واصل میشوند . فقط الله تعالی میداند که کدام کس مستحق کدام مقام و کدام سزااست ؟ .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ

آیا ندیده‌ای که (هر آئینه) الله را سجده میکند

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ

آنانیکه در آسمانها هستند و آنانیکه در زمین اند

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ

و آفتاب و ماه و ستارگان

وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْأَنْبَاءُ

و کوهها و درختان و جانوران

وَكَثِيرٌ مِّنَ الْبَشَرِ

و بسی از مردمان

تفسیر : يك نوع سجده آن است که تمام مخلوق آسمان و زمین در آن اشتراك دارند و این سجده عبارت از آن است که پیش قدرت اوتعالی جل جلاله تکوینا همه مطیع و منقاد و تابع باشند خواه مخواه همه مجبورند که بحضور اوتعالی سر نیاز فرود آرند نوع دوم سجده برای هر چیز به صورت جداگانه می باشد و آن این است که هر چیزی را که برای کدام کاری آفریده در آن مشغول شود و چنین سجده را بسامردم میکنند و بسا مردم نمیکنند مگر غیر از انسانها سایر مخلوقات بجامی آرند بنابراین در «ان الله يسجد له الایه» سجده هرچیز مطابق شان و وضعیت آن مراد خواهد بود و یا بعد از «ومن فی الارض» دیگر «یسجد» مقدر شود .

تنبیه : ربط این به آیت سابق این است که پیروان مذاهب مختلفه در بین خود اختلاف دارند حالانکه تمام مخلوقات دیگر مطیع و منقاد خدا (ج) هستند انسان که از همه آنها عاقل تراست میبایست که همه افراد آن نسبت به سایر مخلوقات بیشتر متفق و متحد می‌بودند .

وَكَثِيرٌ حَقٌّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ط

و بسیاری از ایشان لازم شده است بر آنها عذاب

تفسیر : چون از سجده انکار و اعراض کردند لذا مستحق عذاب شدند .

وَمَنْ يَهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ ط

و هر کس را ذلیل گرداند الله پس نیست او را هیچ عزت دهنده

إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ط (السخنه) (النجسه)

(هر آئینه) خدا میکند آنچه میخواهد

تفسیر : خدای تعالی هر کسی را که در پاداش کردار ناهنجارش بخواهد ذلیل کند کیست آنکه او را از قعر مذلت بیرون آورده و به مقام عزت برساند .

هَذَانِ خَصْمَيْنِ اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ز

این دو فریق دشمنان یکدیگرند خصومت کردند درشان رب خود

تفسیر : همه فرقه‌های که در آیه «ان الذين آمنوا والذين هادوا والصابئين الايه» ذکر شده اند از حیث حق و باطل دو فرقه گفته میشوند ، یکی گروه مؤمنین است که همه اوامر رب خود را بتمامها تسلیم میکنند و در مقابل احکام او تعالی دائماً سر بندگی فرود می‌آیند - گروه دوم عبارت از جمعیت کفار است که در آن یهود ، نصاری ، مجوس ، مشرکین و صابئین و غیره همه شامل اند اینها هدایات ربانی را قبول نمیکنند و به اطاعت او تعالی سر فرود نمی‌آیند ، هر دو گروه مذکور در دعاوی و بحث و مناظره و نیز در مواقع جهاد و قتال حریف یکدیگر اند چنانکه در میدان مبارزه (بدر) حضرت علی ، حضرت حمزه و عبیده بن الحارث رضی الله عنهم بمقابله سه کافر (عتبه ابن ربیع - شیبه ابن ربیع ، ولید بن عتبّه) در میدان کارزار حاضر شدند و البته انجام هر دو فریق را در آینده به خوبی نشان میدهد .

فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ

پس آنانیکه کافر شدند بریده شده برای ایشان

ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ

جامه ها از آتش

تفسیر : طوریکه لباس بدن انسان را می پوشاند همان طور آتش جهنم آنها را فرامیگیرد و یایک نوع مخصوص لباس پوشانیده میشوند که به نسبت گرمی آتش بسیار سخت تر سوزانتر است .

يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ۝۱۹

انداخته میشود از بالای سرهای ایشان آب جوش

يُصْهِرُ بِهِمْ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ۝۲۰

گداخته می برآید به آن آنچه در شکمهای ایشان است و پوستهای نیز

وَلَهُمْ مَقَامٌ مِنْ حَدِيدٍ ۝۲۱

و مرایشان راست چکش (گرزها) از آهن

تفسیر : سرهای دوزخیان را با گرزها کوبیده پس از بالا بر سرایشان آب جوش می افکنند که از راه دماغ داخل شکم گردیده در اثر آن روده ها و شکنجه قطع شده میگدازد و بیرون می افتد و چون آب به سطح خارجی بدن میرسد پوست بدن از هم میگدازد و فرو میریزد و باز به حالت اصلی عودت داده میشود و این حالت در حق ایشان تکرار میشود - «كَلِمَاتُ نَضِجَتِ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ» (نساء رکوع ۸) (اللهم اعذنا من غضبك وعذابك) .

كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا

در آنجا خواهند که برآیند از دوزخ

مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا

از جهنم باز گردانیده میشوند در آن و (گفته میشود) بچشید

عَذَابِ الْحَرِّ يُقِي

عذاب آتش سوزان

تفسیر : چون در دوزخ فوق العاده غم و اندوه می بینند می خواهند که برآمده بجائی بگریزند شعله های آتش ایشان را بالا بر میدارد آنکاه فرشتگان گرز های آهنین را بر سر شان فرو کوفته آنها را پایان می اندازند و به اوشان گفته میشود که ذائقه عذاب دایمی را که ابداً خروج از آن نصیب نمیگردد بچشید . العیاذ بالله .

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا

هر آئینه الله میدرآرد آنان را که ایمان آورده اند

وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

و کرده اند اعمال شایسته در جنت ها که جاری می باشد

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا

زیر آن جوی ها زیور پوشانیده میشوند (ایشان) در آنجا

مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا

دستوانها از طلا و مروارید

تفسیر : اهل بهشت به آرائش وزینت زیاد زیست می نمایند و از هر جنبه و رهگذر به تجمل و تنعم نائل می باشند .

وَلِبَاسُ سُهُمٍ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾

و پوشاک ایشان در آنجا ابریشم است

تفسیر : پیشتر در آیه « قَطَعْتُ لَهُمْ ثِيَابَ مَنْ نَارٍ » لباس دوزخیان مذکور شد درین موقع بطور مقابله البسه بهشتیان را بیان می فرماید که لباس آنها از ابریشم است . حضرت شاه (رح) می نویسد از تذکار این جمله « که در آنجا متنعمین بهشت بازیور های طلائی و لباس ابریشمی مزین می گردند » برمی آید که این دو چیز در دنیا برای مردمانیست و دستوانه در جمله زیورات از سببی بیان شد که چون خدمت غلام را آقا پسند میکند به دستش کره می اندازد .

تنبیه : در احادیث است مردیکه در اینجا لباس ابریشمی می پوشد در آخرت پوشانیده نمیشود و اگر کافری در دنیا لباس ابریشمی بپوشد ظاهر است که نه بجنّت میرود و نه آن لباسها برای او میسر شدنی است . و اگر مومن باشد شاید تا مدتی از آن لباسها محروم بماند بعد از آن بطور ابدی آنرا دربر خواهد نمود و این زمان قلیل در مقابل آن مدت لایتنهای خیلی اندک بوده قابل اعتبار نیست .

وَهْدُوءًا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ ﴿٢٤﴾

و راه نموده شد ایشانرا بسوی پاکیزه سخن

تفسیر : در دنیا هم (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) گفتند و قرآن خواندند و تسبیح و تحمید کردند و امر بالمعروف و نهی عن المنکر نمودند در آخرت نیز چنین است که فرشتگان از هر طرف به ایشان سلام خواهند کرد بهشتیان بایکدیگر سخنان پسندیده و مرغوب گویند ، لغویات و خرافات در آنجا وجود ندارد ، مومنان به نعمت های جنت شکر خداوندی را بجا می آرند مثلاً گویند « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ » در سوره فاطر است : « يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنْهُ الْحُزْنَ » آیه (رکوع ۴) ازین آیت ، آیت حاضره تفسیر میشود نبه علیه فی الروح المعانی .

وَهُدُّوْا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ﴿٢٢﴾

و دلالت کرده شد ایشان بسوی راه (خداوند) ستوده

تفسیر : راه ستوده شده که نام آن اسلام است ، این راهی است که خود آن به نیکوئی ستوده شده و صاحب آن نیز به نیکوئی ستایش یافته است یا اینکه به محلی راه یافته که چون بدانجا رسد شکر نعمت های منعم حقیقی را ادا کرده بتواند .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّوْنَ

(هر آئینه) آنانکه کافر شدند و منع میکنند

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

از راه الله و از مسجد حرام

الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً

آنکه گردانیده ایم آنرا برای مردم که برابر است

إِلْعَاقُ كَفٍ فِيهِ وَالْبَادِ ط

باشنده در آن و وارد شوند از خارج

تفسیر : پیشتر در «هذان خصمان اختصموا الايه» در باب اختصاص مؤمنین و کفار ذکر رفت اینک صورتهای همان مخاصمت را در اینجا بیان فرموده یعنی يك گروه عبارت از مردمانی اند که هم خود شان گمراه می باشند و هم دیگران را مزاحم میشوند و نمی خواهند که احدی براه خدا (ج) برود حتی مسلمانانیکه به همراه پیغمبر خود برای ادای عمره به مکه معظمه میرفتند راه را بروی شان مسدود کردند حالانکه مسجد حرام و یا آن حصه حرم شریف که در آن بعضی از عبادات و مناسک مردم اجرا میشود برای همه یکسان است و در آنجا مقیم و مسافر ، اهل و طن و مردمان بلاد بعیده برای اقامت و عبادت حقوق مساویانه دارند ، بلی ازین

مکان مقدس کسانی قابل اخراج و فرار اند که شرك و شرارت ها را مرتكب شده - و این بقعه مبارکه را بی احترامی و تحقیر کرده اند .
 تنبيه : مسئله ملکیت خانهای مکه و بیع و شراء و غیره آنها يك مسئله مستقل است که تفصیل کافی آن در روح المعانی و غیره مذکور است و در اینجا موقع تفصیل آن نیست .

وَمَنْ يَرْدُ فِيهِ بِالْحَاكِ يُظْلَمُ

و کسیکه خواهد در آن کجروی بسبب ظلم

نَذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ٢٥

میچشانیم او را از عذاب دردناک

تفسیر : شخصی که در حرم شریف عمدآ و به اراده ، بی دینانسی و شرارت کند به او سزای شدیدتر داده میشود ، نسبت به کسیکه به دیگر موضع چنین عمل کند ، ازین قاعده حال آن مردم را بدانید که از ظلم و شرارت خود مومنان را ازین مقام مبارك باز میدارند .

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ

(و یادکن) چون معین کردیم برای ابراهیم موضع خانه کعبه را

تفسیر : گویند که محل کعبه شریف از اول مقدس و متبرک بوده ولی بعد از مرور قرنهای متمادی ازین مقام نشانی باقی نماند ، حضرت ابراهیم (ع) از جانب خداوند (ج) مامور شد تا بیت الله را تعمیر کند و موقع آن مقام مقدس با و نشان داده شد ، حضرت ابراهیم (ع) پسر خود اسمعیل (ع) را در تعمیر خانه کعبه با خود شریک ساخت .
 تنبيه : پیشتر (مسجد حرام) ذکر شد و به مناسبت آن احوال بنای کعبه و بعض احکام متعلقه آن بیان گردید .

أَنْ لَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا

که شریک مگردان بامن هیچ چیز را

تفسیر : خداوند (ج) امر نمود تا بنیاد این خانه را به توحید خالص بنهند و هر کسی که در اینجا بیاید جز عبادة الله هیچ رسوم مشرکانه را به عمل نیاورد - اما کفار مکه برعکس این عمل کرده سیصد و شصت بت را در آن مقام قدس نصب نمودند (العیاذ بالله) که خاتم المرسلین (ص) از خبت آنها خانه خدا (ج) را برای همیشه پاک نمود فله الحمد والمنة .

وَطَهَّرَ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ

و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان

وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝

و رکوع کنندگان سجده کنندگان

تفسیر : یعنی این خانه مخصوص این مردم باشد و از همه چیز دیگر پاک شود حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد که «درامم سابقه رکوع معمول نبود این رکن مخصوص نماز امت محمدیه است پس خبر داده شد که آینده مردمی می آیند که آن را آباد نموده و پاک نگه خواهند داشت .
وفیه نظر فتمام ! .

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ

و آواز بده در میان مردم برای حج

يَا تُوكِّرِجًا لَّا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ

که بیایند پیش تو پیاده و بر هر شتر لاغری

يَا تَيْنَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ۝

که می آیند از هر راه دور

تفسیر : چون کعبه تعمیر یافت حضرت ابراهیم (ع) بر فراز کوهی ایستاده و مردم را صدا کرد : ای مردم ! خدا (ج) حج را بر شما فرض کرده است به حج بیایید ، حق تعالی این آواز را در هر طرف بهر روح رسانید این مثل بلا تشبیه نموده آن است که ما درین زمان بجای خود نشسته ایم و آواز لندن و امریکا را می شنویم ، پس شخصی که حج برایش مقدر بود روح او لبیک گفت . در حقیقت همان آتش پوشیده عشق است که هزاران مردم با زحمت ها و مشقت های تمام بعضی پیاده حاضر میشوند و بسامردم از چنان مسافت دور می آیند که شترها مانده

وراحله‌شان خسته ولاغر میشود بلکه برای عموم حجاج ناقه های قوی رهوار کی بدست می‌آید لذا بر شترهای لاغر و ضعیف منازل درازی را قطع میکنند ، این وضع گویا تاثیر مقبولیت دعای حضرت ابراهیم (ع) را نشان میدهد . «فاجعل افئدة من الناس تهوى اليهم» (ابراهیم رکوع ۶).

لِيَشْهَدُوا مَنَا فَعَلَهُم

تأخضر شوند به (جایهای) منافع خود

تفسیر : مقصد اصلی از حج تحصیل فواید دینی و اخروی است مثلاً به ذریعه حج و عمره و سایر عبادات متعلقه آن خوشنودی خدای تعالی حاصل شده و مومن به مقامات بلند و ترقیات روحانی فائز میشود لیکن در ضمن این اجتماع عظیم‌الشان بسا فواید سیاسی ، مدنی و اقتصادی نیز حاصل میگردد چنانکه بر همه‌گان ظاهر است .

وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

و یاد کنند نام الله را در چند روز

مَعْلُومَاتٍ عَلَى مَا رَزَقَهُمُ

معلوم بر ذبح آنچه داده است ایشان را

مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ نَعَامٍ

از جانوران چارپایان

تفسیر : مراد از «ایام معلومات» نزد بعضی عَشْرَةُ اَوَّلِ ذِي الْحِجَّةِ است و نزد بعضی سه روز قربانی است (دهم و یازدهم و دوازدهم) بهر حال در این ایام در باب ذکر (الله) فضیلت زیادی آمده است در ضمن این ذکر بالخاصه این هم داخل است که چون حیوانات قربانی ذبح شوند نام الله برده شده و بسم الله ، الله اکبر گفته شود در این روزها بهترین عمل آن است که قربانی را به نام الله ذبح کنند .

فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ

پس بخورید از آن و بخورانید بدحال محتاج را

تفسیر : بعضی از کفار نظریه داشتند که گوشت قربانی را نباید خود قربانی کننده بخورد مگر در اسلام این نقیصه رفع و امر شد تا قربانی کننده هم به شوق و رغبت گوشت ذبیحه خود را تناول کند و هم به دوستان خود بخش نموده و به فقراء مصیبت رسیده نیز بخوراند .

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ

پس دور کنند چرك خود را و ایفا کنند نذرهای خود را

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝۲۹

و طواف کنند به آن خانه قدیم

تفسیر : از شروع لبیک گفتن (یعنی احرام بستن) حجامت نمی کنند ناخن نمی گیرند ، به بدن خود روغن نمی مالند و چون بدن با چرك و گرد و غبار آلوده میشود بدن خود را خوب مالیده غسل نمیکنند . این وضعیت را می توان يك حالت عاشقانه و مستانه نامید که در راه محبت الهی (ج) اجرا میشود . بالاخر بتاريخ دهم ماه همه کار تمام میشود حجامت می کنند غسل می نمایند و لباس دوخته را دربر نموده به طواف زیارت میروند کسیکه حیوان برای ذبح دارد پیشتر آنرا ذبح میکند مقصد از ایفاء نذرهای این است که نذور خود را باید اداء کنند و اصل نذر مخصوص خدای تعالی است و از دیگری نمی باشد در نزد بعضی از کلمه نذور مناسك حج و یا واجبات حج مراد است و همین مفهوم به مطلب اقرب معلوم میشود . (والله اعلم) .

تنبیه : «عتیق» به معنی دیرینه و قدیمی است و بعضی گفته اند بیت ازین سبب عتیق گفته شده که هر قوتی که به غرض تباه کردن این خانه اقدام کند حق تعالی آنرا مانع شده و از کامیابی آن جلوگیری مینماید تا زمانیکه الله تعالی خرابی آنرا بخواهد .

ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتَ اللَّهِ

این حکم را شنیدی (حکم این است) و هر که تعظیم کند حرمت الله را

فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۝۳۰

پس این (تعظیم) بهتر است او را نزد پروردگارش

تفسیر : چیزهای حرام را ثقیل دانسته ترك دادن و یا آداب و تعظیم چیزهایی را که الله تعالی آنها را محترم قرار داده است قائم داشتن بسیار کار نیک و انجام آن نهایت خوب است در چیزهای محترم ، حیوانات قربانی ، بیت الله ، صفا و مروه ، منی ، عرفات ، مساجد ، قرآن و بلکه تمام احکام الهیه شامل است خصوصاً درین مورد به تعظیم مسجد حرام و حیوانات هدی نهایت تاکید میکند که بندگان خدای یکتا را از حج بیت الله نباید مانع شد و حیوان قربانی را که آورده باشند به پس بردن مجبور نسازند بلکه کوشش نمایند که حیوان قربانی فربه و قیمتمدار باشد .

وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْآَنْعَامُ

و حلال گردانیده شده برای شما چهارپایان

تفسیر : حکم ذبح آنها برخلاف تعظیم حرمت الله نیست زیرا به اجازه و بنام مالکی که حرمت چیزی را وانمود کرده است قربانی میشود .

إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ

مگر آنچه خوانده میشود بر شما (تحریم آن)

تفسیر : حیواناتی که حرمت آنها وقتاً فوقتاً به شما گفته میشود چنانکه در سورة انعام تفصیل آن گذشته حلال نمی باشند .

فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

بتان

از پلیدی

بپرهیزید

تفسیر : جانوران همه مخلوق و مملوك خداوند صرف به اجازه و نام خدا (ج) میتوان آنها را ذبح نمود و نیز برسانیدن به کعبه او تعالی میتوان آنها را نذر بست حیوانی که در قربانگاه بت و یارب النوع مذکر یا مؤنث ذبح شد نجس و حرام گردیده غیر قابل اکل محسوب میشود و از چنین شرکها و کارهای پلید اجتناب حتمی است .

وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۝۳۰

دروغ

از سخن

بپرهیزید

و

تفسیر : سخن دروغ گفتن ، شهادت دروغ دادن ، جانوران آفریده خدا را بنام غیرالله ذبح کردن و بدون دلیل شرعی چیزی را حلال و حرام گفتن همه در «قول الزور» شامل می باشند قباح و زشتی «قول الزور» را ازین امر می توان دانست که خداوند (ج) آنها را درین موقع با کلمه شرك یکجا ذکر فرموده است چنانچه در (رکوع ۴ سورة الاعراف) همچنین ارشاد شده «وان تشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا وان تقولوا على الله ما لا تعلمون» آنحضرت صلی الله علیه وسلم هم از این امر به شدت و تاکید کامل منع فرموده اند .

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ط

از هر طرف مایل شده بسوی الله نه شریک گیرندگان باو

تفسیر : یعنی از هر طرف روی گردانیده و بسوی الله متوجه شوید تمام افعال و نیات شما بدون شرکت غیر محض برای خدا (ج) باشد .

وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ

و کسیکه شریک ساخت بالله پس گویا بیفتاد

مِنَ السَّمَاءِ فَتَخُطَفُهُ الطَّيْرُ

از آسمان پسر بود او را پرندگان مردارخوار

أَوْ تَهْوِي بِهٖ الرِّيحُ فِى

و یا انداخت ورا باد در

مَكَانٍ سَجِيقٍ ③

جای دور

تفسیر : این بیان مثال شرك است خلاصه این است که توحید مقامی است نهایت اعلی و بلند و اگر انسان او تعالی را ترك داده بحضور مخلوق دیگر برای عبادت خود را خم سازد گویا خود را از اوج آسمان

توحید بحضیض ذلت شرک می‌اندازد و مسلم است که در افتادن از این مقام بلند امید زندگی نمی باشد اکنون یا جانوران مردار خوار یا هوا و افکار فاسده از چهار طرف هجوم آورده او را پاره پاره کرده میخورند و یاشیطان لعین مثل طوفان باد شدید او را دور برده در یک چاه عمیق می اندازد و آن شخص هر چیز خود را از دست میدهد و یا در این مثال دونوع مشرکین جداگانه بیان شده (۱) مشرکی که در شرک خود به کلی ثابت نیست بلکه مذبذب بوده گاهی بیک طرف و گاهی به طرف دیگر مایل میشود و این مصداق «فتخطفه الطیر» است (۲) مشرکی که در شرک خود اصرار دارد و تغیر ناپذیر است این مصداق «او تهوی به الریح فی مکان سحیق» است و یا مراد از «فتخطفه الطیر» کشته شدن از دست مردم است و از «او تهوی به الریح فی مکان سحیق» مرگ طبیعی مراد باشد اکثر مفسرین و چه تشبیه را به چنین احتمالات ذکر کرده اند لیکن حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «مادامیکه نیت شخص به خدای یگانه است اوقائم است و چون نیتش به جهات متعدده رفت این جهات مختلفه فکر او را پریشان گردانیده او را از بین راه میربایند و یا از تمام معتقدات منکر شده (دهری) خواهد شد .

ذَٰلِكَ ۚ وَمَنْ يُعْظِمْ شَعَائِرَ اللَّهِ

این حکم را شنیدی (حکم این است) و هر که تعظیم کند شعائر الله را

فَرَأَتْهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۝

پس (هر آئینه) این از تقوای دلهاست

تفسیر : تعظیم شعائر الله در شرک داخل نیست کسیکه در دل او پرهیز گاری و خوف خدای یکتا باشد پس هر چیزی که نشانه های دین خدا (ج) باشد یقیناً آنها را احترام می نماید و این تعظیم داخل شرک نیست بلکه کاملاً از آثار توحید است زیرا عاشق خدا هر چیزی را که به خدا منسوب باشد قدر میکند .

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى

برای شما در مواشی منافع است تا وقت معین

ثُمَّ مَجِلَّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝

باز رسیدن آنهاست تا خانه قدیم

تفسیر : خانه قدیم عبارت از بیت الله شریف است و درین موقع شاید توسعاً تمام حرم مراد باشد یعنی از شتر و گاو و بز و غیره فوائد زیاد بدست می آید مثلاً سواری - شیر - پشم - نسل گیری و غیره مگر این انتفاع تا هنگامی است که آنها را «هدی» ساخته باشند و بعد ازینکه «هدی» کردند فوائد فوق (بدون ضرورت) از آنها گرفتن جایز نیست فائده بزرگ اخروی از آنها این است که قربانی رابه کعبه برده بنام خدای تعالی قربان کنند .

وَ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا

و برای هر امت معین ساخته ایم (طریق) قربانی را

لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ

که یاد کنند نام الله را بر ذبح آنچه داده است ایشانرا

مِّنْ بَهِيمَةٍ إِلَىٰ نَعَامٍ ۖ فَاِلَهُكُمْ

از جانوران چهارپایان پس معبود شما

إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ۖ

معبود یگانه است پس خاص برای او منقاد باشید

تفسیر : قربان کردن مویشی در ادیان سماوی عبادت قرار داده شده است اگر این عبادت بطور نذر برای ما سوی الله به عمل آورده شود شرك است که باید از آن بسیار اجتناب نمود ، کار موحد این است که قربانی را خاص بنام خدائی کند که در تمام شرایع قربانی کردن را بنام او حکم داده است از حکم او انحراف نورزید .

وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿۲۴﴾

و مژده بده به فروتنان

تفسیر : بشارت بده به آنانی که محض حکم خدای یگانه را قبول دارند و بحضور وی سر نیاز خم میکنند و بذکر آن ذات مقدس دلشان قرار می یابد و از جلال و جبروت او (تعالی) میترسند .

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ

آنانیکه چون یاد کرده شود الله میترسد

قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ

دلهای شان و صبرکنندگان را بر آنچه برسد بایشان

تفسیر : مصائب و شداید رابه صبر و ثبات تحمل میکنند و اگر درمورد سختی و آزمایش قرار گیرند قدم آنها از راه حق نمی لغزد .

وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا

و آنانی را که برپامیدارند نماز را و آنانرا که از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾

داده ایم ایشان را خرج میکنند

تفسیر : برای اینکه به بیت الله واصل شوند با آلام و مصائب زیادی مواجه میگردند ، در حین سفر اندیشه فوت شدن یا قضا شدن اکثر نماز می باشد و درین راه مال بسیار خرج میشود . باین مناسبت این اوصاف و خصال را درین جاذکر فرمود .

وَالْبُدُنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ

و شترانیرا که برای هدیه میرانید گردانیدیم آنها را برای شما از

شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ﴿٣٦﴾

نشانهای الله مر شماراست در آنها نیکوئی

فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَّافٌ ۚ

پس یاد کنید نام الله را بران (نحر) در حالیکه صف بسته باشند

فَاِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا

پس چون (بزمین) بیفتد پهلوهای آنها پس بخورید از آن

تفسیر : اول حکم تعظیم مطلق شعائر الله بود اکنون وانمود کرد که شتر و غیره جانوران قربانی هم از جمله شعائر الله می باشند که در ذوات آنها و در بجا آوردن آداب قربانی آنها برای شما خوبی های بی شمار دنیوی و اخروی می باشد پس مطابق قاعده عمومی باید نام الله را بر زبان رانده آنها را ذبح و نحر کنید و مخصوصاً بهترین طریقه ذبح شتر «نحر» است که آنرا روبه قبله ایستاده کرده و یک دست آنرا چه راست و چه چپ بسته نمائید سپس در ابتدای سینه آن که منتهای حلقوم است زخم بزنید چون تمام خون حیوان برآید و بر زمین بیفتد آنگاه قطعه قطعه کرده و از آن متمتع شوید و اگر شتر ها بسیار باشند همه را بصورت قطار ایستاده کنید .

وَ أَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۖ

و بخورانید و قناعت کننده و بیقرار را

تفسیر : محتاجین دونوع اندیکی صابر که از سوال برکنار انداگر مقدار خیلی بیاوند به آن قناعت می ورزند - دیگر که بیقرار بوده سوال را ادامه میدهند و به چیز قلیل راضی و متسلی نمیشوند .

كَذٰلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ

همچنین مسخر نمودیم چهارپایان را برای شما

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣﴾

تا شما شکر گزار شوید

تفسیر : حیوانات بزرگ را که درجه و قوت از شما به مراتب قویتراند در قبضه و تصرف شما آورده که شما از آنها خدمات گوناگون می گیرید و بجه سهولت آنها را ذبح میکنید این احسان بزرگ خدای تعالی است که باید شکر آنرا ادا نمائید نه اینکه مشرک شوید و بر عکس آن ناشکری نمائید .

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا

هرگز نمیرسد به الله گوشتهای آنها و نه خونهای آنها

وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ ط

و لیکن میرسد باو تعالی تقوای شما

تفسیر : درین آیت اصل فلسفه قربانی بیان شده یعنی محض از ذبح کردن جانور و گوشت خوردن و خوراندن یا خون ریختن گاهی رضای الهی را حاصل کرده نمیتوانید و نه این گوشت و خون بر خاسته بدرگاه الهی رسیده میتوانند بلکه تقوی و ادب دل شما بحضور او تعالی میرسد که چگونه با صمیمیت و اخلاص و رغبت تمام يك چیز قیمتها را به اجازه او و به نام او به بیت الله برده ذبح می نمائید . گویا به ذریعه این قربانی ظاهر گردد که خود ما هم در راه رضای تو برای قربانی دادن حاضریم این همان تقوی است که در آیه «وَمَنْ يَعِظْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» ذکر شده که عاشق خدا به طفیل آن رضای محبوب حقیقی خود را حاصل کرده میتواند .

كَذَٰلِكَ سَخَّرَ هَٰلِكُم لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ

همچنین مسخر گردانیدیم آنها را برای شما که تعظیم کنید الله را

عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ ط وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ۱۷

بر آنچه راه نموده شما را و مژده بده نیکوکاران را

تفسیر : در وقت ذبح کلمه (بسم الله - الله اكبر اللهم لك ومنك) را بر زبان رانده و ذبح کنید و شکر خدای تعالی را بجا آرید که برای اظهار محبت و پرستش خود چهاره خوبی را نشان داده و قربانی يك حیوان را در راه رضای خویش گویا قائم مقام قربانی و جود انسانها قرار داده است .

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۖ

مؤمنان

(هر آئینه) الله دفع میکند دشمنان را از

تفسیر : در آیه «ان الذين كفروا ويصدون عن سبيل الله والمسجد الحرام الايه» ذکر آن کفاری بود که مسلمانان را از زیارت حرم شریف وحج و عمره وغيره باز میداشتند در ضمن اين مسئله راجع به مسجد حرام و تعظيم واحترام متعلقات آن احکام بيان فرمود . و اکنون باز به مضمون سابق رجوع نمود يعنی مسلمانان مطمئن و آسوده خاطر باشند که الله تعالى عنقریب راه آنها را از دشمنان پاک خواهد نمود و به مسجد حرام ایشان را میرساند و در تعميل احکام متعلقه آن هيچ ممانعت و مخالفت باقی نماند بی خوف و خطر حج و عمره را ادا کرده توانند گویا يك قسمت از بشارتی که در آیت «وبشرا المحسنين» است همین مژده است .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ

هر

دوست نمیدارد

الله

(هر آئینه)

ع ۵
(۳۸)

دُ خَوَّانٍ كَفُورٍ

ناسپاس را

خاین

تفسیر : اگر به فریب کاران ناسپاس تا موعده خاصی مهلت داده شود پس خیال نکنید که این مهلت از این رهگذر است که الله تعالى آنها را دوست دارد بنای این مهلت بر بعض مصالح و حکمت است و انجام آخرین همین است که اهل حق غالب گردند و باطل پرستان ازین راه به کلی برده شوند .

أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ

(کفار) بایشان جنگ میکنند

برای آنانیکه

اجازه داده شده

بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا ۖ

ظلم شده

باین سبب که برایشان

تفسیر : مادامیکه آنحضرت (ص) در مکه اقامت داشتند مسلمانان مامور بودند تا در برابر سختی و ایذای کفار صبر کنند و دست از مقاتله و تعرض باز دارند چنانچه آنها سیزده سال کامل در مقابل مظالم فوق العاده و طاقت فرسا و زهره گداز صبر و استقامت بی مثالی نشان دادند و قتیکه مدینه «دارالاسلام» گشت و جمعیت قلیل و آشفته مسلمانان بیک مرکز مستقل جمع شدند آنگاه به مسلمانان مظلوم که تحت اذیت و منازعه کفار قرار یافته بودند اجازه داده شد بلکه مامور گردیدند تا در مقابل ظلمه و معاندین اسلام شمشیر بردارند و بدین وسیله جمعیت و دین خود را حفاظت کنند و درین خصوص آیات زیادی در آن زمان نازل شد .

وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ۝۳۹

و (هرآینه) الله به نصرت ایشان نیکوتواناست

تفسیر : تا از قلت نفوس خود هراسان و از بی سروسامانی اوضاع خود پیریشان نشوند چه الله تعالی میتواند که جماعه تهیدستان را به افواج بزرگ و سلطنت های قوی دنیا غالب و مظفر نماید فی الحقیقه این یک وعده شهنشاهانه است به نصرت و امداد مسلمانان چنانکه در دنیا افراد بزرگ و پادشاهان در موقع ابراز وعده برای ارائه شان و وقار و استغنائی خود چنین میگویند (بلی فلان کار شما را کرده میتوانیم) شاید این عنوان به این سبب اختیار کرده می شود که مخاطب بداند که متکلم در اجرای چنین کار مضطر نیست چیزی را که میکند بقدرت و اختیار خود میکند .

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

آنانکه برون آورده شدند از خانه های خود

بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَن يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ

بناحق (هیچکناهی ندارند) جز اینکه میگویند و بپا الله است

تفسیر : مسلمانان مهاجر که از منازل خود اخراج شدند هیچ جرم و گناهی نداشتند و نه بر آنها کسی چیزی دعوی داشت بجز اینکه ایشان تنها الله (ج) را رب خود میگویند و سنگ و خشت را پرستش نمی کنند گویا بزرگترین و سنگین ترین الزام مشرکین که بر آنها عاید میشود این است که از هر طرف چرا منصرف شده و محض به خدای یگانه معترف و متیقن گردیده اند .

وَلَوْ لَادَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ

و اگر نبودی دفع کردن الله مردمان را بعضی ایشان را

بِبَعْضٍ لَّهْدَىٰ مَتَّ صَوَامِعُ وَبِيعُ

به بعضی (هر آئینه) ویران کرده می شد خلوت خانه های رهبانان و کلیسای نصاری

وَصَلَوَاتٌ وَ مَسْجِدٌ يُذَكِّرُ

و عبادت خانه های یهود و مسجدهای مسلمانان که یاد کرده میشود

فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ

در آنها نام الله بسیار و (هر آئینه) مدد میکند الله

مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝۴۰

آنرا که مدد میکند به (دین) الله (هر آئینه) الله توانا غالب است

تفسیر : اگر در هیچوقت و هیچ حالی برای يك جمعیت اجازه جنگ با جماعه دیگر داده نشود خلاف قانون فطری الهی (ج) به شمار می آید او تعالی نظم دنیا را طوری برپا نهاده که هر چیز یا هر شخص یا هر جماعت در مقابل يك چیز یا شخص یا جمعیت دیگر برای بر قرار داشتن و حفاظه هستی خود در موقع ضرورت به مقاتله بپردازد اگر چنان نبود و نیکی را الله تعالی به حمایت خود در مقابله بدی ایستاده نمی کردند نام و نشان نیکی بروی زمین باقی نمی ماند و مردم بیدین و شریریکه در هر عصر عده آنها متزاید است تمام مقامات مقدسه و یادگار های متبرکه را همیشه از صفحه هستی محو میکردند هیچیک معبد ، صومعه ، خانقاه مسجد و مدرسه و غیره باقی نمی ماند پس قوت های بدی هر قدر جمع شوند و هجوم بیاورند از طرف قدرت الهی (ج) حتماً وقتی خواهد آمد که دستهای مبارك نیکی حمله های بدی را مدافعه نماید و حق تعالی خودش به مدد کنندگان دین خود اعانت نموده و آنها را بردشمنان حق و صداقت غالب سازد بلاشبکه الله تعالی چنان قوی و غالب است که درائر

امداد او (تعالی) ضعیف ترین چیز قویترین ذوات را هزیمت داده میتواند - بهرحال در آن وقت مسلمانان رادر مقابل کافران ظالم اجازه جهاد و قتال دادن در تحت همین قانون قدرت بوده و این آن قانون عمومی است که هیچ دانشمند از آن انکار کرده نمیتواند اگر این قانون دفاع و حفاظت نبودی در هر عصر نه صوامع رهبانان عیسوی قائم می ماند و نه کلیساهای نصاری و نه معابد یهود و نه مساجد مسلمانان که در آن ذکر الله (ج) به کثرت میشود بلکه این همه عبادتگاهها منهدم میگردد و به زمین هموار میشد پس ازین قانون عمومی وجهی نمی بر آید که برای مسلمانان در کدام وقت مناسب اجازه قتال به دشمنان داده نشود .

الَّذِينَ لَمْ يَمْكُنْهُمْ فِي الْأَرْضِ

آنانیکه اگر قدرت دهیم ایشانرا در زمین

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا

برپادارند نمازرا و بدهند زکوةرا و حکم کنند

بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ط

به کار نیک و منع کنند از کار بد

تفسیر : این بیان آن مسلمانان است که به ایشان ظلم شده و از خانه های شان کشیده شدند یعنی خدا (ج) چگونه به آنها امداد نمی کند چه آنها قومی است که اگر ما (خدا) ایشان را در زمین سلطنت بدهیم از خدا نیز غافل نمی شوند بلکه هم خود شان در نیکی ها و عبادات بدنی و مالی مصروف اند و هم کوشش می نمایند که دیگران را نیز باین راه بیارند چنانچه حق تعالی بایشان حکومت زمین اعطا فرموده و پیشگوئی خدائی کلمه به کلمه درین باره راست آمد **فَلِلّٰهِ الْحَمْدُ عَلٰی ذٰلِكَ** ازین آیت حقانیت، مقبولیت و منقبت تمام صحابه (رض) خصوصاً مهاجرین و بطور اخص خصوص از حضرات خلفای راشدین رضی الله عنهم ثابت گردید .

وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ④

و در اختیار الله است انجام امور

تفسیر : اگر چه در این ایام مسلمانان ضعیف و کفار غالب و قوی بنظر می آیند لیکن این امر به اختیار و اقتدار الله تعالی است که بالاخر مسلمانان را مظفر و منصور گرداند و یا مطلب این است که این امت تا یک مدت دین خدا (ج) را مستحکم خواهند نمود و بعد خدا عالم است که در آخر چه ظهور میکند ؟

وَاِنْ يُّكْذِبُ بُوُّكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ

و امر تکذیب کنند ترا (هر آئینه) تکذیب کرده است

قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ۝

پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود

وَقَوْمُ اِبْرٰهِيْمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ۝

و قوم ابراهیم و قوم لوط

وَاصْحٰبُ مَدْيَنَ ج

و اهالی مدین

تفسیر : حضرت شعیب (ع) بطرف اهالی مدین مبعوث شده بودند .

وَكَذَّبَ مُوسٰی

و تکذیب کرده شده موسی

تفسیر : یعنی از طرف قبطیان مصر .

فَاَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِيْنَ ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ ج

پس مهلت دادم کافران را باز گرفتم ایشانرا

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾

پس چگونه بود انکار من (عقوبت من)

تفسیر : کفار به کثرت وقوت موجوده خود نباید مفتخر و مغرور شده وعده های خداوندی را درباره غلبه و نصرت مسلمانان تکذیب نمایند زیرا این محض مهلتی است که از طرف خداوند (ج) به ایشان داده شده ، اقوام سابق هم از مهلت چند روزه خدا بازی خورده پیغمبران خود را تکذیب نمودند بالاخره وقتی که گرفتار شدند ببینید که عاقبت شان چه شد؟ و خدای تعالی آنها را از عذاب خود ترسانیده نسبت به شرارت ها و انکار آنها وعده عذاب داده بود چطور به ایشان پیش آمد نمود ، تفصیل این در آیت آینده می آید .

فَكَأَيُّ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا

پس بسی از قریه هلاک کردیم آنها

وَهُيَ ظَالِمَةٌ فَمِنْهَا

در حالی که آن گناهکار بود اکنون او افتاده است

عَلَىٰ عُرْوَتِهَا

بر سقفهای خود

تفسیر : چون اساسها به لرزه درآمد اول سقفها افتاده و پس از آن دیوارها و تمام خانه ویران شده بر سر خرابه سقف افتاد این است صورت زیر و بالا شدن آنها .

وَبِئْسَ مَعْطَلَةٌ وَقَصْرٌ مَّشِيدٌ ﴿٤٥﴾

و بسا چاه بیکار مانده و بسا قصر بلند گچ کرده شده (خراب گشته)

تفسیر : آن چاهائی که آب کشنده ها بر اطراف آن مجتمع می بودند امروز يك نفر به دور آن دیده نمی شود و قصر های عالیشان و محکم و گچ کرده شده ویران گردیده که در آنها هیچکس بود و باش ندارد .

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
آیا نگشتند در زمین

فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا
تأمل بود ایشان را دلها که می دانستند به آن

أَوْ أَذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا
یا گوشها که می شنیدند به آن

تفسیر : به مشاهده این همه ویرانه ها هیچ دقت و تأمل نکردند و نه حقیقت را می فهمیدند و گوشهای آنها باز می شد .

فَأَنَّهُمْ لَا تَعْمَى إِلَّا بَصَارُ وَلَكِنْ
پس (هر آینه) نابینا نمیشود چشمها ولیکن

تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي
نابینا میشود دلها که

فِي الصُّدُورِ
در سینه های باشد

تفسیر : و اگر به چشم دیده بدل متوجه نشوند این دیدن با ندیدن برابر است گویا اگر چشمهای ظاهری آنها باز است لیکن چشم های باطنی شان کور است و در حقیقت کوری دل از نابینائی ظاهری وخیم تر است (العیاذ بالله) .

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ يَا لَعَذَابٍ وَلَنْ

و میخواهند به عجلت از تو عذاب را و هرگز

يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ ط

خلاف نمیکند الله وعده خود را

تفسیر : یعنی عذاب در وقت معین یقیناً وارد میشود پس از راه استهزاء و تکذیب آنرا به عجلت خواستن پیهوده است .

وَأِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ

و (هر آئینه) یکروز نزد رب تو

كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ۝

مانند هزار سال است از آنچه می شمارید

تفسیر : هزار سال شما برابر يك روز آن است و چنانچه امروز مجرم در قبضه و اقتدار اوست بعد از گذشتن هزار سال نیز در تحت قبضه و اختیار وی بوده ، جائی گریخته نمیتواند - و یا مطلب این است که کار هزار سال را اوتعالی در يك روز انجام میتواند مگر هر عمل که مطابق حکمت و مصلحت او باشد اجرا میکند و طلب عجلت کسی در آن تأثیری ندارد و یا چنین گفته شود که وعده عذاب اخروی حتماً عملی می شود یعنی قیامت می آید و به شما سزای کامل داده میشود - بعد از آن روز قیامت را بیان نمود که آن یکروز به لحاظ شدت و هول برابر هزار سال است پس برای طلب همچو رنج و مصیبت چرا تعجیل میکنید .

وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا

و بسی از قریه مهلت دادم آنرا

وَهِيَ ظَالِمَةٌ لِّهِنَّ ثُمَّ أَخَذْنَهُنَّ

در حالیکه او کنهکار بود سپس گرفتیم او را

وَالِی الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾

و بسوی من باز گشتن است

تفسیر : اگر به ایشان مهلت داده شد آیا آنها جانی فرار کرده از مؤاخذه ما نجات یافتند چه بالآخره همه برگشته بسوی ما آمدند و ما آنهارا گرفتار و هلاک کردیم .

قُلْ يَٰ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُم

بگو ای مردم جز این نیستم که من برای شما

نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾

ترساننده آشکارم

تفسیر : رسول کریم صلی الله علیه وسلم می فرمودند وظیفه من این است که شما را آگاه و خبردار نمایم ، آردن عذاب با اختیار من نیست فقط به تصرف و اختیار خداست که در باب همه مطیعان و عاضیان فیصله کند و هر یک را به جائیکه مناسب حال وی باشد برساند .

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ

پس آنانیکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیک برای ایشان

مَغْفَرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٣٠﴾

آمرزش و روزی باعزت است

تفسیر : در جنت میوه ها و اثمار متنوعه و اقسام نعمت ها و دیدار حق تعالی نصیب مؤمن میشود .

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَتِنَا مُعْجِزِينَ

و آنانی که جهد کردند در ابطال آیات مادر حالیکه بزعم خودشان عاجز کنندگان مابودند

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ٥١

ایشانند باشندگان دوزخ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ

و نفرستادیم پیش از تو هیچ رسولی

وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى

و نه هیچ نبی مگر چون آرزو بست افکند

الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ ٥٢ فَيَنْسَخُ اللَّهُ

شیطان در آرزوی او پس زائل میگرداند الله

مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ آيَتِهِ ٥٣

آنچه را می انداخت شیطان پس محکم میسازد الله آیات خود را

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٥٤

و الله نهایت دانا با حکمت است

تفسیر : مفسرین در تفسیر این آیت اختلاف دارند - مترجم محقق (قدس الله روحه) روش حضرت شاه عبدالقادر (رح) را اختیار فرموده است و حضرت شاه ولی الله قدس سره در آخر «حجة الله البالغة» بدان

طرف اشاره کرده است ، حضرت شاه صاحب (رح) در «موضح القرآن» می نویسد : حکمی یا خبری که از طرف الله تعالی به نبی میرسد در آن بقدر يك ذره تفاوت واقع نمیشود البته فکر و اجتهاد گاهی صحیح و درست واقع میشود و گاهی نه - چنانچه آنحضرت (ص) در خواب دیدند (و خواب نبی وحی است) که از مدینه به مکه رفتند و عمره را بجا آوردند تصور نمودند که شاید امسال چنین به وقوع آید چنانکه به نیت عمره سفر را شروع کردند لیکن در بین راه مجبور شدند که احرام را بشکنند و در سال دوم تعبیر خواب صورت گرفت و یا اینکه بر حضرت وعده غلبه بکافران داده شد و تصور نمودند که در جنگ حالیه این وعده عملی خواهد شد اما در آن وقت بوقوع نه پیوسته بدیگر وقت شد باز الله می فرماید که در حکم یا وعده بقدر يك سر موهم تفاوت موجود نیست . آری در خیال و اجتهاد خود پیغمبر تفاوت ممکن است نبی پیشگوئی حتمی الوقوع را با اجتهاد شخصی خود نمی آمیخت هر کدام را جداگانه اشاعه می نمود و درین صورت نسبت «القی» به شیطان چنانکه «وما انسانیة الا الشیطان» ان الذکره نسبت کلمه (انساء) به او شده است (والله اعلم) اما نزد این احقرا العباد بهترین و سهلترین تفسیر آن است که اصل مختصر آن از سلف منقول است یعنی «تفهنی» یعنی قرائت و تلاوت یا تحدیث و «اهنی» بمعنی (متلو) و یا حدیث گرفته شود مطلب این است که از قدیم الایام عادت بوده که هر گاه نبی و یا رسول سخن را بیان میکرد و یا آیات الله را برای مردم می شنواید شیطان در سخن و یا آیت مذکوره شبیهات گوناگون می انداخت یعنی متعلق به بعض از آن سخن ها در قلوب مردم و سوسه اندازی کرده شکوک و شبیهات پیدا میکند مثلاً چون نبی اکرم (ص) آیت «حرمت علیکم المیته الایه» را به مردم تلاوت فرمود شیطان چنین شبیهه تولید نموده که بنگرید که کشته خود را حلال و کشته خدا را حرام میگوید یا آنکه چون آنحضرت (ص) آیه «انکم وما تعبسون من دون الله حصب جهنم» را بیان کردند شیطان این سوء ظن و اشتباه را تولید کرد که در آیه «وما تعبسون من دون الله» حضرت مسیح و عزیر و ملائکه الله هم شامل اند و یا آنحضرت چون در باب حضرت مسیح (ع) آیه «کلمته القاها الی مریم وروح منه» را خواندند شیطان چنین و سوسه وارد ساخت که از این آیت ابنیت والو هیئت حضرت مسیح ثابت میشود ولی پیغمبر (ع) در ابطال ورد این القای شیطانی آن آیات الهی (ج) را خواندند که نهایت روشن و محکمت بودند و چنان سخنان پخته فرمودند که برای شنونده هیچ موقع شک و شبیهه باقی نماند گویا شیطان سطح ظاهری «متشابهات» را گرفته اغوا میکند مگر آیات محکمت آنرا از اساس بر میدارد و تمام شکوک و شبیهات را یکدم رفع میسازد - آیا آیات باین دونهج چرا فرو فرستاده میشود - و به شیاطین چرا موقع داده میشود تا به تولید او هام شکوک و سوسه انداختن موقع یابد و بعد از موقع یافتن شیطان بوسوسه انداختن که آیات را محکم میسازد چرا از ابتدا کاملاً صاف و محکم و غیر متشابه نازل نمیکند . آری اینهمه امور به علم و حکمت غیر محدود الهی مربوط است الله تعالی این دنیا را علماً و عملاً دار امتحان قرار داده و ازین روش می خواهد بندگان را امتحان نماید به این طریق که کدام شخص از باعث بیماری و یا قساوت دل در گرداب شکوک و شبیهات بی اساس فرو میرود و کدام شخص دانشمند به قوت علم و تحقیق خود کوشش می ورزد تا به مقام بلند ایمان نائل شود راست این است که باید انسان

از روی نيك نیتی و ایمان داری فهم خود را متوجه کند تا الله تعالی او را دستگیری نموده به راه راست قائم دارد و البته منکرین و مشککین تا قیامت نمیتوانند اطمینان و قناعت حاصل کنند - (هرچه گیرد علتی علت شود) ازین بیان ما مطلب چندین آیه مابعد واضح میشود. آدم هوشمند میتواند اجزای تقریر مارا با اجزای آیت بی تکلف تطبیق دهد این آیتها چنانچه در آغاز سورة «آل عمران» بیان کردیم با «هو الذی انزل علیک الكتاب منه آیات محکمت الایه» مشابیهت زیاد دارد چنانچه در «الاذا تمنی القی الشیطان فی امنیته» متشابیهات ذکر شده و در «ثم یحکم الله آیاته» محکمت و در «لیجعل ما یلقى الشیطان فتنه الایه» دو نوع از زائغین مذکور است که از آنجمله در «الذین فی قلوبهم مرض» ابتغای تاویل و در «القاسیة قلوبهم» ابتغای فتنه مراد است بعد ازین «ولیعلم الذین اوتوا العلم الایه» را بجای آیه «والراسخون فی العلم یقولون الایه» بدانید و دعائیکه در آیه «ربنا لاترغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا» به عمل آمده در اینجا ذکر اجابت آن در آیت «وان الله لهاد الذین آمنوا الی صراط مستقیم» بیان شده است و به مناسبت «ربنا انک جامع الناس لیوم لاریب فیه» در اینجا چنین فرموده: «ولایزال الذین کفروا فی مرية منه حتی تاتیهم الساعة» الی قوله «یحکم بینهم» تنبیه: در تحت این آیت که مفسرین قصه «غرانیق» را ذکر نموده اند موقع بحث آن اینجا نیست - شاید در سورة «النجم» موقع نوشتن آن برسد و من در شرح صحیح مسلم به تفصیل و بسط بران بحث کرده ام بهر حال مطلب آیت بر وفق تفسیر سلف بالکل واضح و مبرهن است گویا اینهمه تفصیل آیت «والذین سعوا فی آیاتنا معجزین» می باشد که در آن سعی کفار در ابطال آیات الله مذکور است.

لِيَجْعَلَ مَا يُلْفِي الشَّيْطَانَ فِتْنَةً

تا بگرداند آنچه القا میکند شیطان آزمائشی

لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ

برای آنانکه در دلهای ایشان مرض است

وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ط وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

و برای آنانکه سخت است دلهای ایشان و (هر آئینه) ظالمان

لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ وَلِيَعْلَمَ

در مخالفت دوراند و تا بدانند

الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ

آنانکه داده شده است ایشان را علم که (هر آئینه) این (وحی) حق است

مِنْ رَّبِّكَ فِئُومِنُوهٖ فَتُخْبِتَ

از طرف پروردگارتو پس ایمان آرند به آن باز نرمی کند

لَهُ قُلُوبُهُمْ ط وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ

برای آن دلهای ایشان و هر آئینه الله هدایت کننده است

الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝

آنانی را که ایمان آورده اند بسوی راه راست

تفسیر : در موضع القرآن آمده که گمراهان در آن بیپوده گونی میکنند زیرا همین فضولی کار آنهاست و مومنان در عقیده خود راسخ تر میشوند که در این کلام انسان دخالتی ندارد اگر مداخلت بنده تصور میرفت البته آنها مثل خیال بنده گاهی صحیح و گاهی غلط می برآمد - و اگر کسی نیت اعتقاد صحیح را داشته باشد الله تعالی این حقیقت را به او میفهماند حضرت شاه صاحب (رح) این فایده را مطابق ذوق خود نوشته است و من رای خود را در فائده سابق اظهار نمودم (والله اعلم) .

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و همیشه باشند کسانیکه کافر شدند

فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمْ
در شك ازين تا وقتيكه بيايد بايشان

السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ
قيامت ناگهان يا بيايد بايشان

عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ
عذاب روز نهايت نحس (بی خیر)

تفسیر : مقصد رسیدن حادثه هول ناک خود قیامت است یا عذاب قیامت
و یا شاید از «عذاب یوم عقیم» عذاب دنیا مراد باشد یعنی در همین
دنیا به سزائی میرسند که به هیچ صورت از آن رستگاری میسر نیست.

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
سلطنت در آن روز مر خدای راست فیصله میکند میان ایشان

تفسیر : در روز قیامت فقط سلطنت خدای یگانه روی کار است و هیچکس
را حکومت ظاهری و مجازی حتی برای نام هم باقی نخواهد ماند. در آن
وقت فیصله عملی تمام دنیا در یک وقت بعمل می آید و تفصیل آن در آینده
مذکور است.

فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
پس آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای شائسته

فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ۝ وَالَّذِينَ

در جنتهای پر نعمت باشند و آنانکه

كَفَرُوا أَوْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ

کافر شدند و دروغ شمردند آیات ما را پس آن جماعه برای ایشان است

عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ

عذاب ذلت دهنده و آنانکه

هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا

هجرت کردند در راه خدا پس کشته شدند

أَوْ مَاتُوا لِرِزْقِهِمْ ۝ اللَّهُ

یا مردند (هر آئینه) دهد ایشانرا الله

رِزْقًا حَسَنًا ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ

روزی نیک و (هر آئینه) الله اوست بهترین

الرَّزَاقِينَ ۝ لِيُدْخِلَهُمْ مَّدْخَلًا

روزی دهندگان (هر آئینه) درآرد ایشانرا بموضع

يَرْضَوْنَ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝

که پسند کنند آنرا و (هر آئینه) الله بهر چیز دانا بردبار است

تفسیر : قبلاً سر انجام مؤمنین را بیان فرمود ولی درین موقع از آن جمله يك جمعیت ممتاز را بطور خصوصی تذکر نمود یعنی آنانیکه در راه خدا خانه و وطن خود را گذاشته جلای وطن اختیار نمودند خواه آنها در جنگ شهید شوند و یا به موت طبیعی بمیرند در هر دو صورت الله تعالی ایشانرا به ضیافت مخصوص خود دعوت خواهد نمود درین دعوت ماکولات ، مشروبات ، مساکن و غیره همه بروفق خواہش و آرزوی آنها خواہد بود خدا (ج) نیکو میداند که آنها به چه چیز راضی میشوند و نیز میداند که کدام اشخاص خالصاً لوجه الله خانه و وطن خود را ترك داده اند . حق تعالی فرو گذاشت های چنین مهاجرین و مجاهدین را تحمل کرده به نظر عفو خواهد نگریست و از عفو و در گذشت خود کار خواہد گرفت یاصفات عالیہ «علیم» و «حلیم» را بدین غرض ذکر کرده باشد که الله همه را میداند و کسانی را که به چنین بندگان مخلص ایذا رسانیده اند و به ترك دادن خانه و جای مجبور کردند نیز می شناسد . مگر چون بردبار است جزای چنین ظالمان و جفا کاران را بصورت فوری نمیدهد .

ذٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبْ بِمِثْلِ مَا عُوِّقَ

این است حکم و کسیکه عقوبت کند بمانند آنچه عقوبت کرده شد او

بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ ط

بآن سپس تعدی کرده شود بروی هر آئینه نصرت دهد او را الله

تفسیر : اگر مظلوم از ظالم انتقام حقانی خود را بگیرد پس ظالم باردیگر به او تعدی کند ، آن شخص بار دیگر مظلوم گشت ، حق تعالی باو مدد میکند چنانکه عادت اوست که بالاخر حمایه مظلوم مینماید «واتق دعوة المظلوم فانه لیس بینه و بین الله حجاب» .
بترس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن * اجابت از در حق بهر استقبال می آید

إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوءٌ غَفُورٌ ٩٠

هر آئینه الله نهایت در گذرنده آموزگار است

تفسیر : بندگان را نیز باید که در معاملات شخصی و معاشرتی عادت عفو و در گذشت را بیاموزند و هر وقت در پی انتقام گرفتن نباشند . حضرت شاه (رح) می نویسد : که کسیکه حق انتقام خود را میگیرد خدای تعالی او را عذاب نمیکند اگرچه انتقام نگرفتن بهتر است . مسلمانان در جنگ بدر اذیتها و آزارهای سابقه کافران را انتقام گرفتند و کافران باردیگر در «احد» و «احزاب» تعدی کردند پس باز الله تعالی مسلمانان را بامداد و اعانت خود تائید فرمود .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ

این بسبب آن است که (هر آئینه) الله داخل میکند شب را

فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

در روز و داخل میکند روز را در شب

تفسیر : قدرت کامله اوتعالی چنان بزرگ است که پس از شب ، روز می آرد و پس از روز شب می آرد و گاهی شب را کوتاه و روز را دراز میکند و بالعکس چون چنین است آیا نمیتواند که يك شخص یا يك قوم مظلوم را امداد نموده از جنگ ظالمان وارهاند و مظلومان را بر ظالمان غالب گرداند - قبلاً مهاجرین مسلمانان مذکور شد در این آیت اشاره فرمود که حالات و وضعیت مثل شب و روز عنقریب منقلب میشود و طوری که الله تعالی شب را در کنار روز می افکند همانطور سرزمین کفر را در آغوش اسلام خواهد درآورد .

وَ اَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝۶۱

و به سبب اینکه (هر آئینه) الله شنوا بیناست

تفسیر : فریاد مظلوم را میشنود و بد کرداریهای ظالم را می بیند .

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَ اَنَّ

این به سبب آن است که (هر آئینه) الله اوست حق و (هر آئینه)

مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ

آنچه را که می خوانند بغیر او همان است باطل

وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾

و به سبب آن است که (هر آئینه) الله اوست بلند مرتبه بزرگ

تفسیر : آیا چنین انقلابات عظیم الشان را بدون الله تعالی که میتواند ؟ در حقیقت معبود حقیقی همان خدای یگانه است که غیر از وی همه باطل است ، باید همه همان ذات را خدا بخوانند و معبود خود قرار دهند که از همه برتر و بزرگتر است و این شان بالاتفاق مخصوص همان يك الله است .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

آیندیدهئی که (هر آئینه) الله فرود آورده از آسمان

مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ط

آب را پس گردید زمین سر سبز (به آن)

تفسیر : همین طور زمین خشک کفر را به ذریعه باران اسلام سبز و خرم خواهد کرد .

إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ ج

هر آئینه الله چیزهای پوشیده را میداند خبردار است

تفسیر : اوتعالی میداند که چگونه از آب باران سبزه و نباتات میروید قدرت بطور نهانی بدون اینکه حواس انسان آنها ادرك کند در کائنات چنین تدبیر و تصرف می نماید که زمین خشک اجزای آب و غیره را جذب کرده سر سبز و شاداب میشود همین طور اوتعالی به لطف و تدبیر و تربیه لطیف خود و کمال خبرت حوائج را درك فرموده قلوب بنی آدم را به ذریعه باران فیوض اسلام سبز و خرم می سازد .

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط

مراوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝۴۸

و (هر آئینه) الله همان است بی نیاز دارای همه خوبی ها (ستوده)

تفسیر : تمام موجودات آسمان و زمین مملوک و مخلوق اوست و همه باو احتیاج دارند و او محتاج کسی نیست لهذا حسب مشیت خویش میتواند در آن هرگونه تصرف کند و تغییر و تبدیل دهد هیچکس نمیتواند مزا حم و مانع او شود باوجود بی نیازی تام و اقتدار کامل کرده او آن می باشد که سراپا حکمت و مصلحت باشد و تمام افعال او محمود است و ذات او (تعالی) جامع همه کمالات و صفات حمیده است .

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ

آیا ندیده ئی که (هر آئینه) الله مسخر کرده برای شما

مَا فِي الْاَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي

آنچه در زمین است و کشتی را که میرود

فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهُ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ

در بحر بحکم او و نگه میدارد آسمان را

اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلَّا يَدُّنْهُ

از آنکه بیفتد بر زمین مگر به حکم او

اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَكَرُّؤُفٌ رَّحِيمٌ ۝۴۹

هر آئینه الله به مردم نرمی کننده مهربان است

تفسیر : باوجودیکه نه به شما و نه بدیگری احتیاج دارد لطف و شفقت او را بنگرید که بروبحر را چگونه تحت تصرف و تسخیر شما درآورده است - او تعالی به ید قدرت خود آسمانها و ماه و آفتاب و جمیع ستارگان را درین فضای هوائی بدون ستون و پایه ظاهری معلق نگه داشته به قسمیکه از موضع خود پایان نمی شوند و اگر جدا شده و پاره پاره گردیده پایان می افتاد زمین شمارا از هم می پاشید تا وقتیکه حکم او تعالی نسبت به تحول نظام عالم صادر نشده باشد ، این اجرام سماوی همین طور در مواضع خود قائم میمانند و مجال ندارند که بقدر ذره هم از آن انحراف ورزند ، یا استثنای «الاباذنه» محض برای تاکید اثبات قدرت است و یا شاید بطرف واقعه قیامت اشاره باشد . والله اعلم .

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ

و اوست آنکه زنده کرده شمارا پس میمیراند شمارا

ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ط

باز زنده میکند شمارا

تفسیر : قومیکه از باعث کفر و جهل به مرگ روحانی مرده اند آنرا محض بذریعه روح ایمانی و معرفت زنده میکند .

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ۝۳۳

هر آئینه انسان ناسپاس است

تفسیر : این همه احسانات و انعامات حق را دیده تسلیم ندارد و حقوق منع حقیقی را گذاشته نزد دیگران سر نیاز فرو می آرد (یعنی دیگران را پرستش میکند) .

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ

برای هر امت مقرر کرده ایم یک راه بندگی که ایشان

نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ

عمل کننده اند به آن پس نباید که نزاع کنند با تو در این کار (دین)

وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ

و دعوت کن بسوی پروردگار خود مرا آئینه تو بر

هُدًى مُّسْتَقِيمٌ ۖ وَإِنْ جَادَلُوكَ

راه راستی و اگر مجادله کنند با تو

فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۖ

پس بگو الله داناتر است به آنچه می کنید

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

الله حکم میکند در میان شما در روز قیامت

فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۖ

در آنچه بودید که در آن اختلاف میکردید

تفسیر : در اصول دین تمام انبیاء متفق اند ولی الله تعالی برای هرامت صورت های بندگی را در زمانهای مختلف به انواع متفاوته معین فرموده است که امم سابقه بر وفق آنها عبادت خدا را بجا می آوردند برای امت محمدیه هم يك شریعت خاص فرستاده شده لیکن اصل دین همیشه یکی بوده و بدون الله گاهی برای چیز دیگری عبادت مقرر نشده است از آن رو در مسائل متفق علیها مثل توحید و غیره مناظره و مجادله برای هیچکس در هیچ حالت مناسب نیست چون معاندین در چنین مسائل واضح و آشکارا دلائل باطله می آورند به آن اهمیت ندهید شما به راه راست قائم هستید مردم را بسوی آن دعوت کنید و معامله مجادله را به خدای یگانه بسپارید او تعالی از تمام حرکات آنها واقف است و به روز قیامت تمام اختلافات و مناظرات آنها را فیصله عملی خواهد کرد خوات فرض دعوت و تبلیغ را ادا نما و در فکر آنها درد سر را بخود راه مده علاج اینگونه معاندین نزد خداست .

تنبيه : ومطلب «فلا ينافي الامر» چنین نیز میتواند شد که چون الله تعالى به هر امت دستور العمل جداگانه مقرر کرده است پس اگر برای امت این پیغمبر شریعت نوی فرستاده شده در آن چه سخن است نامورد مجادله و مناظره قرار گیرد ، بعضی از مفسرین «منسك» را بمعنی ذبح و قربانی گرفته اند مگر اقرب همان است که مترجم محقق قدس الله روحه اختیار فرموده . (والله اعلم) .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ

آیا ندانسته‌ای که (هر آئینه) الله میداند آنچه در آسمان

وَالْأَرْضِ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ

و زمین است (هر آئینه) این همه ثبت است در کتاب

إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝۷۰

(هر آئینه) این همه بر الله آسان است

تفسیر : یعنی علم خدا (ج) تنها با اعمال آنها منحصر نیست بلکه علم الهی (ج) بر آسمان و زمین و همه چیزها محیط است و بنابر بعض مصالح و حکمت‌ها همه وقایع مطابق آن علم در لوح محفوظ ثبت است و نیز تمام اعمال بنی آدم در عملنامه های ایشان مندرج است و موافق آن به روز قیامت فیصله میشود ، این همه چیز های بشمار را بدرستی دانستن و نوشتن و موافق و مطابق آن هر يك را فیصله کردن نزد خدا کار مشکلی نیست که تکلیف و مشقتی برای او راجع شود .

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و می پرستند به جز الله

مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۚ مَا لَيْسَ

چیزی را که فرو نفرستاده است به آن حجتی و چیزی را که نیست

لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ ط

علمی

به آن

ایشان را

تفسیر : کفار محض به تقلید کور کورانه آباء واجداد خود این کار را میکنند و هیچ دلیل نقلی و یا عقلی ندارند .

وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ۝۷۱

مددگار

هیچ

ستمگاران را

و نیست

تفسیر : بزرگترین ظلم و بی انصافی این است که در مقابل خدای واحد شریک قرار دهند مگر باید این طایفه ظالم و بی انصاف خوب به یاد داشته باشند که معبودان شان در حین وقوع رنج و مصیبت اصلاً بکار آنها نمی آیند و نه هیچ شخصی ایشانرا در آن زمان کمک و معاونت میتواند کرد .

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

آیات ما درحالیکه روشن است

برایشان

چون خوانده شود

و

تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ

روی های

در

می شناسی

كَفَرُوا وَاللَّهُ يُكَادُ أَنْ يَسْطُونَ

که حمله کنند

نزدیک اند

بدشکلی

کافران

بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

آیات ما را

برایشان

میخوانند

بر آنانکه

تفسیر : از شنیدن آیات روشن قرآن که مسائل توحید و غیره را بیان میکند چهره های کفار زشت و بدنما میگردد و از فرط کراهت چین به جبین می افکنند حتی از شدت غیظ و غضب دیوانه وار میخواهند بقارئین آیات حمله کنند چنانچه بعضی اوقات باین عمل زشت اقدام میکنند .

قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّنْ ذَٰلِكُمْ ط

بگو آیا خبردهم شما را به بدتر ازین چیزیکه

النَّارُ وَاَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِي يَنْ

آن آتش است که وعده کرده آنرا الله برای

كُفِّرُوا ۖ وَبِئْسَ الْهَصِيرُ ۝٧٢

کافران و بد مرجع است آن

تفسیر : علاوه بر بدشکلی و کراهتی که از شنیدن آیات الله برای تان رو میدهد يك چیز سخت ناگوار دیگری نیز هست که به هیچ صورت بران صبر کرده نمیتوانید و آن آتش دوزخ است که برای کافران وعده داده شده ، پس هردو را موازنه کرده فیصله نمائید که نوشیدن کدام يك ازین دوجرعه تلخ نسبتاً برای تان آسان است .

يَأْيُهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ

ای مردمان بیان شده مثلی

فَاَسْتَمِعُوا لَهُ ط

پس بشنوید آنرا

تفسیر : در مقابل توحید برای اظهار شناعت و قباحث شرك این مثال را بیان فرمود که باید آن را به گوش هوش بشنوید و بغور و دقت بفهمید تا ازین عمل خلی زشت و ذلت آور باز آئید .

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ

(هرآئینه) آنان را که می‌پرستید بجز

اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَا

الله هرگز آفریده نمیتوانند مگس را و اگرچه

اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ

جمع شوند برای آن و اگر برباید از ایشان

الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُ وَهُ

مگس چیزی را خلاص نتوانند کردن آنرا

مِنْهُ ضَعْفٌ طَالِبٌ وَالْمَطْلُوبُ ۝۷۳

از مگس ناتوان است طالب و مطلوب (یعنی عابد و معبود)

تفسیر : مگس يك جانور بسیار ادنی و حقیر می‌باشد و معبودان باطل اگرچه همه یکجا شوند نمیتوانند مگسی پیدا کنند و یا اگر مگسی از نزد آنها چیزی را برباید واپس از او گرفته نمیتوانند . پس آنها را در برابر خالق السموات والارض بر کرسی معبودیت نشانیدن چقدر حماقت و بی‌حیائی و گستاخی است راست این است که مگس ضعیف ، بتان آنها نسبت به مگس ضعیف تر و پرستندگان بتان از بتان خود ضعیف ترند که چنین چیز ضعیف و حقیر را معبود و حاجتروای خود ساخته اند .

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ط

قدر نکردند الله را حق قدر او

إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٦﴾

(هر آئینه) الله توانا غالب است

تفسیر : اگر می فهمیدند چگونه مرتکب چنین گستاخی میشدند ؟ آیا شان رفیع و قدر و منزلت خداوند همین است که چنین چیزهای ناتوان را شریک او گردانند (العیاذ بالله) درپیشگاه قوت و عزت او تعالی فرشتگان بسیار مقرب و پیغمبران رفیع المنزله هم ناتوان اند ذکر ایشان درآینده می آید .

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا

الله برمیگزیند از فرشتگان رسولان

وَمِنَ النَّاسِ

و از مردمان

تفسیر : خداوند (ج) بعضی از فرشتگان خود را به پیامبری مامور نمود (مثلاً جبرئیل ع) و نیز بعض انسانها را که خداوند (ج) برای این منصب انتخاب فرماید البته ظاهر است که رتبه آنها از تمام خلایق باید بلندتر باشد .

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٧﴾

(هر آئینه) الله شنوا بیناست

تفسیر : تمام سخنان آنها را میشنود و تمام احوال ماضی و مستقبل آنها را می بیند بنابراین او تعالی حق دارد که هرکرا بخواهد نظر به اهلیت و استعداد او به منصب رسالت فایز گرداند - «الله اعلم حیث يجعل رسالته» (انعام رکوع ۱۵) حضرت شاه صاحب (رح) می نویسد «از جمله مخلوقات بهتر آنانند که پیغام خداوندی را میرسانند و از جمله فرشتگان هم همان فرشتگان بهترند - پس هدایات آنها را ترك دادن و بتان را پذیرفتن چقدر کار باطل است » .

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ط

میداند آنچه پیش روی ایشان است (چیزهای گذشته و حاضره) و آنچه پس ایشان است

وَالِلّٰهِ تَرْجُعُ الْاُمُورُ ﴿٧٦﴾

و بسوی خدا گردانیده میشود همه کارها

تفسیر : آنها (یعنی فرشتگان و پیغمبران) هم اختیار ندارند و اختیار هر چیز بخداست (کذا فی الموضع) .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا

ای مومنان رکوع کنید

وَأَسْجُدْ وَارْءَ الْعُبْدِ وَارْءَ بَعْضِكُمْ

و سجده کنید و بندگی نمائید و پروردگار خود را

وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾

و بکنید کار نیکو تا شما رستگار شوید

تفسیر : بعد از تقبیح شرك و تفضیح مشرکین مؤمنین را خطاب میکند که رب یگانه خود را همیشه بندگی کنید فقط بحضور او سر نیاز فرود آرید و حاجات خود را به آن ذات مقدس و بی نیاز عرضه نمائید و سایر اعمال نیک را محض برای تحصیل رضای او بجا آرید تا در دنیا و آخرت رستگار شوید .

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ط

و کوشش کنید برای الله (درواه خدا) به کوششی که شایسته اوست

تفسیر : برای تهذیب نفس خود و اصلاح دنیا طوری زحمت بکشید که سزاوار این مقصد عظمی باشد . فکر کنید که برای حصول کامیابی در مقاصد دنیوی چه زحمات و رنجها را متحمل میشوید اگر همان طور برای موفقیت اخروی هر قدر رنج ها و زحمات را بر خود تحمیل نمائید باز هم کم است .

تنبیه : کلمه (مجاهده) هر گونه کوشش را از قبیل زبانی ، قلمی ، مالی و بدنی متضمن است و تمام اقسام «جهاد» (جهاد مع النفس ، جهاد مع الشیطان ، جهاد مع الکفار ، جهاد مع البقات ، جهاد مع المبطنین) در ذیل آن می آید .

هُوَ أَجْتَبَكُمْ

او برگزید شما را

(السجدة عند الشافعی)

تفسیر : خداوند تعالی پیغمبر افضل و اکرمی به شما عنایت کرد و نسبت به کلیه شرایع شریعت اتم و اکمل برای تان ارزانی داشت و برای اینکه در تمام دنیا پیغام خدا (ج) را برسانید شما را بر گزید و بر تمام امتها فضیلت بخشید .

وَمَا جَعَلْ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ط

و نگردانید بر شما در دین هیچ چیز مشکل

تفسیر : در دین مبین اسلام چنین مشکلی نگذاشته که برداشت آن دشوار باشد ، در احکام هرگونه رخصتها و سهولتها رعایت شده اما این سخن دیگری است که خود شما چیز آسان را بر نفس خویش مشکل بسازید .

مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ ط

(مثل) دین پدر شما ابراهیم

تفسیر : چون ابراهیم (ع) یکی از اجداد آنحضرت (ص) است لذا پدر تمام امت گفته شد یا مراد این است که پدر عرب است زیرا اولین مخاطب قرآن ایشان اند .

هُوَ سَبَّحُكُمْ الْمُسْلِمِينَ ه مِنْ قَبْلُ

او (الله) نامید شما را مسلمان پیش ازین

وَفِي هَذَا

و درین قرآن

تفسیر : الله تعالی شما را در کتب سابقه و نیز در قرآن «مسلم» نام نهاد (که معنی آن حکم بردار و وفات شعراست) و یا این نام را ابتداء ابراهیم (ع) بر شما نهاد چنانچه در دعای خود گفته «وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ» (بقره رکوع ۱۵) و در قرآن هم شاید به واسطه دعای او باین نام یاد شد بهر حال نام شما «مسلم» است اگرچه امم سابقه هم مسلم بودند مگر بطور لقب فقط به شما ارزانی شده و باید احترام آنها نگه دارید .

لَيَكُونَنَّ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ

تا باشد رسول تعلیم دهنده (گواه) شما

وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

و باشید شما

تعلیم دهنده (گواه)

به

مردم

تفسیر : شمارا ازین سبب انتخاب نمود تا شما امم دیگر را تعلیم نمائید و شمارا رسول تعلیم دهد و این امت باین غرض از دیگران متأخر آمده تا غلطی های امم سابقه را اصلاح نماید و آنها را براه راست بیارد ، گویا اعطای مجد و شرف باین امت ازین سبب است که برای دنیا معلم گردد و جهاد تبلیغی کند .

تنبیه : مفسرین دیگر «شہید» و «شهداء» را به معنی «گواه» گرفته اند چون در روز قیامت امم دیگر انکار کنند که پیغمبران بما تبلیغ نکرده اند و از پیغمبران گواه خواسته شود ایشان امت محمدیه را بطور گواه پیش خواهند کرد ، این امت گواهی خواهند داد که بلاشک و شبیه پیغمبران دعوت و تبلیغ نموده ، حجت خدا (ج) را بر مردم تمام کردند چون از ایشان سوال شود که شما چگونه دانستید جواب دهند که پیغمبر ما بما اطلاع داده و به صداقت او کتاب محفوظ خدا (ج) (قرآن کریم) گواهی میدهد گویا این فضل و شرف از آن باین امت داده شده که در یک دعوی بسیار مهم و بزرگ بطور شهود و گواه با کمال احترام بحضور خداوند (ج) می ایستند لیکن قبولیت و اعتبار گواهی شما از طفیل پیغمبر شماست که ایشان تزکیه شمارا میکنند .

فَاقِمُْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

پس برپا دارید

نماز را

و

داده باشید

زکوة را

واعتصموا باللهِ ۚ هو مَوْلَاكُمْ

و اعتماد کنید

به

الله

اوست

مالك شما

فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ

پس نیک

مالك است

و نیک

مددگار است

تفسیر : انعامات الهیه را قدر کنید نام و لقب ، فضل و شرف خود را حفاظت نمائید و بدانید که شما برای یک کار بسیار بزرگی موظف شده اید بنابراین اول خود را نمونه عمل و مثل اعلی قرار دهید در نماز و زکوة (به عبارت دیگر در عبادات بدنی و مالی) کوتاهی نکنید در هر عمل حبل المتین الهی (ج) را محکم بگیرید و یک قدم از جاده حق تخلف نکنید و به فضل و مرحمت او تعالی اعتماد داشته باشید و تمام کمزوریها را ترک داده تنها خدا (ج) را مولی و مالك خود بدانید زیرا مالك و مددگاری بهتر از او تعالی یافته نمی شود «وَجْعَلْنَا مِنْ مَّقِيمِ الصَّلَاةِ وَمُؤْتِي الزَّكَاةِ وَالْمُعْتَصِمِينَ بِكَ وَالْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ فَاَنْتَ مَوْلَانَا وَنَاَصِرُنَا فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ اَنْتَ وَنِعْمَ النَّصِيرُ» - تم سورة الحج بفضل و منه فله الحمد و علی نبیه الصلوة والتسلیم .

۹۹ نام های **الله** قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِیْظُ
۳۹	الْمُقِیْتُ
۴۰	الْحَسِیْبُ
۴۱	الْجَلِیْلُ
۴۲	الْكَرِیْمُ
۴۳	الرَّقِیْبُ
۴۴	الْمُجِیْبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِیْمُ
۴۷	الْوُدُودُ
۴۸	الْمَجِیْدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِیْمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِیْعُ
۲۷	الْبَصِیْرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطِیْفُ
۳۱	الْخَبِیْرُ
۳۲	الْحَلِیْمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِیْمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَیْمِنُ
۸	الْعَزِیْزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

٨٣	الرَّؤُوفُ
٨٤	مَالِكُ الْمُلْكِ
٨٥	ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
٨٦	الْمُقْسِطُ
٨٧	الْجَامِعُ
٨٨	الْغَنِيُّ
٨٩	الْمُغْنِي
٩٠	الْمَانِعُ
٩١	الضَّارُّ
٩٢	النَّافِعُ
٩٣	النُّورُ
٩٤	الْهَادِي
٩٥	الْبَدِيعُ
٩٦	الْبَاقِي
٩٧	الْوَارِثُ
٩٨	الرَّشِيدُ
٩٩	الصَّبُورُ

٦٦	الْوَاحِدُ
٦٧	الْأَحَدُ
٦٨	الصَّمَدُ
٦٩	الْقَادِرُ
٧٠	الْمُقْتَدِرُ
٧١	الْمُقَدَّمُ
٧٢	الْمَوْخِرُ
٧٣	الْأَوَّلُ
٧٤	الْآخِرُ
٧٥	الظَّاهِرُ
٧٦	الْبَاطِنُ
٧٧	الْوَالِي
٧٨	الْمُتَعَالِي
٧٩	الْبَرُّ
٨٠	التَّوَابُ
٨١	الْمُنْتَقِمُ
٨٢	الْعَفُوُّ

٤٩	الْبَاعِثُ
٥٠	الشَّهِيدُ
٥١	الْحَقُّ
٥٢	الْوَكِيلُ
٥٣	الْقَوِيُّ
٥٤	الْمَتِينُ
٥٥	الْوَلِيُّ
٥٦	الْحَمِيدُ
٥٧	الْمُخْصِي
٥٨	الْمُبْدِئُ
٥٩	الْمُعِيدُ
٦٠	الْمُحْيِي
٦١	الْمُمِيتُ
٦٢	الْحَيُّ
٦٣	الْقَيُّومُ
٦٤	الْوَاجِدُ
٦٥	الْمَاجِدُ

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآن کریم ذکر شده است

۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سلیمان ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

۲۶ - محمد (ص)

پنج پیغمبران اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسی ع

۴ عیسی ع

۵ محمد ص

حضرت محمد (ص) و چہار یارانش

۱ حضرت ابوبکر
صدیق رض

حضرت
محمد
ص

۲ حضرت
عُمر
رض

۴ حضرت
علی
رض

۳ حضرت
عثمان رض



HOLY QURAN

With

Tafsire Kabuli

17